تصویر ابو عبد الرحمن الكردي

تربیت فرزندان در پرتو شریعت

مؤلف : حضرت مولانا سبحان محمود (رح)
مترجم : افضل دهمرده نژاد

ویژه اهل سنّت

بسم الله الرحمن الرحيم

تربیت فرزندان در پرتو شریعت

اثر:

شیخ الحدیث مولانا سبحان محمود «رحمة الله علیه»

ترجمه:

افضل دهمردنژاد

محمود، سبحان
تربیت فرزندان در پرتو شریعت / اثر سبحان محمود؛ ترجمه افضل دهمردنژاد. ـ تربت جام:
شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۱.
۱۷۱ ص.
ISBN 964-6165-98-x
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی: تربیت اولاد.
۱. تربیت خانوادگی (اسلام). ۲. اسلام و آموزش و پرورش. ۳. کودکان -- سرپرستی. الف. دهمردنژاد، افضل، مترجم. ب. عنوان.
۴۰۴۶ ت ۳۵ م / ۴ / BP ۲۵۳ ۲۹۷/۶۳۴
۱۳۸۱
کتابخانه ملی ایران. م ۸۰-۲۳۵۶۶

انتشارات شیخ‌الاسلام احمد جام ـ تلفن : ۲۲۲۵۲۳۸-۰۵۲۸

تربیت فرزندان در پرتو شریعت

تألیف

محمود سبحان

ترجمه

افضل دهمرده‌نژاد

وزیری، ۱۷۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۸

بها : ۱۵۰۰۰ ریال

شابک ۹۶۴-۶۱۶۵-۹۸-x (ISBN 964-6165-98-x)

مقدمه مترجم

اهمیت تعلیم و تربیت: در بیان اهمیّت تعلیم و تربیت همین قدر کافی است که محقق شدن گوهر آدمی منوط به آن است، مراقبت و مواظبتهایی که تحت عنوان تعلیم و تربیت در مورد انسان اعمال می‌شود، شرط رسیدن آدمی به مرحلهٔ کمال است، نوزاد آدمی هر چند فرزند آدم است، آدم نیست و بشر تنها با تعلیم و تربیت میتواند، آدم شود اگر درست تربیت شود انسانی فرشته خوی می‌گردد و اگر از تربیت درست بی‌بهره ماند نه تنها استعدادهای او از بین می‌رود بلکه به احتمال زیاد، به قهقرا می‌رود و به مرتبه حیوانات، بلکه فروتر از آن تنزل پیدا می‌کند. امام غزالی «رحمة الله علیه» می‌فرماید: «تو را حقیقت خود طلب باید کرد تا خود چه چیزی و از کجا آمدی و کجا خواهی رفت و اندرین منزلگاه به چه کار آمده‌ای و تو را از بهر چه آورده‌اند، و سعادت تو چیست و در

چیست، و شقاوت تو چیست و در چیست و این صفات که در باطن تو جمع کرده‌اند، بعضی صفات ستوران و بعضی صفات ددگان و بعضی صفات دیوان و بعضی صفات فرشتگان است. تو از این کدامی و کدام است که آن حقیقت گوهر تست و دیگران غریب و عاریت‌اند؟ که چون این ندانی سعادت خود طلب نتوان کرد»(۱).

با این مقدمه مختصر معلوم گردید که انسان نیاز به تربیت دارد و تربیت او باید از همان آغاز زندگی شروع شود و این مسئولیت بعهده پدر و مادر است، زیراکودک زیردست آنها پرورش می‌یابد و از آنجاکه به قول مشهور: (فرزندان آینه رفتار پدر و مادر هستند) باید پدر و مادر خودشان را با موازین شرعی و اخلاقی تطبیق دهند و بعد به فرزندان آن صفات خوب و موازین شرعی و اخلاقی را توصیه نمایند که این نکته را حضرت شیخ الحدیث مولانا سحبان محمود (رحمة الله علیه) در این گفتارهای شیرین با استدلال از قرآن و احادیث توصیه می‌فرماید.

خوانندهٔ گرامی: کتاب حاضر مجموعهٔ بیست سخنرانی استاد و مرشد بزرگوار بنده حضرت شیخ الحدیث مولانا سحبان محمود (رحمة الله علیه) است که فرزند و خلف صالح ایشان بعد از ضبط نمودن در غالب کتابی با نام «تربیت اولاد» چاپ و نشر نمودند که به توفیق حضرت حق ترجمهٔ فارسی آن را این حقیر انجام دادم. از آنجاکه متن کتاب

۱- کیمیای سعادت ج ۱ ص ۱۳ و ۱۴

بصورت سخنرانی بود و مطالب تکراری زیاد داشت. ترجمه آن بدینگونه انجام شده است که بیشتر شبیه به یک خلاصه نویسی است و مطالب تکراری حذف گردیده است.

از خداوند منّان خواستارم تا این کار فرهنگی هر چند کوچک را سبب اصلاح ما و فرزندانمان بگرداند و به بارگاه خودش بپذیرد.

از کلیه کسانی که در این کار با بنده همکاری داشتند کمال تشکر دارم.

و در پایان از کلیه اساتید و اندیشمندان عرصهٔ علم و دانش عاجزانه استدعا دارم اگر اشتباهی مشاهده فرمودند بنده را مطلع فرمایند.

هر که خواند طمع دعا دارم   زانکه من بندهٔ گنهکارم

افضل دهمرد نژاد

جمعه ۱۳۸۰/۵/۲۶

زاهدان مکتب فاطمة الزهرا. چهارراه رسولی

يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اِنَّ مَنْ اَزْوَاجِكُمْ وَ اَوْلَادِكُمْ عَدُوّاً لَكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ وَ اَنْ تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوْا وَ تَغْفِرُوْا فَاِنَّ اللهَ غَفُوْرٌ رَحِيْمٌ (۱)

تربیت صحیح اسلامی:

در رابطه با این موضوع هفته گذشته خدمت شما عرایضی داشتم و حاصلش این بود که اهل، عیال و فرزندان خودمان را باید درست تربیت کنیم آنچه که امروزه اکثر ما از آن غافلیم و قرآن کریم درباره آن طی هشداری بزرگ دستور می‌دهد: «**يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْاقُوْا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِيْكُمْ نَاراً**»(۲)

این آیه در رابطه با تربیت اسلامی فرزندان است که پیامبر (ﷺ) آن را توضیح و تشریح فرموده است. بسیار مایل هستم که این حرف‌ها با گوش دل شنیده شود و نیز امکان دارد که خداوند ما را توفیق عمل به آن عطا فرماید بنابراین اگر ما فرزندان را مطابق دستور قرآن تربیت کنیم بدون شک در آینده آنها برای ما افتخار و مایهٔ سرور خواهند بود نه تنها افتخار، بلکه نمونه‌ای از بهشت به چشم ما خواهد آمد و در آخرت نیز خداوند آنها را سبب راحت و آرامش پدر و مادر در بهشت قرار خواهد داد و اگر خدای ناخواسته از تربیت اسلامی فرزندان غفلت کنیم، در این مورد من فقط قول یکی از بزرگان را نقل می‌کنم که می‌فرماید: بزرگترین عذاب در آخرت متوجه کسی می‌شود که از تربیت اسلامی فرزندان

۱- سورة التغابن (۱۴)

۲- سورة التحریم (۶)

غفلت کند «خداوند حفاظت فرماید» و قیامت به زودی خواهد آمد و دور نیست و اهل علم می‌دانند که چرا این عذاب سخت است.

عذاب غفلت از تربیت اسلامی فرزندان

بزرگترین سبب عذاب این است که قرآن کریم به هر مؤمن و مؤمنه دستور فرموده است تا که فرزندان خود را تربیت اسلامی نمایند و آن کسانی که از این دستور شانه خالی می‌کنند گنهکار خواهند بود و این سلسله گناه تا آن زمان که خود و فرزندانشان زنده باشند جاری است خودتان اندازه بفرمائید که این چه عاقبت سنگین و بدی است که از توجه نکردن به تربیت فرزندان شروع گردید و ادامه خواهد داشت. هر چه غفلت بیشتر شود گناه آن بیشتر و سنگین‌تر خواهد بود و تا وقتیکه خود و فرزندان زنده باشند این سلسله گناه جاری و در آخرت به عذاب سخت گرفتار خواهند شد. «خداوند ما را در پناه خود حفظ کند» چونکه ما از تربیت اسلامی زن و فرزند غافل هستیم و این مطلب در رابطه با غفلت بود اما آن کسیکه تربیت درست فرزندان را یک کار بیهوده بداند خداوند از عاقبت او آگاه است بهرحال قرآن کریم هر مرد و زن مسلمان را موظف گردانیده است آنجا که می‌فرماید: «**یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا**»ای اهل ایمان، که شامل مرد، زن، جوان و پیر، هر عصر و زمانه می‌شود،ای اهل ایمان! «**قُوْا اَنْفُسَکُمْ وَ اَهْلِیْکُمْ نَاراً**» در این آیه خداوند در دو لفظ مختصر تمام مطالب را بیان فرموده یعنی اینکه خود و خانواده و فرزندان را از آتش جهنم

محافظت کنید توضیح این عبارت قرآن کریم به حدی وسیع است که در رابطه با آن کتابهای بزرگی تقریباً مشتمل بر ۵۰۰۰ صفحه نوشته شده است که مختصری از آن توضیحات را به اندازه‌ای که خداوند توفیق دهد عرض خواهم کرد «تیزی آتش جهنم» در این آیت تیزی و دردناک بودن آتش جهنم بیان گردیده است **«وَ قُوْدُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»** آن جهنمی که سوخت آن سنگ و انسانها هستند آتش سنگ را شما می‌دانید که چقدر سوزان است و چه حرارت و شعلهٔ سوزانی دارد و انسانها را در جهنم می‌اندازند و مانند هیزم می‌سوزند یعنی از آتش جهنمی که هیزم آن سنگها و انسانها هستند خود و فرزندان‌تان را نجات دهید.

فرشتگان چگونه نگهبان جهنم هستند؟

بعد از این خداوند می‌فرماید **«عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ»** بر جهنم نگهبانانی گذاشته شده که دارای خوی تند و سخت هستند «شِدَادٌ» نیرومند و قوی هستند هر کسی را که بگیرند نمی‌تواند خودش را رها سازد و فرار کند. و در مورد هر کسیکه به آنها دستور رسد که فلانی را بگیرید و در آتش جهنم بیندازید مطمئناً در دل آنها نسبت به هیچ کسی رحم و مروّت نخواهد بود. و طبیعت آنها از سنگ نیز سخت‌تر است. و از زاری و نالهٔ اهل جهنم متأثر نمی‌شوند و فریاد کسانیکه در جهنم هستند بر آنها تاثیر نمی‌گذارد این چنین فرشتگان کر و کور بر جهنم مقرر گردیده‌اند **«عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ»** فرشتگان

سخت و سنگدل، قوی و پهلوان که در آنجا نه سفارش است و نه رشوت و در آنجا آه و زاری سودی ندارد و فریاد کردن فایده‌ای ندارد، هر چه به آنها دستور داده شود فوراً آن را اجراء می‌کنند و در اعمال و انجام آن ذره‌ای نرمی و ترّحم ندارند. بلکه از حدیث ترمذی معلوم می‌شود و قرآن نیز به آن اشاره دارد **«وَ قَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ اُدْعُوْا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنّا يَوْماً مِنَ الْعَذَابِ»**[1]

اهل جهنم خطاب به مأموران جهنم می‌گویند حرف ما را کسی گوش نمی‌کند و شما بندگان معصوم خداوند هستید، گناهی انجام نداده‌اید **«اُدْعُوا رَبَّكُمْ»** از پروردگارتان بخواهید **«يُخَفِّف عَنّا يَوْماً مِنَ الْعَذَابِ»** تا عذاب یکروز را از ما بردارد. (و چون اینان اطمینان حاصل کرده‌اند از جهنم بیرون نمی‌شوند) ولی کم از کم از عذاب یک روز را از ما بردارد.

در حدیث ترمذی آمده است که اهل دوزخ تا ۱۰۰۰ سال فرشتگان را فریاد می‌زنند فرشتگان جواب نمی دهند و به آنها توجه نمی‌کنند بعد از یک هزار سال فرشتگان جواب آنها را می‌دهند که آن جواب در قرآن آمده است.

«قَالُوا اَوَلَمْ تَکُ تَاتِيْكُمْ رُسُلُكُمْ بِالبَيِّنَاتِ، قَالُوا بَلىٰ، قَالُوْا فَادْعُوْا وَ مَا دُعَاءُ الْكٰفِرِينَ اِلاّ فِىْ ضَلٰلٍ» [2]

۱- سورة المومنون (۴۹)

۲- المومنون (۵۰)

فرشتگان جواب می‌دهند،ای کسانیکه فریاد می‌زنید، مگر پیامبران در دنیا با دین حق نزد شما نیامدند چرا شما آنها را مورد اذّیت و آزار قرار دادید و آنها را تکذیب نمودید و نبوت آنها را انکار کردید و آنچه انجام شدنی بود شما در زندگی دنیا انجام ندادید و بعد از دنیا انسان نمی‌تواند هیچ عملی انجام دهد و هر چه می‌خواهید انجام دهید در همین چند روز زندگی انجام دهید و در آینده نخواهید توانست کاری انجام دهید به محض اینکه چشم‌ها بسته شدند و روح از بدن بیرون شد انسان به محلی می‌رسد که در آنجا شنوایی نیست، بنابراین شما باید در دنیا آنچه می‌خواستید انجام دهید باید انجام می‌دادید آن جائیکه پیامبران به نزد شما آمدند چرا حرف و سخن آنها را نپذیرفتید. توجه کنید بعد از هزار سال تقاضا به آنها جوابی داده شد که آنها را محروم کرد و فرشتگان این جواب را می‌دهند که هیچ امیدی از ما نداشته باشید.

«**قَالُوْا بَلىٰ**» اهل جهنم می‌گویند بله نزد ما پیامبران با دعوت بسوی حق آمدند. ولی ما حرف و سخن آنها را قبول نکردیم تا هزار سال اینها به اشتباهشان اعتراف می‌کنند که حرف آنها را قبول نکردیم. شما ای فرشتگان محض رضای خدا برای ما دعا کنید بعد از هزار سال این فرشتگان جواب می‌دهند «**قَالُوْا فَادْعُوا**» خودتان بنگرید که آیا این دعا اثر می‌کند یا خیر؟ که خودتان دعا کنید ما نخواهیم کرد چونکه به فرشتگان دستور داده شده تا برای کافران در دنیا و آخرت دعا نکنند و این در حالیست که فرشتگان مأمور به دعا

برای مسلمانان هستند یعنی دعا برای آن کسانیکه بر صراط مستقیم حرکت می‌کنند همسر و فرزندان خود را نیز به پیمودن این راه ارشاد و هدایت می‌کنند.

دعا فرشتگان برای بندگانی که به احکام خداوند عمل می‌کنند

از اهل ایمان آن کسانیکه به احکام خداوندی عمل می‌نمایند فرشتگان برای آنها دعا می‌کنند. کدام فرشتگان؟ فرشتگان معمولی نه! بلکه آن فرشتگانی که عرش الهی را حمل می‌کنند و آن فرشتگانی که به عرش الهی نزدیک هستند. قرآن کریم می‌فرماید: **«اَلّذِیْنَ یَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبّهِمْ و یَسْتَغْفُرُوْنَ لِلّذِیْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شِیْءٍ رَحْمَةً وَعِلْماً»**[(۱)] نه تنها فرشتگان حمل کنندۀ عرش خداوندی بلکه تمام فرشتگان اطراف آن و آن فرشتگانی که در راست و چپ، بالا و پائین در تمام آسمانها، کارشان این است که **«یَسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبّهِمْ»** به ستایش پروردگار خویش مشغول هستند **«وَ یَسْتَغْفِرُوْنَ لِلّذِیْنَ اٰمَنُوا»** و طلب آمرزش می‌کنند برای اهل ایمان - ببینید که ایمان چه ثمره‌ای دارد! و اعمال صالحه چه نتیجه‌ای دارند! ثمرۀ آن از سوی فرشتگان بی‌شماری دعا، دعای طلب آمرزش، دعای طلب رحمت و برکت است. این گفته قرآن کریم است و من از خود نمی‌گویم. و برعکس این، اطاعت و فرمانبرداری نکردن از دستورات خداوند علی الخصوص ترک اسلام و ایمان چه عاقبت و سرانجام

۱- المومنون (۴۰)

بدی دارد؟ و شما قبل از این آیۀ سوره مومن را شنیدید. که تا هزار سال فریاد می‌زنند ولی فرشتگان جواب نمی‌دهند. من عرض کرده بودم این فرشتگان آن قدر تندخو و بد اخلاق هستند و آنقدر قوی و پهلوانند که هیچ کسی توان مقابله با آنها را ندارد نه تنها تمام انسانها بلکه تمام کائنات اگر برای مقابله با یک فرشته جمع شوند مطمئناً شکست خواهند خورد، کار آنها چیست؟ **«لاَ يَعْصُوْنَ اللهَ مَا اَمَرَهُمْ»** از حکم خداوند نافرمانی نمی‌کنند و نزد آنها سفارش و رشوت و غیره هیچ ارزشی ندارد و به کار نه آید وقتی خداوند دستور می‌دهد که کافری را بگیرید و در جهنم اندازید تمام دولت و ملت‌های دنیا سفارش کنند سودی نخواهد بخشید **«وَ يَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ»** آنجا مهلت ذره‌ای فکر و تأمل نیست هر حکم و دستوری که به آنها داده می‌شود فوراً آن را اجراء می‌نمایند. این تیزی آتش جهنم و پهلوانی مأموران و نگهبانان آن تحت کدام آیه بیان گردیده است؟ تحت آن آیه‌ایکه در آن به اهل ایمان دستور داده شده تا اهل و عیال خودشان را تربیت و اصلاح کنند. بخاطر اینکه تربیت و اصلاح همسر و فرزندان نزد تمام علماء فرض عین است همچنانکه نماز و روزه فرض عین هستند به همین جهت من در آغاز گفته بودم کسانیکه از آن غفلت ورزند مرتکب گناه می‌شوند و مرتباً این گناه آنها زیاد می‌شود. وقتیکه پیامبر (ﷺ) این آیه را تلاوت فرمودند: **«قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِيْكُمْ نَاراً»** یعنی خود و خانواده خود را از آتش جهنم نجات دهید. حضرت فاروق اعظم (رضی الله عنه) از پیامبر سوال کرد

نجات دادن خود انسان از آتش جهنم امری واضح است و ما آن را فهمیدیم که باید به خدا و پیامبرش ایمان آوریم یعنی مسلمان و مومن شویم از دستورات خدا و پیامبر (ﷺ) اطاعت و فرمانبرداری کنیم و با این طرز عمل از آتش جهنم نجات حاصل کنیم. ولی همسر و فرزندان را چگونه از آتش جهنم نجات دهیم. این سئوال حضرت فاروق اعظم (رضی الله عنه) بود و همه نسبت به او و مقامش آشنایی دارید. پیامبر (ﷺ) در جواب فرمودند: که به همسر و فرزندان پای‌بندی و عمل به احکام خداوند را به آنها توجیه کنید. و بر مواظبت و پای‌بندی آنها نظارت کنید و آن چیزهائیکه گناه است به آنها اطلاع دهید و پرهیز از گناه را به آنها گوش‌زد نموده و آنها را از انجام گناه منع کنید و این نجات همسر و فرزندان از آتش جهنم است. و این جواب را پیامبر (ﷺ) به عمر فاروق (رضی الله عنه) دادند.

طریقه نجات دادن اهل و عیال از آتش جهنم

ما باید به زندگی خودمان بنگریم که تا چه میزان مطابق آن است؟

بهرحال! به طور اصولی و بنیادین این دو مطلب معلوم گردید یکی اینکه بنیاد در تربیت اسلامی این است که چگونه از آتش جهنم نجات پیدا کنند. و توضیح آن در حدیث چنین آمده است که به همسر و فرزندان خود بیاموزد چه چیزی فرض است و چه چیزی واجب، چه چیزی حرام است و چه چیزی حلال؟ نه تنها آموختن بلکه تمام تدابیر خود را برای وادار نمودن آنان به عمل، به کار بندد این فرمودهٔ پیامبر (ﷺ) بود. حالا به آیه قرانی توجه

کنید که خطاب می‌کند،ای اهل ایمان که این خطاب پدر، مادر، برادر بزرگ، خواهر بزرگ، پیر و جوان را شامل می‌شود و تحت اهل ایمان، گذشتگان که وفات یافته‌اند آیندگان که خواهند آمد مردم مکه معظمه، مدینه منوره، تمام عرب، مردم هندوستان و پاکستان بلکه تمام اهل ایمان چه در شمال یا جنوب، شرق یا غرب باشند داخل هستند. با این گفته که امروزه نمی‌توان احکام الهی را اجرا کرد چون جامعه و شیوه زندگی عوض شده و با این حرف‌های تکراری خودمان تسلی دهیم.

ممکن است این حرف‌هابرای تسلی دل کافی باشند ولی نمی‌توان حق و حقیقت را فراموش کرد و حقیقت آن چیزی است که قرآن کریم بیان فرمود آنچه در دل‌های ماست فریبی بیش نیست که ما با بیان این مطالب تکراری خودمان را فریب می‌دهیم و نتیجه‌اش نیز جلوی روی ماست که امروزه اکثریت مردم و معاشرت آنان بلحاظ دنیوی به گونه‌ای است که نمی‌توان به زبان آورد «خداوند حفاظت فرماید» در اخلاق، شرافت، مواساة و همدردی این همه خرابی چرا؟ و اینها خود به خود اینگونه خراب نشدند بلکه دارای علت هستند و علت شان همین فریب است. بله امروزه زندگی عوض شده و ما هم نسبت به فرزندان سخت‌گیری نمی‌کنیم و آنها را رها می‌کنیم تا مطابق معاشرت عصر خویش رشد کنند.

بهرحال آن آیه خطاب به همه ماست، من و شما، زنان، پدران، پدربزرگان، مادربزرگان

همه تحت خطاب این آیه داخل هستیم آیا شما می‌دانید چرا این خطاب اینقدر عام است؟ در جواب سؤال مثالی ذکر کنم شما می‌دانید رشد و پرورش یک درخت نیاز به چند عامل دارد تا زمانیکه تمام عوامل رشد درخت از چهار سوجمع نگردد درخت رشد نخواهد کرد بلکه باید تمام عوامل از هر سو جمع شوند تا یک درختی بصورت درست و صحیح رشد کند. ما که انسان هستیم آیا برای رشد و پرورش انسان نیاز به عوامل نیست؟ مطمئناً هست!

خودت برای نجاتت فکر کن

خداوند در قرآن می‌فرماید: «**قُوْا اَنْفُسَكُمْ**» خودت را نجات ده، این چه لفظ عجیبی است که از آن اشاره‌ای به این مطلب است که فقط دعا کردن، طلب دعا کردن از بندگان نیک خداوند و یا گفتن بزرگ و مرشدی کافی نیست. باید خودت به فکر نجاتت باشی، تو خودت عمل کن و خودت را نجات ده که اگر اینطور کنی مطمئناً مدد و کمک خداوندی شامل حال تو خواهد شد و نجات پیدا خواهی کرد. ولی قدم برداشتن برای عمل لازمی و ضروریست.

در این دنیا، کوچکترین کار بدون زحمت و عمل انجام نمی‌شود. مثلاً شما تشنه می‌شوید گرسنه می‌شوید اگر بخواهید تشنگی‌تان را برطرف نمائید اگر سرجای تان بنشینید تشنگی برطرف نمی‌شود و آب در لیوان بخودی خود به طرف دهان شما حرکت

نخواهد کرد. یک کمی دقت کنید برای برطرف نمودن تشنگی ضروری است که از سرجایتان حرکت کنید لیوان را بردارید و تا جائی که آبها قرار دارند بروید آب را در لیوان خالی کنید و با اراده خود بر دهان بگذارید و بنوشید. این جاست که تشنگی برطرف می‌شود. اگر یکی از این مراحل را انجام دهید قطعاً تشنگی برطرف نخواهد شد. آب که یک چیز معمولی است برای آن وجود ظرف ضروری است. بله سروران! فکر کنید برای حاصل کردن بهشت و دنیای خود را بهشت ساختن، آیا نیاز به کار و زحمت نیست.

بهشت مفت نمی‌رسد

من از بزرگان خودم شنیدم که آنها می‌فرمودند «بهشت مفت نمی‌رسد» و این جمله عجیبی است و برای بدست آوردن بهشت نیاز به زحمت است و آن زحمت و تلاش بر خلاف نفس است و در اصل اینها کاملاً حرف درستی گفته‌اند چون که در حدیث بخاری شریف آمده است «**حجبت النار بالشهوات و حجبت الجنة بالمکاره**» (۱)

پیامبر (ﷺ) می‌فرماید: بهشت را با کارهای خلاف نفس و خلاف مزاج پوشیده‌اند و جهنم را با برآوردن خواهشات نفسانی بصورت آزاد پوشیده‌اند شما می‌دانید هر کسی که برای رضای خداوند مطابق حکم او بر خلاف نفس و خاندان عمل نماید این نوع عمل یک پرده بهشت است وقتی به همان طریقه بمیرد آن پرده برطرف می‌شود و داخل بهشت

۱- بخاری شریف ج ۱ ص ۹۶۰ کتاب الفرقان

می‌شود و هر کسی که خواهشات خود را با آزادی کامل برآورده سازد و هیچ توجه نکند که حلال است یا حرام، جائز است یا ناجائز، مانند آنچه که معاشرت امروزی ماست و به سوی هیچی توجه نکند فقط هدفش کامل نمودن خواهشات باشد این پرده جهنم است وقتی که شخص در این حالت بمیرد آن پرده برطرف می‌شود و او وارد جهنم خواهد شد. بـه همین جهت فرموده‌اند که جنت مفت نمی‌رسد و نیاز به زحـمت و تـلاش دارد و بـرای حاصل کردن درجات بهشت و درجات بلند آن نیاز به زحـمت بـیشتر است و ایـن یک مطلب واضح است چون ما در کارهای دنیا زیاد زحمت می‌کشیم آب می‌نوشیم طعام و خوراک تدارک می‌بینیم، نگاه کنید از کجا تا کجا می‌رویم بعد به ما یک یا دو لقمه می‌رسد و آن منزلی که ما به آنجا می‌رویم یعنی منزل آخرت که همه باید به آنجا برویم این است طرز عمل ما که ما دست را روی دست گذاشته و چنین می‌پنداریم که خداوند خود بخود انشاءالله، ما را به بهشت می‌برد. و برای آخرت هیچ زحمتی نمی‌کشیم **«الا ماشاءالله»** و برای دنیا آنقدر زحمت که در ۲۴ ساعت ۱۶ ساعت زحمت می‌کشیم در حالیکه کفالت و عهده‌داری دنیای ما را خداوند کرده است و معامله آخرت را سپرد ما نموده است که هر گونه شما عمل کنید همانگونه خواهد شد. و مسئولیت دنیای ما را پروردگار، خود بعهده گرفته است. آنچه را که مقدر فرموده همان به ما می‌رسد و اضافه از آن نخواهد رسید. و آخرت را سپرد ما کرده است تا ما آخرت‌مان را آباد کنیم یا ویران نمائیم.

خبر وفات پدر بزرگوار و درخواست ایصال ثواب

بهرحال! مقصود من این بود که برای اصلاح و نجات خود نیاز به زحمت و تلاش است نیاز است که بر خلاف نفس و خواهشات نفسانی عمل نمائیم باید بر خلاف طبیعت و مزاج حرکت نمائیم و برای راضی نمودن پروردگار و بدست آوردن بهشت نیاز است زحمت بکشیم و اگر نه خدا می‌داند که حشر ما چگونه خواهد شد. این مطلب ناقص می‌ماند و وقت نیز تمام شده است ادامه بحث را جمعه آینده عرض خواهم کرد و حالا قبل از اینکه من دعا کنم، می‌خواهم به اطلاع شما برسانم که جمعه گذشته من برای شفاء بیماری پدرم از محضر شما بزرگواران درخواست دعا کردم ولی مطابق قضاء الهی شنبه گذشته ایشان وفات نمودند و همهٔ من و شما پشت سر هم خواهیم رفت. ما هم می‌رویم و شما هم خواهید رفت لیکن بعضی از هستی‌ها به گونه‌ای هستند که از رفتن آنها انسان شدیداً غمگین می‌گردد. بزرگترین هستی که از رفتن او بزرگترین غم بر مسلمانان روی کرد ذات مبارک پیامبر اکرم (ﷺ) است، بهمین جهت پیامبر (ﷺ) در یک حدیث فرمودند: «**اِنّ فِیّ عَزاءٌ مِنْ کُل مُصِیْبَةٍ**» «**او کما قال علیه الصلوة والسلام**» و در روایتی دیگر آمده است که پیامبر (ﷺ) فرمودند: «**یا ایها الناس! ایمّا احد من الناس، اَوْ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اُصِیْبَ بِمُصِیْبَة فلیعتز بمصیبة بی، عن المصیبة التی تصیبه بغیری فان احداً من امتی**

لن یصاب بمصیبة بعدی اشد علیه من مصیبتی» [1]

مفهوم این دو حدیث نزدیک به هم هستند یعنی اینکه اگر برای کسی مصیبت وفات و حادثه مرگ پیش آمد بسوی من توجه نموده تسلّی حاصل نماید پیامبر (ﷺ) در اینجا چه سخن زیبایی فرمودند که وقتی من در دنیا نماندم چه کسی می‌ماند؟ اینچنین هر چه هستی بزرگتر باشد غم و مصیبت آن بزرگتر خواهد بود و بعد از غم وفات پیامبر (ﷺ) بزرگترین غم و مصیبت، وفات پدر و مادر هست. بهرحال تعزیت و تسلیت از سوی بسیاری از شما بزرگواران به من رسیده است من از همه تشکر می‌کنم. و برای آنها دعای خیر می‌کنم که خداوند متعال آنها را از هر مصیبت و حادثهٔ غمناک حفاظت فرماید و همراه این عرض می‌کنم برای پدر بزرگوارم هر اندازه و هر چه در توان است اجبار و اکراه نیست هر چه توفیق می‌یابید با اخلاص تمام، هر چه در توان دارید قرآن یا نماز نفل بخوانید و ایصال ثواب نمایید.

آیه عام است

فرمودند «**یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا**»ای اهل ایمان، قبلاً نیز عرض کرده‌ام در این آیه مردان، زنان، شوهر، زن و همچنین سایر بستگان داخل هستند و قبلاً نیز عرض کردم که خداوند متعال دستور فرموده‌اند که «**قُوْا اَنفُسَکَم وَ اَهلِیْکُمْ نَاراً**» خود و خانواده‌تان را از

۱- رقم الحدیث ۱۵۹۹، سنن ابن ماجه، کتاب الجنائز

آتش جهنم نجات دهید. قرآن کریم این سخن بنیادین را مطرح فرمود.

تربیت باید اسلامی باشد

یعنی تربیت خود، خانواده و فرزندان را اسلامی کن چونکه بدون بدست آوردن تربیت اسلامی و عمل به احکام اسلام نجات از آتش جهنم امکان پذیر نخواهد بود یعنی بر احکام و هدایاتی که از جانب خداوند و پیامبرش (ﷺ) آمده به همه آنها عمل کن.

قبل از آتش جهنم، نجات دادن خود لازم است

قبلاً من عرض کرده بودم که در این آیه خداوند هر مسلمان را موظف فرموده که او اوّلاً خودش را از آتش جهنم نجات دهد یعنی اینکه به طرف دیگران چشم ندوزد تا آنها برای او دعا کنند و به او نظری کنند پس من از آتش جهنم نجات جاصل خواهم کرد اگر ما این کار را کنیم که تمام هدایات و دستورات خداوندی را از نظر بیندازیم و انتظار داشته باشیم که از آتش جهنم نجات حاصل خواهیم کرد هرگز این چیز ممکن نخواهد بود بلکه بر هر مسلمانی که به خدا و رسولش (ﷺ) ایمان دارد فرض، لازم و واجب است که خودش عمل کند و راه را از چاه تشخیص داده و خودش را از آتش جهنم نجات دهد این مطالب را قبلاً نیز عرض کرده‌ام که خداوند فرموده است، خودت را از آتش جهنم نجات ده و همراه آن، خانواده و فرزندان را نیز از آتش جهنم نجات ده یعنی خداوند مسئولیت خود، خانواده و فرزندان را به شما گذاشته تا که آنها را تربیت و راهنمایی درست کنید «که توضیح آن را در

آینده عرض خواهم کرد که چگونه می‌شود و اسلام و پیامبر (ﷺ) ما را چگونه راهنمایی کرده‌اند» در اینجا فقط این قدر عرض کنم که قرآن کریم در بلاغت، مقام و رتبه معجزانه دارد و کلام انسانی نیست و در هر لفظ و بلکه هر حرف آن بسیاری از حکمتها و مطالب نهفته است که اهل فهم و درک آن را می‌فهمند و آن کسانیکه خداوند آنها را توفیق فهم عطا فرموده است و کسانیکه بدون درک و فهم می‌گذرند که می‌گذرند.

نسخهٔ آسان تربیت

در این آیه قرآن کریم برای تربیت صحیح و اسلامی فرزندان روش بسیار آسانی بیان فرموده است و بدون شک خیلی آسان است نه نیازی به زدن است و نه نیاز و ضرورت به هیچ چیز دیگری است و آن روش این است که اولاً خودت نسبت به اصلاح خودت بکوش فرزندان خودبخود اصلاح می‌شوند **«قُوْا اَنْفُسَكُمْ»** اولاً خودت به راه راست قدم بگذار و اول خودت را تربیت کن و خودت اول بر احکام اسلام عمل کن **«وَ اَهْلِيْكُمْ»** خانواده و فرزندان خود را نیز دستور بده و روش بسیار آسانی در رابطه با تربیت بستگان ارائه نموده و آن اینکه اولاً خود انسان اصلاح شود فرزندان خود بخود اصلاح می‌شوند اگر هدف اصلاح شدن فرزندان را نداری خودت خراب شو، آنها نیز خراب خواهند شد. شما می‌دانید که خداوند در وجود بچه‌های کوچک یک مادّه الگوپذیری گذاشته است شما می‌بینید و از دانشمندان نیز بپرسید، خداوند متعال تمام صلاحیتهائی که در یک انسان

بزرگسال است در بچهٔ کوچک گذاشته است که هر کدام به موقع خود ظاهر می‌شوند اولین صلاحیّت در وجود بچه الگوپذیری است آنچه را که می‌بینند همان را انجام مـی‌دهد. و اولین پرورشگاه کودک دامان مادر است و کودک از دامان مادر همه چیز را می‌آموزد ولی مادر نمی‌داند.

قبل از همه باید در ذهن بچه نام خداوند و نام پیامبر (ﷺ) قرار گیرد

اولین کلام و سخن که در ذهن بچه قرار می‌گیرد باید نام خداونـد و پـیامبر (ﷺ) بـاشد چونکه اینها فوراً در ذهن مرتسم می‌شوند گر چه در فهم او نمی‌آید و نمی‌دانـد ولی در ذهن بچه نقش می‌شود شما هرگز فرزند مسلمانی را نخواهید یافت که از دیـن اسـلام ناراض باشد و آن را اشتباه بداند و رها کند چون آن کسی که در گوش او اذان و اقامت گفته شده نمی‌تواند اسلام را اشتباه بداند و برگردد. البته شاید به خاطر اغراض و مفاد دنیوی، دینش را رها کند. این مطلب جداگانه ایست لیکن باز هم دین اسلام را اشتباه ندانسته تا برگردد. بلکه بجهت منافع دنیوی، دین اسلام را رها کرده است زیرا آن کسی که در گوش او اذان و اقامت شده هرگز نمی‌تواند بگوید دین اسلام غلط است و آن را ترک کند البته شاید بخاطر نبود تربیت درست و اسلامی نسبت به ارکان اسلام در عمل ضعیف باشد. و راه درست را انتخاب نکند بهر حال از اسلام منحرف نمی‌شود. چنانچه در اولین مرتبه بوسیله گوش‌هابه ذهن او این آواز و صدای الله اکبر رسیده است و این کلمه پـیوست و

نقش ذهن او گردید.

فرزند انسان نقّال است

این مطلب طولانی شد ولی چاره‌ای نیست چونکه مطالب ضروری و در اصول تربیت داخل هستند و اینکه قبلاً گفته شد باین علت بود که ذهن بچه الگوپذیر است و تا وقتیکه قابلیت راه رفتن و حرکت کردن ندارد تمام صحبتها و حرکات، افعال و اعمال که پدر و مادر در خانه انجام می‌دهند و تمام حرفهائی که از پدر و مادر و اطرافیان در این سن خوردسالی و کوچکی می‌شنود و به ذهنش می‌رسد بعد از این سن بر آنها عمل می‌کند. اگر من و شما امتحان کنیم فرزندانمان را، قطعاً جز این نخواهیم یافت اگر به گوش بچه در خردسالی آوازهای بد، دشنام، سخن زشت، نوارهای مبتذل، بیزاری از خداوند و پیامبر (ﷺ) برسد با وجود اینکه آنها را نمی‌فهمد وقتی به ذهنش برسند نقش ذهن می‌گردند و وقتیکه زمان نقل فرا رسد همانها را نقل خواهد کرد. فرزند قاری، قاری می‌شود چونکه وقتیکه قاری در منزل قرآن تلاوت می‌کند بچه صدای قرآن را می‌شنود و نقش ذهن او می‌گردد. و وقتیکه آن بچه حرکت می‌کند، می‌دود همان حرفی را که شنیده از دهانش بیرون می‌شود. بچه ایکه مناظر بد و فحاشی را می‌بیند فحاشی را اختیار خواهد کرد. و آن بچه‌ایکه مناظر خوب می‌بیند چیزهای خوب انتخاب خواهد کرد و امروزه برای منحرف ساختن از تربیت اسلامی حیله‌های بسیار بزرگی ساخته‌اند و انجام می‌دهند. و در بچه ماده الگوپذیری

است آنچه به دیگران می‌بیند در فکر انجام آن می‌شود مادر، در خانه اولین معلم کودک هست و اولین تربیت کننده اوست بعد پدر و بعد محیط. فضا و کانون خانه، که اگر همه اینها! درست شوند مطمئناً کودک نیز همان گونه پرورش خواهد یافت. شما نماز خوان هستید و در منزل نیز خانواده‌تان نماز خوان هستند در خانه وقتی کودک می‌بیند که پدر و مادر نماز می‌خوانند در حالیکه کودک هیچی نمی‌فهمد و نمی‌داند، شما دیده‌اید که کودک در کنار جای نماز و سجاده حاضر می‌شود و سر را پائین و بالا می‌کند رکوع و سجده را نمی‌داند ولی همان حرکات را الگو قرار داده انجام می‌دهد و این فضای خانه، حرکات پدر و مادر است که کودک را به اینجا کشیده و ما خوشحال می‌شویم و باید هم خوشحال شویم و شکر خدا را بجا آوریم که فرزندمان راه راست را انتخاب نموده است. قرآن کریم تلاوت می‌شود و اهل خانواده، پدر و مادر قرآن تلاوت می‌کنند و بعد از نماز صبح در خانه قرآن تلاوت می‌شود کودکان که اول صبح از خواب بیدار می‌شوند می‌آیند و در دامان پدر و مادر می‌نشینند به تلاوت قرآن کریم گوش می‌کنند و اگر بنا به عذری پدر و مادر نتوانند روزی قرآن تلاوت کنند کودکان می‌آیند و در دامان آنها می‌نشینند و شروع می‌کنند به بهانه گیری و گریه و این حرف را من از تجربه خودم می‌گویم. و برای شما هم شاید این اتفاق پیش آمده باشد. و اگر خدای ناخواسته ما راه دیگری انتخاب کردیم در اینصورت خیرخواهی کودکان مشکل خواهد شد. این آیه قرآن کریم مشتمل بر دو لفظ است **«قُوٓا**

اَنْفُسَکُمْ وَ اَهْلِیْکُمْ نَاراً» ببینید قرآن کریم بهترین اصول را بیان می‌کند که اگر شما خیر کودکان و خانواده را می‌خواهید اول خودتان را اصلاح کنید اگر می‌خواهید آنها خوب شوند و از آتش جهنم رهایی یابند باید اول خودتان خوب شوید و اول خودتان را از آتش جهنم نجات دهید. این مطالب را قرآن کریم بیان فرمود و اگر در رابطه با این مطلب به احادیث پیامبر (ﷺ) مراجعه شود این بحث طولانی و تعدادی زیادی از احادیث پیامبر(ﷺ) در رابطه با مسئله تربیت فرزندان یافت خواهد شد. و معلوم خواهد گردید که تربیت فرزندان یک مسئله عادی و معمولی نیست. مسئله‌ای است که رشد، پیشرفت عزّت و حرمت، بلندی و پستی، خوبی و خرابی یک خانواده بلکه یک خاندان و بالاتر از آن یک ملت و کشور بستگی به آن دارد.

کودکان امروز آینده سازان جامعه فردا هستند.

همین کودکان هستند که آینده ملت هستند و سرپرستی خانواده را بـعهده مـی‌گیرند و نمودار خوبی، خرابی، خوشنامی و بدنامی یک خاندان هستند و اینها بنیاد و اساس جامعه هستند به همین جهت قرآن کریم و احادیث پیامبر (ﷺ) تربیت آنها راهنمایی کرده است و این راهکارهایی طولانی و مفصل را بیان فرموده است. قرآن کریم و پیامبر (ﷺ) کاملاً از اول اصول تربیت فرزند را بیان فرموده‌اند که با رعایت آنها فرزندانی که در آینده بدنیا خواهند آمد از نظر اخلاقی صحیح و درست شوند و آن اصول، ارتباط به آغاز زندگی یعنی ازدواج دارد و خداوند در عصر حاضر ذهن و فکرهایمان را اصلاح فرماید بخاطر اینکه ما آنها را رعایت نمی‌کنیم من خیلی دور نمی‌روم فقط یکی دو مطلب در رابطه بـا ازدواج عرض می‌کنم. عموماً معیار برای ازدواج نوجوانان این است که دختر از نظر شکل و قیافه خوب صورت باشد این بجای خودش خوب است لیکن تنها زیبائی و خوب صورتی کافی نیست بلکه باید سیرت و اخلاق دختر را نیز مدنظر داشت، همچنان که صورت زیباست سیرت، رفتار و عمل نیز نیک باشد این چنین زنی قابل ازدواج است و این خوبی سیرت در اغلب منوط به خصوصیات فامیلی است و بسا اوقات به اعتبار خانواده است من کـاملاً واضح عرض می‌کنم.

اگر خانواده از طبقه عالی و خوب است قطعاً در افراد شرافت یافت خواهد شد اگر خانواده

پست است قطعاً در آنها شرافت به اندازه‌ای که در خانواده بالا بود، نخواهد بود. اگر خانواده اصالتاً سادات هستند معیار شرافت آنها نیز عالی است و دیگران به آنها نمی‌رسند و آنها که مقام و نسب‌شان پائین‌تر است آنها نیز خوب و به اعتبار خودشان شریف هستند. ولی آن مقامی که سادات دارند در آنها نیست. خداوند متعال در قرآن کریم و پیامبر (ﷺ) نیز در یک حدیثی به این مطلب اشاره فرموده‌اند:

«**خیار هم فی الجاهلیة خیار هم فی الاسلام‌اذا فقهوا**»[1] آن کسانیکه از لحاظ خانواده در زمانه کفر خوب و از طبقه عالی بودند بعد از اسلام نیز از لحاظ خاندانی خوب هستند و پیامبر (ﷺ) در جائی دیگر در یک مثال جالبی این مطلب را واضح فرمودند و خطاب به صحابه کرام فرمودند که این حدیث را همیشه به یاد داشته باشید و برای نوجوانان بخوانید - فرمودند: «**ایاکم و خضراء الدّمن: المرأة الحسناء فی المنبت السوء**»[2] پرهیز کنید از سبزی که می‌روید در محل جمع شدن آب «**الدمن**» به آنجائی گویند که آبهای کثیف و فاضلاب از هر سو به آنجا جمع می‌شود و در آنجا سبزی با منظره زیبا می‌روید و در ظاهر خیلی زیبا و جالب معلوم می‌شود، خودش را زیبا نشان می‌دهد و انسان تمایل دارد تا آن را بدست آورد. فرمودند از سبزی که در محل جمع شدن آب

۱- حدیث ۳۳۵۳ البخاری الجامع الصحیح - دار احیاء التراث العبری

۲- حدیث ۴۴۵۸۷ کنز العمال ص ۳۰ ج ۱۶

می‌روید پرهیز کنید. صحابه عرض کردند یا رسول الله (خضراء الدّمن) چیست؟ پیامبر (ﷺ) فرمودند: «**المرأة الحسناء فی المنبت السوء**» زن خوب صورت و زیبا که در خانواده پست تربیت شده باشد «**المنبت**» خانواده «**سوء**» بد، پیامبر (ﷺ) در این جا می‌فرماید به دنبال زیبائی ظاهر نرو که ممکن است آن زن در درون خودش خراب باشد و شما می‌بینید که پیامبر (ﷺ) به امت خودش تعلیم می‌دهد که بدنبال زیبایی ظاهری و خوب صورتی نباش و به زیبائیش نمیر و در انتخاب همسر تنها زیبائی را ملاک قرار نده چونکه نتیجه‌اش در دنیا این است که زندگی تبدیل به جهنم می‌شود.

و آخرت را خداوند بهتر می‌داند که چه خواهد بود. هزاران واقعه این چنین جلوی شما قرار دارد و نزد من که هر روز بصورت مسئله می‌آید که انسانها به دنبال خوب صورتی و زیبائی افتاده‌اند ولی بعد از یک هفته معلوم شده است که در درون غلاظت و نجاست است و من یک حدیث دیگری نیز عرض می‌کنم و به این مطلب پایان می‌دهم و این حدیث در کتاب بخاری و کتابهای دیگر موجود است پیامبر (ﷺ) فرمودند عوامل جلب توجه و علاقه در نکاح چهار چیز است «**تنكح المرأة لاربع: لمالها و لحسبها و لجمالها و لدينها فاظفر بذات الدين تربت يداک**»[1] چهار خوبی در زن هست که معمولاً بر اساس و پایه آنها زن انتخاب می‌شود و بجز این چهار چیز، چیز دیگری نخواهد بود «**لحسبها**»

۱- صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۷۳

خاندان، نسب و فامیل و این چیز بدی نیست چونکه پیامبر(ﷺ) خود بسوی این مطلب ترغیب نموده است که با زن شریف از خاندان شریف نکاح کنید. **«ولمالها»** اینکه زن ثروت‌مند است و شخصی که میخواهد با آن نکاح کند فقیر است مطمئناً این شخص در مال آن رغبت و میل خواهد داشت **«ولجمالها»** زن زیبا و خوب صورت است ظاهراً هر مردی بسوی او رغبت و میل خواهد داشت **«ولدینها»** رغبت و میل به دینداری و دیانت زن اینها چهار صفت و چهار عامل رغبت و میل به زن هستند شما می‌دانید من هم می‌دانم که عموماً این چهار چیز ملاک انتخاب هستند. ولی پیامبر (ﷺ) می‌فرماید: دنبال هیچ یک اینها نرو بلکه **«فاظفر بذات الدین تربت یداک»** یعنی زن دیندار را انتخاب کن آن زنیکه از خدا می‌ترسد و با پیامبر (ﷺ) محبت دارد و به احکام اسلامی عمل می‌نماید آن زنی که خانه‌اش را نمونه‌ای از اسلام قرار می‌دهد با چنین زنی ازدواج کن و منظور از دیندار بودن این نیست که روخوانی قرآن را وارد باشد امروزه مردم دینداری و علم دین را منحصر در این می‌دانند که روخوانی قرآن را نزد زنی در محله یا مسجد یادگرفته و دیندار شده است و می‌گویند علم دین را تحصیل نموده است. یک کمی فکر کنید، ما به کجا می‌رویم؟ فقط روخوانی قرآن مجید را علم دین قرار داده‌ایم و احساس می‌کنیم که دیگر هیچ چیزی لازم نیست. این حرف یک گروه از مردم است که به قرآن کریم توجه می‌کنند.

برادرانم! فقط به کسیکه روخوانی قرآن را وارد است دیندار نمی‌گویند بلکه دیندار به کسی می‌گویند که همین چند جمله قبل که من ذکر کردم اینکه از خدا بترسد و با پیامبر(ﷺ) محبت داشته باشد و به احکام اسلامی عمل کند. و خانه‌اش را نمونه‌ای از اسلام قرار دهد اگر چنین زنی به شما رسید، آن را هرگز ترک نکنید و با چنین زنی ازدواج کنید دنیا و آخرت شما آباد می‌گردد زندگی بچه‌هایتان نیز خوب می‌شود و اگر با زنی غیر از این نکاح کردید ببینید عاقبت‌تان چه می‌شود. شما می‌بینید که اسلام اساس و بنیاد تربیت را از همان ابتداء و آغاز زندگی شروع نموده است که اگر ازدواج می‌کنی اینگونه ازدواج کن چونکه کانون خانه از اتفاق و محبت زن و شوهر گرم می‌شود اگر هر دو با یکدیگر محبت و تعاون داشته باشند سکون و آرامش و اگر نه بین هر دو نفرت و جدایی اتفاق خواهد افتاد. زن متدین و دیندار اگر هزار مصیبت به او روی کند باز هم شوهر را خوشحال نگه می‌دارد و خوشحال نگهداشتن شوهر را بر خود فرض می‌داند همّت تحمل فقر وفاقه را من در زنان دیندار دیده‌ام که شاید مردان نتوانند با آنها برابری کنند با وجودیکه حقوق ماهیانه شوهر کم است باز هم آنها زندگی همراه فقر وفاقه را تحمل می‌کنند و بسیاری وقتها است که مرد را نیز تسلّی می‌دهند و ناراحتی را از او دور می‌کنند. و با شوهر همدردی می‌کنند از چنین زنی خانواده و خاندان درست می‌شود. و خانه نمونه‌ای از بهشت می‌گردد و چونکه ازدواج بنیاد و اساس برای فرزندان است بهمین جهت ازدواج باید مطابق اصول و ضوابط اسلامی انجام پذیرد.

بهترین وقت آنست که در اطاعت خداوند بگذرد

حضّار محترم! آن وقت مبارکی که تا بحال بود گذشت ما خودمان را امتحان کنیم که چه کردیم و چه بدست آوردیم و این را بدانیم هر وقت و لحظه خوب است بشرط اینکه در اطاعت خداوند سپری گردد و آن لحظه و وقت بد است که در نافرمانی خداوند بگذرد و این حقیقتی است که هیچ مسلمانی آن را انکار نمی‌کند متأسفانه ما معیار خوبی و بدی وقت را راحت دنیا، دولت دنیا و شادمانی دنیا قرار داده‌ایم حال آنکه اینها از بین می‌روند و پایان می‌پذیرند.

بهترین زندگی و شادمانی زندگی و شادمانی آخرت است

اللّهم لا عیش الا عیش الاخرة[۱] پیامبر (ﷺ) فرمودند زندگی با راحتی و شادمانی همانا زندگی آخرت است شادمانی دنیا چه شادمانی است؟ امروز یکی خوشحال و شادمان است فردا ناراحت و در شقاوت گرفتار! امروز یکی سالم و تندرست، فردا به بیماری و ناراحتی مبتلا می‌شود. امروز یک شخصی فرمانروا و فردا فقیر و ناتوان، این چنین چیزی که عنقریب از بین می‌رود و انسان نمی‌داند که کی خواهد رفت هیچ وقت نمی‌تواند معیار خیر و خوبی باشد **«لا عیش الا عیش الاخرة»** شادمانی فقط شادمانی آخرت است شادمانی دنیا چیست؟ ما راحتی و شادمانی دنیا را معیار و مدار خوبی قرار داده‌ایم حال

۱- بخاری شریف ص ۹۴۹ ج ۲ کتاب الرقاق

آنکه معیار قراردادن شادمانی و راحتی دنیا کار مومن نیست و این کار آن مردمی است که به آخرت ایمان ندارند و نظرشان فقط به چند روز زندگی دنیا محدود می‌شود. و جلوتر نمی‌رود چگونه برود در حالیکه آنها آن را قبول ندارند؟ بهمین جهت است که آنها راحت و شادمانی را به خوبی، و فقر وفاقه و مشکلات دنیا را با بدی یاد می‌کنند و برای مؤمن و مسلمان شادمانی، همان شادمانی آخرت است و اگر خداوند شادمانی و راحتی آخرت را عنایت کند بعد از رسیدن به آن انسان به سوی دنیا توجه نخواهد کرد و دنیا به یاد انسان نمی‌آید که در دنیا چه مشکلات و مشقاتی را تحمل و برداشت کرده است آیا ما تلخی و شیرینی دنیا را به یاد داریم که آن را معیار خوبی و بدی قرار داده‌ایم برای مسلمان آن روزی نیک و خوب است که با اطاعت از دستورات خداوند سپری شده باشد و آن روزی که با نافرمانی و سرپیچی از دستورات خداوند گذشته باشد بدترین و منحوس‌ترین لحظه و وقت خواهد بود.

نحوست در گناهان است

قبلاً نیز عرض کرده‌ام که در تمام مخلوقات خداوند، اعم از انسان یا مخلوقات دیگر نحوست نیست نحوست اصلی در گناهان است گناه بدترین چیزیست که در آن نحوست یافت می‌شود هر کشوری که در آن گناه بیشتر باشد نحوست در آن بیشتر است هر خطه‌ای که در آن گناه بیشتر باشد نحوست در آن بیشتر خواهد بود در هیچ انسان، جانور و پرنده‌ای نحوست و شومی نیست نحوست و نامبارکی فقط در نافرمانی خداوند است.

و در هر جائی از قرآن که ذکر نحوست آمده است آنجا همین چیز مراد خواهد بود که آنان نافرمانی خداوند را کردند بهمین جهت زمانهٔ آنها منحوس و نامبارک گردید و اصل این است که هر چه انسان از خداوند اطاعت و فرمانبرداری کند به همان تناسب وقت و لحظه در حق او خوب و خیر هست و هر قدر که انسان از اطاعت خداوند دور شود و زندگی‌اش را در نافرمانی بسر کند به همان درجه در حق او شر و بد است.

نتیجهٔ اعمال بد خودتان

شیخ ما «حضرت دکتر عبدالحی عارفی صاحب قدس سره» می‌فرمودند که ما فریاد می‌زنیم می‌نالیم، گریه، زاری و شکایت و گلایه می‌کنیم که فلان کالا گران یا ارزان شده است و در پریشانی بسر می‌بریم و حال ما اینگونه است که در خانه سکون و آرامش نیست اینها نتیجه اعمال خود ماست که این نحوست و نامبارکی به جهت گناهان آمده است که

آرامش نداریم اگر آنها را ترک کنیم و روی به اطاعت و فرمان برداری خداوند آوریم. می‌بینیم که چگونه سکون و آرامش می‌رسد خیر و برکت روی می‌آورد امروزه مردم دنیا داد و فریاد، شکوه و گلایه می‌کنند که فلان این کار را کرد و فلانی آن کار را کرد اعمال خودشان را نمی‌بینند که ما چه کار می‌کنیم؟ نیاز است بلکه ضروری است که اعمال خودمان را اصلاح کنیم ور نه اندیشه این است این لحظات عمرمان که با نافرمانی خداوند می‌گذرد در آخرت برای ما عذاب شوند چون که من عرض کرده‌ام که ما نباید تصور داشته باشیم که خود مختار هستیم و به هر صورتی بخواهیم زندگی کنیم چه اطاعت و فرمان برداری خدا یا نافرمانی و تکمیل خواهشات نفسانی را بنمائیم این تصور کاملاً غلط و اشتباه است و عرض کرده‌ام که لحظات عمر عزیزمان بزرگترین نعمت‌های پروردگار هستند و در مورد لحظات عمر از ما سئوال خواهد شد ممکن است در دنیا سئوال نشود چونکه دنیا محل سئوال نیست و ممکن است که در دنیا عذاب نیاید چونکه دنیا جای عذاب، جزا و سزا نیست لیکن در آخرت کاملاً از این چیزها سئوال می‌شود از لحظه لحظهٔ زندگی سئوال می‌شود. و سئوال خواهد شد که شما جوان بودی و در جوانی چه عملی انجام دادی و در فلان تاریخ، فلان روز فلان دقیقه و ثانیه چه عملی انجام دادی جواب بده، همه چیز در آنجا جلوی چشم می‌آید و هیچ چیز پوشیده نخواهد ماند، همه چیز

جلوی‌مان نوشته شده حاضر می‌شود. **«وَ وَجَدُوْا مَا عَمِلُوْا حَاضِراً»**[۱] هر چه در دنیا انجام داده‌اید همه در آنجا جلوی چشم خواهد آمد و تمام صفحات زندگی را خواهیم خواند که فلان روز و فلان وقت و فلان دقیقه و فلان ثانیه من این و آن را انجام داده‌ام این زندگی آن گونه نیست تا به هر صورتیکه که بخواهیم انجام دهیم از زندگی حساب و کتاب می‌شود و از میان چیزهائیکه حساب و کتاب می‌شوند اولین چیز زندگی است و حدیثی در ترمذی شریف است که پیامبر (ﷺ) فرمودند: **«لا تزول قدم ابن آدم یوم القیامة من عند ربه حتی یسئل عن خمس، عن عمره فیم افناه، و عن شبابه فیم ابلاه و عن ماله من این اکتسبه و فیم انفقه و ماذا عمل فیما علمه»** [۲] یعنی در روز قیامت هیچ بنده‌ای از جلوی پروردگار نمی‌تواند حرکت کند و تکان خورد تا آن وقت که به این پنج سئوال پاسخ ندهد مفهوم این حدیث این است که از بنده قبل از هر چیز پنج سئوال می‌شود تا وقتیکه به آن پنج سئوال جواب ندهد از سرجایش نمی‌تواند تکان خورد.

۱- سوره کهف (۴۹)

۲- حدیث ۲۴۲۱ کتاب صفة القیامة الجامع الصحیح سنن الترمذی

پنج سئوال در بارگاه خداوند

اولین سئوال این است **«عن عمره فیم افناه»** آن عمر عزیزی که من به تو دادم بگو کجا صرف و خرج کردی و در چه کارهایی بکار بردی این زندگی را در چه راههایی صرف نمودی بگو؟ یکی به یکی تمام چیزها حاضر می‌شوند حساب و کتاب کامل زندگی جلوی ما می‌آید و فرشتگان گواه هستند اعمال نامهٔ انسان موجود است و انسان آن را می‌بیند بگو عمرت را کجا صرف کردی؟ حال آنکه خداوند خوب می‌داند که عمر را در کجا صرف نموده است لیکن سئوال و امتحان می‌شود فکر کنید که باید آنجا جواب دهید که ۱۲ یا ۲۴ ساعت یکروز چگونه می‌گذرد اوقات ما چگونه می‌گذرد و فکر کنید که جواب‌تان آنجا چه خواهد بود؟ چرا صبح ساعت ۹ یا ۱۰ یا ۱۱ از خواب بیدار شدی؟ نماز صبح چه شد؟ بله خواب رفته بودم چرا خواب رفته بودی؟ شب را جلوی تلویزیون نشسته بودم چرا نشسته بودی؟ جواب بده؟ چرا و اگر، پشت سر هم می‌آیند «خداوند ما را در آنجا حفاظت فرماید» باید بدانید که این چنین بنده‌ای هلاک و تباه می‌گردد. در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است **«من نوقش فی الحساب عذّب»** هر کسیکه روز محشر در حساب و کتاب او جرح شروع شد که چرا اینکار را انجام دادی چرا و چرا؟ فرمودند این چنین شخصی هلاک و عذاب می‌شود چونکه نمی‌تواند جواب درست بدهد جواب چه چیزی؟ جواب آن موضوعاتی که من خدمت شما عرض کردم که چرا تا ساعت ۹ و ۱۰ خوابیده بودی چرا

جلوی تلویزیون نشستی؟ وقتی که من از آن منع کرده بودم و مفتیان دین من به شما گفتند که این چیز حرام است جلوی آن منشین آن را در خانه نگذار چرا گذاشتی اگر این جواب را دهد که بله ما مجبور بودیم چون نزد همسایه بود و بچه‌ها به آنجا می‌رفتند و من هم مجبور شدم تلویزیون آوردم و این سئوال و جواب ادامه دارد خود شما فکر کنید آیا این جواب قابل قبول است و خودتان مقایسه کنید من از شما سئوالی دارم که اگر در خانه همسایه آتش سوزی اتفاق افتد آیا بچه‌هارا به آنجا می‌فرستید؟ و آیا بچه‌ها به آنجا می‌روند؟ و اگر بچه‌ها به رفتن کوشش کنند قطعاً شما دست آنها را می‌گیرید و آنها را در خانه زندان می‌کنید و آیا آن آتشی که در خانه همسایه روشن شده شما نیز در خانه خود روشن می‌کنید. بله سروران! اگر از عقل کار بگیرید این عذر آنها سودی نخواهد داشت. بهانه‌هادر آنجا به کار نخواهند آمد در آنجا چیز دیگری به کار می‌آید باید هر انسان در زندگی خودش محاسبه نماید از صبح تا شام از این وقت بزرگ چقدر را صرف طاعت و عبادت خداوند و چه اندازه از آن را در اتباع و پیروی از شیطان صرف نموده است. اگر خداوند توفیق نماز را داده است و خداوند همهٔ ما را توفیق عطا فرماید و اگر پایبند نماز باشد در کل شبانه روز به مشکل نیم ساعت یا یک ساعت را در عبادت خداوند صرف نموده است و بعد از این بقیه اوقات در چه راهی صرف گردیدند باید هر یکی از اینها را بخوبی محاسبه کرد این چنین در قیامت هر لحظه و دقیقه باید حساب داده شود و برای

آنجا باید از همین حالا آمادگی گرفت.

دنیا دار الامتحان است

من قبلاً خدمت شما عرض کرده‌ام که این بخشش و کرم خداوند است که ما را در این دور امتحانی گذاشته است و ما در دنیا در امتحان هستیم و از ما امتحان گرفته می‌شود و در این امتحان سؤالات نیز بیان شده است و گفته شده که اینها سؤالات هستند و جوابات نیز بیان شده است و گفته‌اند که اینها جواب هستند شما اختیار دارید که جواب سؤالات را درست بیان کنید همچنانکه ما گفته‌ایم، یا اینکه از طرف خودتان جوابهای دیگری بدهید، صاحب اختیار هستید.

شما خودتان را در جلسه امتحان تصور کنید

اگر من و شما خودمان را در جلسه امتحان تصور کنیم قطعاً تمام مطالبی که به ظاهر حل آنها در جلوی چشم ما مشکل هستند و حل آنها به چشم نمی‌آیند و مادر فکر حل آنها هستیم و به این جهت بر ما فشار وارد می‌شود باید به این مطلب جواب دهیم که برای ما در لذتهای دنیا، راحتی و آسایش آن لذّت حاصل نمی‌شود تا وقتیکه ندانیم که ما آیا از انسانهای کامیاب و موفق هستیم یا ناموفق؟ تا آن وقت پریشان و حیران خواهیم ماند زندگی ما کاملاً همین حالت را دارد و بایدفکرکنید که خودتان رادرفهرست انسانهای موفق داخل کنید و عرض گردید که سوالات و جوابات صحیح آن، هر دو بیان شده‌اند و

اختیار نیز داده‌اند که جواب درست یا غلط هر کدام را که دوست دارید بنویسید. حالا شما جواب دهید کدام انسان بی‌خرد هست که جواب درست را بداند ولی جواب غلط را بنویسد من تصورم این است اگر کسی این چنین کند قطعاً او انسان جاهل و نادانی خواهد بود. و هر مسلمانیکه جواب صحیح هر سئوال را می‌داند با وجود این اگر او جواب درست را ننویسد شما در مورد او چه قضاوتی می‌کنید بهرحال این زندگی دنیا امتحانی بیش نیست و هم اکنون نیز برای طلب کنندگان آخرت وقت بدی وجود ندارد و بهترین وقت است هر اندازه که بخواهند و بتوانند عمل کنند و پروردگار خود را از خودشان راضی کنند و سامان آخرت جمع نمایند. بحث من در مورد تربیت و اصلاح فرزندان است و در این راستا به یک آیه قرآنی توجه فرمائید: **«يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ اَوْلادِكُمْ عَدُوّاًلَكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ وَ اِنْ تَعْفُوْا و تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوْا فَاِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»** [1] ای اهل ایمان بعضی از زنان و فرزندان شما دشمن‌تان هستند مطلب عجیبی است فرزند و همسر دشمن! فرزند و زن که خیرخواه هستند و بعد از پدر و مادر بیش از همه خیرخواهی در آنها یافت می‌شود ولی قرآن کریم می‌فرماید بعضی از فرزندان و همسران شما برای شما دشمن هستند. **«فَاحْذَرُوْهُمْ»** از آنها بترسید و پرهیز بکنید.

۱- سوره التغابن آیه ۱۴

همسر و فرزندان چگونه دشمن انسان هستند؟

منظور این نیست که آنها دشمن جان و مال شما هستند منظور این است که آنها در ایمان، تقوی، اعمال صالحه و عمل به احکام خداوند دشمن شما هستند و این موضوع به دنیا ربطی ندارد و مربوط به احکام خداوند است و خلاصه‌اش این است که انسان در محبت همسر و فرزند بعضی وقتها اینگونه کور می‌گردد و برای تکمیل نمودن خواهشات و مطالبات آنها نمی‌بیند و نمی‌داند که من به نافرمانی خداوند مبتلا گردیده‌ام یا اینکه از خداوند اطاعت می‌کنم یا نمی‌کنم. زن و فرزند بهرحال جاهل و نادان هستند و نمی‌دانند که خواهش و مطالبات درست‌اند یا غلط؟ مطابق با فرمان خداوند هستند یا خیر؟ آنها که مرتباً تقاضا می‌کنند و انسان غرق در محبت آنها کور می‌شود و تقاضا و خواهشات آنها را تکمیل می‌کند و این آیه در مورد شخصی نازل شد که می‌خواست هجرت کند همسر و فرزندان او را منع کردند که اگر تو این کار راکنی چه کسی ما را مواظبت می‌کند قرآن کریم می‌فرماید شما از همسر و فرزندان در چنین مواقعی اطاعت نکنید. چونکه بعضی از آنها دشمن شما هستند یعنی در چنین مواقعی از آنها اطاعت و فرمانبرداری نکنید و همچنین تقاضا و خواهش آنها را که در آن نافرمانی خداوند باشد فراهم نکنید. و این نیز یک شاخه از تربیت فرزندان است تربیت به این نمی‌گویند که هر چه همسر و فرزند خواستند شما آنها را کامل کنید.

مفهوم تربیت صحیح

تربیت صحیح به چیزی می‌گویند که بخشی از خواهشات آنها که گناه و معصیت باشد فراهم نکنید بهرحال پدر، پدر و شوهر است و خداوند در آنها یکنوع رعب و وجاهت خاصی گذاشته است. هر کسیکه از این وجاهت و رعب کار گیرد در مقابل او هیچ کسی سر را تکان نخواهد داد. فرمودند: **«عَدُوّاً لَكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ»** اینها دشمن شما هستند به حرف آنها توجه نکن چونکه بسا اوقات تقاضا می‌کنند که تلویزیون و دستگاه ویدئو و غیره بیاور، قرآن کریم می‌فرماید همسر و فرزندی که اینگونه تقاضا و خواهشی می‌کنند دشمن شما هستند. گاهی تقاضا می‌کنند که ما را بدون حجاب رها کن و گاهی تقاضا می‌کنند که ما را به مجلسی که مردان هستند ببر. تمام اینها خواهشات و تقاضاهائی هستند که در آن نافرمانی خداوند است ولی همراه این یک مطلبی دیگری نیز بیان فرمود که منظور این نیست که آنها را از خود جدا و رشته قرابت با آنها را قطع کن و با آنها برخورد دشمن گونه داشته باش. بلکه **«وَ اِنْ تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا و تغفروا»** اگر از آنها گذشت کنید و عیبهایشان را بپوشید جلوتر می‌فرماید: **«فَاِنَّ اللهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ»** بدانید که خداوند بخشنده و مهربان است یعنی اگر می‌خواهی آنها را اصلاح کنی روش اصلاح را بیان فرمود که وقتی از جانب آنها تقاضا و مطالبه‌ای این چنین آمد آنها را بیرون نکن چونکه آنها جگرگوشه شما هستند بلکه آنها را تفهیم کن، گذشت و معاف کن و این تقاضا

و خواهش آنها را جلوی مردم اعلان نکن و رسوای شان نساز بلکه پرده پوشی کن و خداوند شما را در این امر یاری خواهد کرد و همسر و فرزند اصلاح خواهند شد.

نظارت بر خانواده و فرزندان یک امر ضروری است

بسیار کم یافت می‌شود که فرزندان انسانهای صالح و نیک با وجود توجه و دقت کافی به تربیت آنها، خراب از کار درآیند و اگر توجهی به تربیت آنها نکنند قطعاً فرزندان آنها خراب خواهند شد در این جا دو چیز است اول اینکه خودت را اصلاح کن و بساز بعد به تربیت فرزندان توجه کن اگر خودتان را ساختید و انسان صالح، تهجدگذار، عبادت گذار و فرمانبرداری بودید و هر لحظه و هر وقت مشغول تلاوت و نماز بودید ولی به اصلاح همسر و فرزند توجه نکردید بعد از آن هر کار کنید اصلاح نخواهند شد.

پدر صالح و فرزندان ناصالح، چرا؟

باید بدانیم که ما نسبت به تربیت فرزندان چقدر کوتاهی می‌کنیم بسیاری از خانواده‌ها اینگونه به چشم می‌خورند که پدر و مادر خیلی پرهیزگار و جزء بندگان نیک بلکه اولیاء الله هستند ولی فرزندان آنها خراب و در تباهی هستند. چرا؟ به این خاطر که به تربیت آنها توجه نکرده‌اند آنها تباه و بر باد شده‌اند این بسیار کم اتفاق می‌افتد که پدر و مادر انسانهای صالح و نیکی باشند و به تربیت فرزندان نیز توجه کنند و فرزندان تربیت نشوند گر چه خداوند اختیار دارد و هرگونه که دوست داشته باشد همانگونه خواهد کرد. در خانهٔ

انبیاء کرام کافر پیدا می‌شده و در خانه‌های کافران نبی و پیامبر پیدا شده است و این به دست خداوند است شما می‌دانید که پدر حضرت ابراهیم علیه السلام کافر بود و بین آن دو بحث و مباحثه زیادی صورت گرفته که در قرآن موجود است. در مورد حضرت نوح در قرآن کریم موجود است که پسرش کافر بود از چنین پیغمبری و خانوادهٔ بزرگی یک فرزند، کافر می‌شود این اختیار خداوند است. ورنه عموماً این سلسله در دنیا جاری است به هر نحویکه عمل کنید همانگونه جلویمان خواهد آمد اگر به تربیت صحیح و درست فرزندان توجه کنید. فرزندان شما بهترین فرزند و افتخار جامعه می‌شوند و در آخرت نیز به دردتان خواهند خورد و در دنیا باافتخار به یاری شما خواهند پرداخت.

فرزندان نعمت خداوند

خداوند متعال وقتیکه به کسی فرزند می‌دهد همراه آن هدایات و راهنمائیها اسلامی نیز داده شده است که با این کودک تازه متولد شده و با پدر و مادر، چه مسائلی مد نظر گرفته و عمل شود؟ که بنده با اختصار، آنچه در قرآن و احادیث بیان گردیده است عرض خواهم کرد قبل از همه باید به این مطلب توجه داشت. آن کسیکه خداوند به او فرزندی عطا فرموده است شکر خداوند را ادا نماید و شکر خدا را خوب ادا کند یک صورت ادای شکر این است که این موضوع را به اطلاع دوستان و احباب با دل خوش و سرور کامل، برسانید که خداوند به من نعمت فرزند عطا فرموده است. آن فرزند پسر باشد یا

دختر با اظهار سرور و خوشحالی اطلاع دهید چونکه هر دو اینها نعمتهای پروردگار هستند.

تصور باطل جاهلیت

تصور و اخلاق مردم زمانه جاهلیت قبل از اسلام این بود که اگر صاحب فرزند پسری می‌شدند اظهار خوشحالی می‌کردند و اگر فرزند دختر بود ناراحت می‌شدند و چهرهٔشان متغیر می‌شد فرزند دختر را نمی‌پسندیدند قرآن کریم در جاهای زیادی این تصور غلط آنها را رد کرده است **«وَ اِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالأُنْثیٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدّاً وَ هُوَ كَظِيمٌ»**(۱) اگر به آنها خبر خوش پیدا شدن دختر می‌رسید به الفاظ قرآن دقت کنید **«بُشِّرَ»** خوش خبری داده شود **«ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدّاً»** با شنیدن این خبر چهره آنها سیاه می‌گردید **«وَ هُوَ كَظِيمٌ»** در دل‌شان ناراحت و می‌جوشیدند این تصور کافرانه و تصور جاهلیت بود و این تصور زیادتر و شدیدتر گردید تا جائیکه آنها تولد دختر را ننگ و عار می‌دانستند با وجود اینکه این یک امر غیراختیاری بود و آنها باز هم به این تصور غلط خود اضافه کردند و بیشترش کردند تا جائیکه دختران را زنده در گور می‌کردند که ذکر آن در قرآن مجید موجود است و همه اینها به خاطر این بود که آنها دختر را منحوس و نامبارک و برای خودشان باعث ننگ و عار می‌دانستند.

۱- الزخرف (۱۷)

نقطه نظر اسلام

اسلام به این تصور غلط و غیرعاقلانه پایان داد و زنده در گور کردن دختران را نه تنها یک گناه بزرگ قرار داد بلکه برای کسی که در خانهٔ او دختری پیدا شده بود بشارت و انعام اعلام کرد حتی آن انعام برای کسانی که دارای فرزند پسر بودند اعلام نگردیده است. گویا اسلام مقام شایستهٔ زن را به او عطاء کرد و مقام زن این نیست که امروزه در فرهنگ غرب از آن صحبت می‌شود اسلام عزت و مقام را به زن ارزانی داشت. چنانچه در این جا نیز این آیه به همین مطلب اشاره دارد.

«وَ اَذا بُشِّرَ» این یک خوش خبری بزرگی است برای آن کسیکه برای او فرزند دختر متولد گردیده است ولی آنها این را، خوش خبری ندانستند **«ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدّاً»** این را شنیده چهرهٔشان سیاه شد خوشخبری از جانب خداست ولی انسان خصوصاً انسان کافر از آن این برداشت را کرد که این چه خوشخبری است؟ اگر شما به حدیث پیامبر(ﷺ) دقت کنید در آن نعمتهای فراوانی ذکر شده است.

تربیت و پرورش دهنده صحیح دو دختر یا دو خواهر بهشتی است

در یک حدیث پیامبر (ﷺ) فرمودند: هر شخصیکه دو دختر یا دو خواهر خود را بصورت صحیح و درست تربیت کند اینها سبب داخل شدن او در بهشت می‌شوند پرورش دهنده دختران را بهشتی فرمودند. و در یک حدیث دیگر فرمودند آن کسیکه مشقت و زحمت تربیت دختران را برداشت و تحمل کند آنها پرده حجابی بین او و جهنم می‌شوند و نمی‌گذارند به جهنم برود.

چه خوشخبری بزرگی! که در مورد پسران این خوشخبری نیامده است. منظور من این است که فرزندان چه دختر و چه پسر باشند شکر خدا را ادا کنید و با اظهار سرور و خوشحالی تولد آنها را به اطلاع بستگان و دوستان خود برسانید. یک فرزند پیامبر (ﷺ) شب متولد شد پیامبر (ﷺ) بوقت صبح صحابه (رضی الله عنهم) را اطلاع دادند و فرمودند که **«ولدنی اللیلة غلام فسمیته باسم ابی ابراهیم»**(۱) دیشب خداوند به من فرزندی عطا فرمود و من نام پدرم ابراهیم را بر او نهادم و نامش ابراهیم است صبح زود با خوشحالی زیاد خبر داد و نیز فرمود که من نامش را فلان گذاشتم. این در رابطه با کسی بود که برای او فرزند متولد گردیده بود مرد باشد یا زن، پدر باشد یا مادر و همراه این از بعضی آیه‌های قرآنی معلوم می‌شود وقتیکه مردم اطلاع یابند که برای فلانی فرزندی متولد شده است باید آن

۱- حدیث ۶۶۸۱ و ۳۱۲۶ سنن ابوداود ج ۲ ص ۶۰۴

رشته داران و بستگان به او تبریک بگویند، اظهار خوشی کنند و برای او دعاء کنند.

دعا هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزند

در یک حدیث آمده است وقتیکه اطلاع پیدا کردید که برای کسی فرزندی متولد شده است به او خوشخبری بدهید و به او تبریک بگوئید و برای آن کودک نوزاد دعاء خیر کنید و اینکه چه دعائی باید کرد، دعا این است که خداوند به او صحت، تندرستی و عمر دراز عطا فرماید و خداوند او را نیک و صالح کند و او رااز هر فتنه و شیطان محفوظ نگهدارد ولی متأسفانه چقدر از ما این دعا را می‌کنیم. تبریک می‌گوییم البته این چیز بسیار خوبی است ولی دعای طولانی شدن عمر، دعای صحت و تندرستی، دعای صالح شدن، متقی و پرهیزگار بودن، دعای حفاظت از فتنه و شیطان، پیامبر(ﷺ) همه اینها را فرموده‌اند که انجام دهیم و این اولین مرحله بعد از تولد کودک است.

دومین مرحله بعد از تولد

بعد از این مرحله دوم می‌آید و در احادیث پیامبر (ﷺ) به کثرت آمده است وقتیکه کودک متولد شد بمحض متولد شدن در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامت بگویید و این فضل و کرم خداوند است که در فرهنگ و معاشرت ما این کار رواج دارد و بعنوان اینکه حکم اسلام است رواج دارد. و در این مورد احادیث زیاد است ولی من یک و دو حدیث را بیان می‌کنم وقتیکه حضرت حسن بن علی (رضی الله عنهما) و حضرت حسین بن علی(رضی الله عنهما) یعنی

دو نواسه آن حضرت متولد شدند پیامبر (ﷺ) در گوش راست آنها اذان و در گوش چپ‌شان اقامت گفتند علاوه بر اینها کودکان دیگری نیز هستند که پیامبر (ﷺ) بلافاصله بعد از تولد در گوش راست آنها اذان و در گوش چپ آنها اقامت گفته است.

در این کار نباید تاخیر کنید و منتظر امام یا مؤذن مسجد نشوید به محض اینکه کودک متولد شد دستور اسلام است که این کار را باید انجام دهید و در این فواید زیادی هست اولین فایده‌اش این است که شیطان از کلمات اقامت و اذان فرار می‌کند به گونه‌ای که پشت سر خودش را نگاه نمی‌کند و کلمات اذان و اقامت مانند ضربه‌های شلاق بر سر او کوبیده می‌شوند مانند اینکه به اسب شلاق زده می‌شود این چنین کلمات اذان و اقامت بر او می‌خورند و در حدیث شریف آمده است وقتیکه کودک متولد می‌شود شیطان خودش را به آن می‌چسباند و آنجا می‌ماند تا اینکه تاثیر خودش را بر کودک بگذارد و کلمات اذان و اقامت برای حفاظت از تأثیر شیطان هستند.

برای اذان یا اقامت امام یا مؤذن لازم نیست

کار اذان یا اقامت را بلافاصله بعد از تولد کودک انجام دهید وجود مؤذن یا امام ضروری نیست بلکه پدر یا مسلمانی دیگر و هر کسیکه کلمات اذان و اقامت را وارد باشد و عموماً بیشتر مردم می‌دانند میتوانند این کار را انجام دهند و کودک را از شر شیطان محفوظ دارند من مضمون حدیث را خدمت شما عرض کردم.

فایده دوم این است آن کودکی که به محض به دنیا آمدن کلمات کبریائی و توحید خداوند، شهادت رسالت پیامبر (ﷺ) و کامیابی به گوش او می‌رسد و اینها در دوران کودکی در ذهن کودک پیوست می‌شود به گونه‌ای که اصلاً بیرون نخواهند شد احتمال پرده افتادن بر آن است ولی بیرون نمی‌شوند و این دوران یا مقطع طفولیت و کودکی زمانه‌ای است که هر چیز در ذهن کودک داخل شد در آنجا مانند نقش بر سنگ می‌ماند.

تحنیک یک امر ضروری

مرحله سوم بعد از تولد کودک «تحنیک» است یعنی بعد از فارغ شدن از اذان و اقامت در گوش راست و چپ کودک باید او را تحنیک کرد. تحنیک آنست که خرما را جویده و به کام کودک بمالید اینگونه که خرمای جویده شده به دهان بچه داخل شود و با انگشت به کام او و اطراف دیگر دهان برسد و در این فواید بسیاری برای کودک است و پیامبر (ﷺ) این کار را انجام داده است.

فایده جسمانی تحنیک

متأسفانه امروزه در بین مسلمانان کار تحنیک کودک رایج نیست و مردم به آن توجهی ندارند با وجودیکه در آن فواید بسیاری برای کودک است اولین فایده آن اینست که کودک برای مکیدن پستان مادر آماده می‌شود چون وقتیکه خرما در دهان او مالیده شود تمام رگها و عصبها دهان کودک به حرکت درمی‌آید این فواید دنیوی آن بود.

فایده معنوی تحنیک

فایده دیگر آن این است که آب دهان آن شخصی که خرما را جویده اولین چیزیست که به دهان و شکم کودک می‌رود به همین جهت دستور شریعت است که کار تحنیک توسط انسان صالح و نیکی انجام پذیرد چونکه اثرش در وجود کودک باقی می‌ماند. پیامبر (ﷺ) این عمل را با بسیاری از کودکان انجام داده‌اند چنانچه کار تحنیک را با عبدالله بن الزبیر (رضی الله عنه) انجام دادند و آنها خوب مکیدند و با حضرت ابوطلحه انصاری(رضی الله عنه) نیز کار تحنیک را انجام دادند و چون ایشان کودک و فرزند یکی از انصار بود و با مکیدن خرماها شروع به خوردن آن کرد. پیامبر (ﷺ) خوشحال شدند و فرمودند ببینید که انصار چقدر بـه خـرما علاقه دارند این کودک خردسال نیز خرما را می‌خورد و پیامبر (ﷺ) کـار تـحنیک را بـا کودکان دیگری نیز انجام دادند هر کودکی که تحنیک شود تاثیر آن در او ظاهر می‌شود بنابراین در انجام این کار اهتمام بخرج دهید. اگر انسان صالح و نیکی نباشد، و قطعاً در هر خانواده‌ای انسانهای پرهیزگار وجود دارد او این کار را انجام دهد. و اگر خرما نبود با عسل یا شیرینی دیگری این کار را انجام دهید این چیزها باید فوراً بعد از تولد کـودک انجام شود ۱ـ اداء شکر خداوند ۲ـ خوشخبری دادن پدر و مادر به دیگران ۳ـ اذان و اقامت ۴ـ تحنیک

مرحله پنجم بعد از تولد نامگذاری کودک

بعد از اینها نوبت نامگذاری کودک می‌آید و من آنرا با قدری تفصیل عرض می‌کنم چونکه این غرب‌گرایی و علاقه به چیزهای جدید و نو، ما را به راه غلط کشانده است و ما در رابطه با نام کودکان خود می‌خواهیم نام جدید، آن نامی که تا کنون روی کسی گذاشته نشده باشد انتخاب نمائیم و کودک را بدان مسمی کنیم. حال آنکه این فکر و اندیشه، اسلامی نیست در رابطه با نامگذاری کودک باید بدانید که بعد از تولد در همان روز می‌توانید نام بگذارید مثل آن حدیثی که من عرض کردم که پیامبر (ﷺ) خبر تولد فرزندشان را به صحابه (رضی الله عنهم) دادند و فرمودند دیشب برایم پسری متولد گردیده و من نام او را ابراهیم گذاشتم و این اختیار را نیز دارید روزی که عقیقه کردید همان روز نام بگذارید و در احادیث پیامبر (ﷺ) جواز هر دو صورت آمده است و پیامبر (ﷺ) به هر دو صورت عمل کرده‌اند بعد از تولد نام گذاشته‌اند و یکهفته بعد از تولد نیز نام گذاشته‌اند لیکن چه نامی باید برای کودک انتخاب کرد به این مطلب بیشتر توجه کنید.

نام کودک چگونه باید باشد

نام کودک باید اینگونه باشد که پس از شنیدن نام و فهمیدن معنای آن انسان خوشحال شود که این نام خوبی است و بر کودک نامی نگذارید که از آن شخصیت کودک مجروح شود و به نام او مسخره گرفته شود. باید دانست که نام بر شخصیت تاثیر خواهد

داشت و به هر گونه‌ای که نام باشد همان اوصاف در کودک پیدا خواهد گردید.

نام بر شخصیت اثر خواهد گذاشت

در یک حدیث بخاری شریف آمده است یک شخص به حضور پیامبر (ﷺ) حاضر شد و اسلام را قبول کرد پیامبر (ﷺ) سوال فرمودند که نام شما چیست؟ او عرض کردکه نام من «حزون» و کلمه حزون بمعنی زمین سفت و سخت و این معنا خوب نیست پیامبر(ﷺ) فرمودند که نام تو «سهل» است «سهل یعنی نرم» او در جواب گفت چگونه من نامی را که پدر و مادر بر من گذاشته‌اند عوض کنم؟ پیامبر (ﷺ) ساکت شدند. می‌فرمایند که در خاندان ما یکنوع سختی و تندمزاجی یافت می‌شود و آن اثر همین «اسم حزون» است که پیامبر (ﷺ) عوض کرد ولی آن شخص نپذیرفت که در نتیجه، اثر آن در تمام خاندان ظاهر گردید واگر او نام سهل را قبول می‌کرد سهل و نرمی در تمام خاندان ظاهر می‌گردید. از این معلوم گردید که نام بر شخصیت انسان اثر می‌گذارد.

یک داستان عجیب

داستانی عجیب در موطا امام مالک (رحمة الله علیه) است خیلی عجیب است که در عصر حضرت عمر فاروق(ﷺ) شخصی به خدمت ایشان حاضر شد حضرت عمر (ﷺ) سوال کردند که اسم شما چیست؟ او در جواب گفت که نام من «جمره» است «معنای جمره یعنی اخگر آتش» حضرت عمر (ﷺ) پرسیدند که نام پدرت چیست جواب داد که نام پدرم

«شهاب» شهاب به شعله آتش گفته می‌شود نام پسر اخگر آتش و نام پدر شعله آتش است. حضرت عمر (ﷺ) سوال فرمودند که شما از کدام قبیله هستید گفت من از قبیله «حرقته» که معنای آن سوزنده و سوزاننده است ببینید همان موضوع ادامه دارد گفت که من در محلی بنام «حرة النار» زندگی می‌کنم «حرة النار» آن زمین سفت دارای سنگ که آنجا آتش روشن باشد حضرت عمر (ﷺ) فرمودند هر چه سریعتر به خانه‌ات برگرد چون در خانهٔ شما آتش افتاده است شما ببینید که نام تا کجا و به چه حد اثر می‌گذارد. به همین جهت فکر کردن و سئوال در مورد نامگذاری ضروری است. در ترمذی شریف این داستان بیان کرده شده است که حضرت عمر (ﷺ) یک دختر داشت پیامبر(ﷺ) سوال فرمودند چه نامی بر او نهادی فرمودند که نام او عاصیه است شما می‌دانید «عاصیه» بمعنای گنهکار و نافرمان، پیامبر (ﷺ) فرمودند نام آن را عوض کن نام او جمیله است چنانچه حضرت عمر (ﷺ) نام آن را عوض و این نام را گذاشتند. چرا؟ به این خاطر که اثر نام بر شخصیت ظاهر می‌گردد و این چنین نامهای زیادی را پیامبر(ﷺ) عوض کردند آن نامهائی که معنای خراب داشتند عوض و نامی که دارای معنای خوب بود گذاشتند بنابراین باید نامی را برای فرزندتان انتخاب کنید که مفهوم و معنای خوبی داشته باشد و در نام گذاشتن زیاد تجددگرا نباشید که بدنبال نامهای جدید باشید.

نام خوب و پسندیده

پیامبر (ﷺ) فرمودند بهترین و محبوبترین نام نزدخداوند عبدالله و عبدالرحـمن است و فرمودند این نامها را بر فرزندان خود بگذارید و نام‌های پـیامبران را بـر فـرزندان خـود بگذارید مثل ابراهیم، اسحاق، اسمعیل، یعقوب و غیره و اینها بـندگان نـیک خـداونـد هستند و اثر نیکی آنها در فرزند پیدا می‌شود و فرمودند که نام بندگان سرکش و نافرمانان خداونـد را روی فـرزندانـتان نگـذاریـد مـثلاً نـام فـرزندتان را فـرعون، قـارون، نـمرود نگذاریدچون اینها بدترین انسانها هستند و نافرمانان بزرگ خداوند هستند و آن اثر شوم خواهد بود ولی متاسفانه مردم تجددگرای، به این چیزها توجه نمی‌کنند.

مثلاً ما نام فرزندان را پرویز می‌گذاریم گر چه گذاشتن نام پرویز جایز است و من صحبت از ناجایز بودن نمی‌کنم بلکه در رابطه با اثر نام بر شخص صحبت می‌کنم و پرویز نـام پادشاه ایران بود که نامه پیامبر (ﷺ) را پاره کرد من قبلاً هم عرض کردم که این ناجائز نیست و اگر کسی نام گذاشت اشکالی ندارد ولی این نام، نام یک شخص نافرمان و کافر بود و پیامبر (ﷺ) فرمودند: که نام انسانهای نافرمان و طغیانگر را روی فرزندان نگذارید.

در ابوداود شریف یک حدیث آمـده است کـه از آن بسـیاری از مسـائل حـل مـی‌شوند. پیامبر(ﷺ) فرمودند: روز قیامت شما را با نام خودتان و نام پدر صدا خواهند زد اگر نـام خوب باشد انسان از نام خوب در دنیا و آخرت خوش می‌شود.

روی بچه‌هانام خوب بگذارید

بر پسر و دختر نام خوب بگذارید نام بد، لقب بد و صدا زدن بچه‌ها با الفاظی که شخصیت آنها را مجروح سازد در اسلام پسندیده نیست و پیامبر (ﷺ) نام بسیاری از مردها و زنها و بچه‌هارا عوض فرمودند چنانچه پیامبر (ﷺ) نام یک صحابیه را عوض فرمودند و آن اینکه نام یک صحابیه «بره» بود پیامبر (ﷺ) فرمودند **«فَلاَ تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ»**[1] پاکیزگی خودتان را بیان نکنید و پیامبر (ﷺ) نام او را (زینب) گذاشتند چون معنای «بره» پاکیزگی و پارسائی است فرمودند که خودتان پاکیزگی‌تان را بیان نکنید و اینگونه مثالها زیاد یافت می‌شود و نام خوبی برای فرزندانتان انتخاب کنید و نام انسانهای نافرمان، دشمن خدا و پیامبرش (ﷺ) را بر روی فرزندان نگذارید.

نام انسانهای نافرمان را روی فرزندانتان نگذارید

مثل اینکه کسی نام فرعون، ابلیس، شیطان روی فرزندان خود بگذارد خودتان فکر کنید آیا جائز است اینها کسانی هستند که به نافرمانی مشهور و معروف هستند بنابراین این نوع نامها برای فرزندان در اسلام پسندیده نیست و پیامبر (ﷺ) فرمودند **«تسموا باسماء الانبیاء و احب الاسماء الی الله عبدالله و عبدالرحمن»** نام‌های پیامبران را روی بچه‌هایتان بگذارید و بهترین نام نزد خداوند عبدالله و عبدالرحمن است

۱- النجم (۲۲)

چونکه در آن بیان حقیقت انسان که همانا بندگی است، بیان می‌شود. پیامبر (ﷺ) به ما در این حدیث آموخت که نامهای پیامبران و نامهائی که در آن اظهار بندگی خداوند شود روی فرزندتان بگذارید در حدیث دیگری پیامبر (ﷺ) می‌فرماید:«**و اصدقها حارث و همام و اقبحها حرب و مرة**» راست ترین نام نزد خداوند حارث است که معنای آن زحمت کشنده است چونکه حارث به کسی می‌گویند که برای آخرت خود زحمت بکشد چقدر نام زیبائی است یعنی هر نامی که بر فطرت و مقتضیات طبیعی او دلالت داشته باشد این چنین نامی خیلی خوب است.

یک مسئله شرعی: حق نامگذاری با پدر است

حالا یک مسئله در همین سلسله عرض می‌کنم در جامعه ما عام است گاهی بین پدر و مادر در مورد نام گذاشتن بچه اختلاف می‌شود پدر نامی را انتخاب می‌کند و مادر نامی دیگر و هر یک آنها می‌خواهند نام مورد نظر و انتخابی او بر روی کودک گذاشته شود اگر آنها توانستند بین خودشان بگونه‌ای اختلاف را حل کنند اشکالی ندارد ولی اگر آنها به اتفاق نظری موفق نشدند از دیدگاه اسلام و شریعت حق نام گذاری فرزند با پدر است و نام کودک همان نامی خواهد بود که پدر گذاشته است.

مرحله ششم عقیقه

بعد از اینها نوبت عقیقه است و در رابطه با عقیقه در معاشرت ما رسمهائی پیدا شده که بسیاری از چیزهای آسان را مشکل و غیرقابل عمل قرار داده است شما می‌دانید که هیچ مذهبی از اسلام ساده وآسان‌تر نیست و بقدری که در اسلام سادگی است در هیچ دین و مذهبی نخواهد بود که هر حکم و راهنمایی آن ساده است ولی ما به آن سادگی پایان داده‌ایم و از طرف خود و یا همسرانمان رسمهایی به اسلام اضافه نمودیم که انجام آنها برایمان مشکل شده است.

اسلام نام قرآن و سنت است

اگر کسی آنها را از اسلام و رواجی که در قرآن و سنت پیامبر (ﷺ) اصالت ندارد منع کند، فوراً به زبان می‌آورند که ببینید وهابی آمده و ما را از اینکار منع می‌کند آباء و اجدادمان اینکار را انجام می‌داده‌اند و این حرفها نبود. بخاطر بسپارید که درآخرت از شما این سئوال نمی‌شود که آباء و اجداد شما چه کارهائی انجام می‌داده‌اند و شما مطابق آن عمل کرده‌اید یا خیر؟ در آخرت از شما این سئوال خواهد شد که ما قرآن کریم و نور سنت را عطا کردیم شما چقدربه آنها عمل کردید این سئوال از شما خواهد شد و از رسومات آباء و اجداد شما سئوال نمی‌شود و رسومات فامیلی در آنجا عذاب خواهند بود و جواب دادن مشکل است آن رسوماتی که در دین و مذهب داخل کردیم و هیچ اصالتی در دین ندارند

نخواهیم توانست در مورد آنها در آنجا جواب دهیم اسلام نام آنچه در قرآن و سنت آمده، می‌باشد و هر چه مطابق قرآن و سنت باشد دارای ارزش، و پذیرفته خواهد شد و هر چه که بر خلاف قرآن و سنت باشد در آنجا مؤاخذه خواهد داشت پس اسلام نام رسومات آباء و اجداد شما نیست.

لیکن ما این مذهب و دین ساده را با رسومات به گونه‌ای مخلوط کردیم که هر کسیکه به آسانی به آن دسترسی ندارد عموم مسلمانان و مسلمانان فقیر و ناتوان نمی‌توانند آنها را انجام دهند رسم عقیقه نیز چنین است مسئله تولد بچه را با آن سادگی که من بیان کردم بگوئید انصافاً در آن چقدر سادگی است ولی مردم ما رسوماتی در آن داخل کرده‌اند که اگر خانواده‌ای امید تولد فرزندی را داشته باشد خون پدر خشک می‌شود که من از کجا هزینه و مصارف آن رسومات را بیاورم و آنگونه ساده که من بیان کردم بگوئید آیا خرج و هزینه دارد یک انسان ناتوان و فقیر که اکثریت جامعه را نیز آنها تشکیل می‌دهند اگر امید تولد فرزندی داشته باشد نپرسید به خاطر این رسومات حشر او برپا می‌شود هزینه‌های زایشگاه، شیرینی تقسیم کردن، پول به امام یا مؤذن برای اذان دادن، آوردن زن به خانه و غیره که یک انسان معمولی نمی‌تواند به آسانی این هزینه‌هارا تامین کند.

احکامی چند در مورد عقیقه

قبل از همه در مورد عقیقه باید دانست که پیامبر (ﷺ) امت مسلمه را به انجام آن ترغیب و تشویق فرموده است احکام و مسائل آن را نیز بیان فرموده است پیامبر (ﷺ) فرموده است که عقیقه مستحب است فرض، واجب و لازم نیست بیش از بیش می‌توان گفت سنت است و اگرنه فقهاء ما آن را مستحب قرار داده‌اند.

عقیقه کردن فرض نیست

عقیقه فرض نیست و مستحب است و منظور از مستحب این است که اگر پدر ثروتمند باشد و توانایی عقیقه کردن داشته باشد اگر عقیقه کرد ثواب دارد و اگر فقیر و مستضعف است و نمی‌تواند عقیقه کند اشکالی ندارد و خداوند نیز از وی سوال نخواهد کرد چقدر از انسانهای فقیر در کشور ما هستند که نمی‌توانند عقیقه کنند اسلام فقط مذهب امیر و سرمایه‌دارها نیست و اسلام در اصل از آن غریبان و فقراء است چونکه اولین کسانیکه به اسلام داخل شدند غریبها و فقراء بودند پس اسلام مذهب غریب و فقیرهاست چقدر از انسانهای فقیر و ناتوان هستند که عقیقه کردن بجای خودش به آنها یک یا دو وقت نان به مشکل می‌رسد. چگونه آنها عقیقه کنند و در نکردن عقیقه بر آنها گناهی نیست.

البته اگر کسی استطاعت داشت و عقیقه کرد به او ثواب می‌رسد و اگر انجام نداد گناهی نیست. منظور از مستحب بودن عقیقه همین است. از این مطلب معلوم گردید

آنهائیکه برای عقیقه قرض یا وامی که سود دارد می‌گیرند این کار جائز نیست و حرام است. برای این چنین چیزی که لازم نیست، قرض گرفتن جایز نیست و وام بهره‌دار و سودی گرفتن حرام است.

عذاب قرض گرفتن بدون ضرورت

پیامبر (ﷺ) فرمودند هر کسیکه بدون ضرورت از کسی چیزی را طلب نماید و قرض گرفتن نیز جزء آن است در روز قیامت اینگونه حاضر می‌شود که بر چهره او گوشت نیست و فقط استخوان خالی خواهد بود. مثلاً شخصی قرض می‌گیرد با نیت اینکه روزی آنها را اداء کند ولی ضرورت و احتیاجی به قرض گرفتن ندارد. و در مقابل این، پیامبر (ﷺ) فرمودند آن کسیکه مجبور است و قرض می‌گیرد خداوند بجای او برنامه اداء آن را ردیف می‌کند. این بود عقیقه و پیامبر (ﷺ) در این دو مطلب آن را بیان فرمودند که آنها را مختصراً عرض می‌کنم.

عقیقه باید چه زمانی و چگونه باشد

پیامبر (ﷺ) ضمن بیان فواید عقیقه فرمودند که بعد از تولد بچه اگر توان مالی دارید عقیقه کنید و عقیقه دو فایده دارد حدیثی در این مورد درابوداود و ترمذی آمده است «**کل غلام مرتهص بعقیقة**»[1] خلاصه مطلب آن حدیث این است برای عقیقه کننده دو فایده

۱- رقم الحدیث ۳۱۶۵ کتاب الذبائح سنن ابن ماجه

است یک فایده در دنیا و آن اینکه بوسیله آن عقیقه خداوند بچه را از بلاها و مصیبتها دور می‌کند و بیماریها از او دور می‌شوند و فایده دوم آن در آخرت است اینکه این بچه در آخرت برای پدر و مادرش سفارش مغفرت و آمرزش خواهد کرد. و با بیان این دو فایده پیامبر (ﷺ) فرمودند که اگر عقیقه را به روز هفتم انجام دهید بهتر و افضل است اگر روز هفتم نتوانستید روز هفتم دوم «سوم» «چهارم» انجام دهید اگر به روز هشتم یا دهم کردید جائز است اگر هفتم را حساب کنید و در آن روز انجام دهید بهتر است. اگر هفتم میسر نشد چهاردهم و اگر نه، بیست و یکم و اینچنین هفت روز هفت روز حساب کنید و انجام دهید به شما ثواب می‌رسد و انجام عقیقه به روز هفتم لازم و واجب نیست. اگر کسی توان نداشت تا یکسال هم به تأخیر افتد اشکال ندارد و مطلب دومی که پیامبر(ﷺ) فرمودند «**امیطوا عنه الاذی**» و گندگی را از سر او دور کنید و موی سر او را بتراشید. چنانچه پیامبر (ﷺ) با حضرت حسن (رضی الله عنه) و حسین (رضی الله عنه) اینچنین کردند که به روز هفتم پیامبر (ﷺ) برای آنها عقیقه کردند و سلمانی را فرا خواندند تا موی سرشان را بتراشد.

حکمت تراشیدن موی سر کودک

مستحب است که در روز هفتم موی سر نوزاد تراشیده شود و در آن حکمتهای فراوانی

است و آن مصلحتهای که علماء ما نوشته‌اند آنها که به جای خود، ولی مطابق تحقیقات امروزی از لحاظ فکری و مغزی نیز فواید زیادی دارد و آن کسانیکه این کارها را انـجام نمی‌دهند به فواید آن دست نخواهند یافت چون در مسامات سر نوزاد رطوبات رحم مادر داخل می‌شود و بعضی اوقات خون نیز جمع می‌شود و دور کردن آنها فقط با تراشیدن سر نوزاد با تیغ امکان پذیر خواهد بود تا اینکه تمام مسامات باز شوند و آن آلودگی از بین رود و فقهاء ما می‌نویسند و این مطلب در حدیث نیز آمده است که بعد از تراشیدن سر کودک زعفران را با آب مخلوط نموده به سر کودک بمالید تا بوی بد دور شود اگر به این روش عمل کنید ببینید کودک چقدر با استعداد می‌شود و دارای ذهنی خوب خواهد بود. پیامبر (ﷺ) فرمودند اگر نوزاد پسر باشد و پدر ثروتمند و توان مالی داشته باشد دو گوسفند و اگر ندارد یک گوسفند عقیقه کند و اگر نوزاد دختر باشد یک گوسفند عقیقه کند و پیامبر(ﷺ) به امت تعلیم داد که اگر توان مالی در حد اعلی نداشتید یک گوسفند هم کافی است و خود پیامبر (ﷺ) برای نواسه خود که پسر بود یک گوسفند عقیقه کردند.

ختنه کردن نوزاد سنت است

ختنه کردن پسر شعار اسلام است و خصوصیت تمام پیامبران و روش و راه آنهاست و این سنت حضرت ابراهیم علیه السلام است در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است اولین کسیکه کار ختنه را بدستور خداوند انجام داد حضرت ابراهیم علیه السلام بود وقتیکه عمر او یکصد و شصت سال بود در همین سن خودش را مطابق حکم خداوند ختنه کرد و پیامبر (ﷺ) نیز حضرت حسن (رضی الله عنه) را وقتی که هفت روزه شد دستور دادند تا ختنه شود و این ختنه که در زمان کودکی انجام می‌شود و پیامبر (ﷺ) نیز دستور انجام آن را فرمود خیلی خوب است و فواید بسیاری دارد و بهمین جهت آن کسیکه ختنه نمی‌شود به بعضی از بیمارهای مبتلا می‌گردد.

فواید جسمانی ختنه

یک مرتبه من کتاب یک دکتر مصری را مطالعه می‌کردم که در آن فوائد ختنه را نوشته بود که پنجاه درصد کسانیکه کار ختنه انجام داده‌اند از بیماری سوزناک و سرطان ذکر (آلهٔ تناسلی) محفوظ می‌مانند. بشرط اینکه آنها کاری انجام ندهند که سبب بیماری سرطان ذکر شود و آن کسانیکه کار ختنه را انجام نمی دهند بیشتر به این بیماری مبتلا هستند و پیامبر (ﷺ) نیز دستور انجام ختنهٔ حضرت حسن (رضی الله عنه) و حسین (رضی الله عنه) را در روز هفتم فرمودند و معلوم گردید که این بهترین وقت است ولی اگر کسی توان نداشت یا

موقعیت فراهم نشد لازم است قبل از بلوغ انجام شود ولی ختنه در روز هفتم بهتر است.

نظارت پدر و مادر بر فرزندان یک فریضه مهم

به یاد داشته باشید و این مطلب از احادیث پیامبر (ﷺ) نیز ثابت است کودکان خردسال که به آنها کودک شیرخوار گفته می‌شود و به ظاهر هیچگونه شعور و فهمی در آنـها مـعلوم نمی‌شود مراقبت از آنها بر پدر و مادر لازم است. پدر و مادر باید خیلی مواظب باشند تا کاری که با شریعت مخالف است انجام ندهند بطور مثال کودکان وقتی نیاز به دستشوئی پیدا می‌کنند مادران آنها برای انجام قضای حاجت بصورتی بر روی پایشان یا چیز دیگر می‌نشانند و در چنین حالتی دقت نمی‌کنند که مبادا پشت یا روی کودک هنگام قضای حاجت سوی قبله نباشد به هر طرفی که اتفاق افتاد نزد آنها اشکالی نـدارد حـال آنکـه دستور اسلام در حدیث پیامبر (ﷺ) بصورت واضح و روشن آمده است که هر گـاه شـما خواستید برای قضای حاجت بنشینید باید رو یا پشت به طرف قبله ننشینید **«اذا اتیتم الغائط فلا تستقبلوا القبلة و لا تستدبروها»**(۱) هر گاه شـما بـرای قـضای حـاجت خواستید بنشینید روی یا پشت بسوی خانه کعبه نکنید و این حدیث در بیشتر کتاب‌های حدیث موجود است و این حکم مخصوص بزرگان نیست. و شامل مادران کـودکان کـه تربیت آنها را بعهده دارند نیز می‌شود که آنها کودکان را روی یا پشت به سوی قبله نشانند

۱- حدیث ۳۳۴ مشکوة المصابیح باب آداب الخلاء طبع المکتب الاسلامی

بلکه جهت دیگری را انتخاب نمایند.

بچه فطرتاً مسلمان است

خداوند هر کودک را بر فطرت اسلام می‌آفریند چنانچه در قرآن مجید این آیه موجود است و پیامبر (ﷺ) در احادیث آن را تشریح فرموده‌اند خداوند می‌فرماید «**فِطْرَةَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا**» یعنی این فطرت خداوندی است و دین اسلام دین فطری است که خداوند انسانها را بر آن آفریده است لیکن بعد از دوران کودکی در آن تبدیل و تغییرات بوجود می‌آید.

و وقتی کودک متولد می‌شود و هنوز تحت تاثیر جو و فضای خانه و اجتماع قرار نگرفته است در این وقت فطرتاً بر دین اسلام است و چون ذهن او ناپخته است به هر طرفی که او را راهنمایی کنید خواهد رفت و اگر با او مطابق فطرت اسلامی رفتار شود قطعاً رشد و نمو آن بسیار عالی خواهد بود. و اگر بر خلاف آن فطرتی که خداوند او را پیدا کرده است پدر و مادر عمل کنند قطعاً فطرت او خراب می‌شود حدیثی از پیامبر (ﷺ) تقریباً در تمام کتابهای حدیث آمده که پیامبر (ﷺ) فرمودند «**کل مولود یولد علی الفطرة فابواه یهودانه او ینصرانه او یمجسانه**» [1] هر کودک فطرتاً به دین اسلام آفریده شده است فرقی نمی‌کند پدرش مسلمان باشد یا کافر و این پدر و مادر هستند که اگر بخواهند فرزند

۱- بخاری ج ۱ ص ۱۸۵ باب فی اولاد المسلمین

مؤمن باشد مؤمن می‌شود و اگر بخواهند نصرانی می‌شود و اگر بخواهند او یهودی یا آتش پرست شود، می‌شود. و دین کفر بر اثر تربیت پدر و مادر بر دین فطرت او غالب می‌آید و کودک آن را انتخاب می‌کند.

نتیجه تربیت

خلاصهٔ این حدیث پیامبر (ﷺ) این است که کودک فطرتاً بر دین اسلام خلق شده است و بعد بوسیله تربیت پدر و مادر بر دین باقی می‌ماند یا منحرف می‌شود و هر دو چیز با تربیت پدر و مادر می‌آیند ولی کودک بر فطرت صحیح اسلامی پیدا شده است حالا اگر او را مطابق تقاضای فطرت برای قضاء حاجت رخ به سوی قبله ننشانید و این آداب فطری او را رعایت کنید بر همان فطرت اسلامی باقی خواهد ماند و این فطرت در او راسخ خواهد گردید اگر پدر و مادر مخصوصاً مادر، فطرت کودک را ملحوظ ندارد و کودک را مثلاً هنگام قضای حاجت روی یا پشت به طرف قبله نشاند این کار بر خلاف فطرت است و اثرش این است که خود بخود احترام، عزت و احترام خانه کعبه از دل او بیرون می‌شود حال آنکه احترام گذاشتن به خانه کعبه در احادیث زیادی از پیامبر (ﷺ) توصیه شده است.

حرمت و عظمت جهت قبله

در یک حدیث از پیامبر (ﷺ) آمده است که پاهای خود را به سوی قبله دراز نکنید **«لا تمدوا ارجلکم الی القبلة او کما قال علیه الصلوة والسلام»** پاهایتان را به سوی قبله دراز نکنید آیا ما این را رعایت می‌کنیم؟ در یک حدیث دیگر آمده است **«من تفل تجاه القبلة جاء یوم القیامة و تفله بین عینیه»** (۱) هر کسی که آب دهان خود را بجهت قبله بریزد روز قیامت در میدان محشر حاضر می‌شود در حالیکه آب دهان او بر پیشانی اوست، و تمام اهل محشر خواهند دانست این شخص آن کسی است که به طرف قبله آب دهانش را ریخته است. ببینید چه دستوراتی در رابطه با احترام قبله آمده است آیا بچه‌های ما این حرمت‌هارا رعایت می‌کنند؟ وقتی در خالی کردن آب دهان بسوی قبله این وعید و سزاء آمده است پس دستشویی و قضای حاجت روی بطرف قبله چگونه می‌تواند جایز باشد؟ بنابراین بر مادران لازم است که سعی کنند کودکان را به هنگام قضاء حاجت روی یا پشت به طرف قبله ننشانند.

۱- الکامل فی الضعفاء لابن عدی ج ۶ ص ۲۰۶۹ دار الفکر بیروت

رعایت طهارت و نجاست

یک مطلب دیگری را خاطر نشان سازم و آن اینکه بسیاری از مادران و خواهران ما به نظافت کودکان توجه نمی‌کنند مثلاً اگر بچه در لباس خود ادرار کرد آنها همان لباس را خشک می‌کنند و دو مرتبه کودک را در همان لباس می‌بندند باید دانست که در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است. **«لا تدخل الملئکة بیتاً فیه بول مقنع»** (۱) فرشتگان رحمت خداوند خانه یا مکانی که در آنجا ادرار باشد داخل نمی‌شوند. (آن خانه‌ای که در آنجا ادرار در ظرف یا بر لباسی باشد.)

متأسفانه مادران و خواهران این موضوع را رعایت نمی‌کنند کودک روی فرش، صندلی، تخت خواب یا جائی دیگر ادرار می‌کند همانطور می‌گذارند تا خشک شود و نمی شویند. آیا شما می‌دانید این چیزهائیکه در خانه‌های ما انجام می‌شود نتیجه‌اش چیست؟ نتیجه‌اش این است که توجه به نظافت از ذهن بچه بیرون می‌شود و از نجاست هیچ گونه تنفری نخواهد داشت و احساس می‌کند که نجاست یک چیز معمولی است و خداوند فرزند مسلمان را بر فطرت پاکیزگی خلق کرده است و این حفاظت باید از همین وقت ملحوظ گردد وقتیکه کودک در لباس خودش ادرار کرد آنرا خشک نکنید و همان را دو مرتبه به کودک نپوشانید و یا اینکه در چنین مواقعی بدن او را با کهنه‌ای پاک نکنید بلکه

۱- حدیث ۳۸۲۴ صحیح سنن ابی داود ص ۷۲۵ ج ۲

او را بشوئید و تا نشوئید پاک نمی‌شود و این چنین بچه‌ای که شسته نشد، اگر به هنگام نماز بر پشت مادر باشد نمازش درست نیست. و این چنین در تمام موارد نظافت بـاید مادران دقت زیادی بکنند و الا در کودکان اثر بد خواهد گذاشت و آنها نسبت به نظافت بی‌توجه خواهند گردید و هیچ توجهی به حلال و حرام نخواهند کرد بهر حال منظور من این است کودکان خردسال امانتی بدست شما هستند آن کودکانی که خداوند آنها را بـر فطرت اسلام خلق کرده است و ذهن آنها کاملاً خالی است و از هر گونه کدورت، آلودگی و گمراهی پاک هستند حفاظت آنها ضروری است. و نه تنها حفاظت، بلکه شما در آنـها اضافه و ترقی دهید و ببینید آنها چطور فرزندان پاکیزه و سالم خواهند شد.

اثر تربیت خوب

من در مورد بعضی از بزرگان شنیده‌ام و این یک حقیقت است بعد از اینکه مادران آنها به تربیت آنها توجه زیاد داشتند حالت شان این بود که آنها اصلاً نمی‌توانستند نجاست و گندگی را نگاه کنند و اگر گاهی چشم‌شان می‌خورد استفراغ می‌کردند و در سلسله بزرگان ما کسانی بودند که اگر کسی به او شکم خود را نشان می‌داد فوراً استفراغ می‌کرد.

مادر باید کودک را از شیر خود تغذیه کند

در رابطه با شیر کودک امروزه تمام پزشکان بر این امر اتفاق نظر دارند که هیچ غذایی برای کودک از شیر مادر بهتر نیست بشرط اینکه شیر مادر خراب و فاسد نباشد لعن و نفرین خداوند باد بر جوامعی که مدپرست شده‌اند و مادران را از شیردادن آزاد کرده است. که به کودکان شیر جانوران و حیوانات می‌دهند آن هم خدا می‌داند چه حیوانات و جانورانی؟ و مادران به جهت حفاظت و سلامت خود، کودکان را شیر نمی‌دهند و کودکان را با شیر حیوانات و جانوران پرورش می‌دهند و این یک امر مسلّم و مورد تائید تمام دانشمندان است که شیر بر طبیعت و اخلاق کودک تاثیر زیادی دارد به هر صورتیکه شیر باشد اخلاق و عادات او همانگونه خواهد بود و مطابق این قانون پرواضح است آن کودکانی که با شیر حیوانان و جانوران پرورش می‌یابند قطعاً این اوصاف در آنها خواهد آمد «خداوند همه را حفاظت کند»

شیر بر طبیعت کودک اثر می‌گذارد

کودکانی که از پستان زنان شریف و دیندار شیر می‌خورند دیندار می‌شوند و برعکس کودکانی که از پستان زنان پست و بی‌دین شیر می‌نوشند همانگونه خواهند بود «من از خودم نمی‌گویم» مضمون یک حدیث پیامبر(ﷺ) است که به کودکان خود شیر زنان پاک و شریف بدهید کودکانی که از پستان زنان بهادر و شریف شیر خورده‌اند، بهادر و شریف

می‌شوند و کودکانیکه از پستان زنان بزدل و پست شیر خورند بزدل خواهند شد اگر کودک از پستان مادر خوش اخلاقی شیر خورد خوش اخلاق خواهد بود و اگر کودک از پستان مادر بداخلاق شیر خورد همانگونه خواهد شد چونکه شیر بر کودکان، البته بر کل زندگی آنها تاثیر گذار خواهد بود به همین مناسبت پیامبر (ﷺ) تاکید می‌فرمایند که کودکان خود را شیر زنان شریف بدهید.

دایهٔ پیامبر (صلی الله علیه وسلم)

اگر شما سیرت پیامبر (ﷺ) را مطالعه کرده باشید حتماً خوانده‌اید که برای شیر دادن پیامبر (ﷺ) حضرت حلیمه سعدیه (رضی الله‌عنها) مقرر گردید و خداوند در این حکمتهای فراوانی گذاشته بود او زنی شریف از خاندانی بزرگ بود و خداوند اوصاف خوب زیادی به او عطا فرموده بود بهمین جهت خداوند او را برای شیردادن پیامبر (ﷺ) مقرر فرمود چنانچه پیامبر (ﷺ) تا دو سال از شیر ایشان خورد و بعد از دوران شیرخوارگی تا شش ماه نزد او ماند و بعد از آن واقعه شق الصدر پیش آمد که بجهت آن حضرت حلیمه (رضی الله عنها) پیامبر (ﷺ) را به مادرش برگرداند.

شیر مادر بهترین غذا

منظور من این بود که اسلام تاکید فراوان دارد که به کودکان خود شیر زنان پاک و شریف را بدهید ولی متأسفانه ما به کودکان شیرخشک و شیر حیوانات را می‌دهیم. برادران چه کسی از مادر برای کودک بهتر است. یک مقوله عربی است «**اشمل الغذاء للطفل لبن الام**» بهترین و کاملترین غذا برای کودک شیرمادر است که ما آن را ترک کرده‌ایم و شیر جانوران را به کودکان خود می‌دهیم البته اگر مادر بیمار است یا اینکه شیر او مشکل طبی دارد در این حالت به کودک خود شیر زن شریف دیگری بدهید که از خاندان شریفی باشد و اخلاق شایسته‌ای داشته باشد حکمت دادن شیر حیوانات به کودکان را من نمی‌فهمم اگر شما می‌فهمید! ببینید برای خوب شدن بچه و دارای اخلاق زیبا بودن او اسلام چقدر اهمیت داده است و در رابطه با مسئله شیر بدانید که اوقات مقرری دارد خداوند بر پایه فطرت اوقات آنرا مقرر فرموده است و وقتیکه کودک گرسنه می‌شود شیر در پستان مادر جمع می‌شود اگر کودک گرسنه نباشد این حالت نخواهد بود.

در دوران کودکی رعایت حال او را بکنید

چنانچه شما می‌دانید وقتیکه کودک گرسنه می‌شود و او گریه می‌کند فوراً پستانهای مادر پر از شیر می‌شود اگر کودک گرسنه نیست و کودک خوابیده است پستانهای مادر آن حالت اولی را ندارند و این نظام خداوندی است چه نظامی! اگر شما به این امر فکر کنید به قدرت

خداوندی پی خواهید برد. از احادیث پیامبر(ﷺ) معلوم می‌شود که در این مقطع سنی باید پدر، مادر و دیگران از انجام هر گونه حرکات منافی با موازین اخلاقی در جلوی او بشدت اجتناب کنند. چون بچه می‌بیند اگر شعور و فهم ندارد ولی آنچه را که می‌بیند به ذهن او داخل و جای می‌گیرد و وقتیکه دوران شیرخوارگی تمام شد و کودک دو ساله شد و باید بعد از کامل شدن دو سال دوران شیرخوارگی حتماً از شیرخوردن جدا گردد. بعد از این در کودک کمی شعور می‌آید بقدری که می‌تواند کم‌کم حرف بزند بفهمد و زبانش باز می‌شود و حرف‌هائی به زبان می‌آورد که پدر و مادر خوشحال می‌شوند و با بازشدن زبان او خوشحال می‌شوند.

به کودک از همه اول کلمه طیبه بیاموزید

پیامبر (ﷺ) راهنمایی فرمودند که **«افتحوا علی صبیانکم اول کلمة لا اله الا الله»**[۱] شما قبل از همه به کودکان کلمه لا اله الا الله بیاموزید و زبان کودکان خود را با کلمه طیبه باز کنید یا در یک حدیث آمده است که با الله الله گفتنِ زبان کودک را برای صحبت کردن باز کنید و کلمه طیبه را به بچه تلقین کنید به اینصورت که جلوی کودک زیاد کلمه طیبه را ذکر کنید و کودک آنها را نقل خواهد کرد چون هر چه را می‌بیند که دیگران می‌گویند یا انجام می‌دهند الگو گرفته همانها را انجام می‌دهد.

۱- رقم الحدیث ۴۵۳۳۲ کنزالعمال ص ۴۴۸ ج ۱۶

فلسفه یادگرفتن کلمه طیبه لا اله الا الله

جلوی کودک کلمه طیبه لا اله الاالله را تکرار، الله الله را ورد کن او نیز زبان خودش را با اینها خواهد گشود پیامبر (ﷺ) واضح فرمودند که **«افتحوا علی صبیانکم اول کلمة لا اله الا الله»** و زبان کودکان را بگشائید با اولین کلمه و آن کلمه چیست؟ آن کلمه (لا اله الا الله) است. کودک شما باید با کلمه طیبه سخن گفتن را آغاز کند و حقیقت این است که با کلمه لا اله الا الله نه تنها ایمان کودک محفوظ بلکه محکم می‌شود و تخم تربیت اسلامی او کاشته می‌شود و در ذهن او یقین و رسوخ پیدا می‌شود که من مسلمانم و من باید خدا را یگانه بدانم و خداوند معبود من و من بندهٔ او هستم و این مطلب درذهن او راسخ می‌گردد در حالیکه او معنی آن را نمی‌داند مانند اذان و اقامت که در آغاز ولادت وقتیکه در گوش او خوانده شود در دل او جای می‌گیرد و او معنای آنها را نمی‌داند.

چشم و گوش

بوسیله چشم و گوش هر موضوع و سخنی که به ذهن می‌رود به دل می‌رسد و کودک بوسیله چشم هر چیزی را که می‌بیند به ذهن او می‌رسد و در حدیث شریف آمده است **«فاما الاذن فقمع و العین بمقرة لما یوعی القلب»** [1] گوش‌هابرای دل مانند قیف هستند یعنی هر مطلبی از بیرون بوسیله این قیف‌ها که همانا دوگوش هستند شنیده شود

۱- مسند احمد ج ۵ ص ۱۳۷

مستقیم به دل می‌رسند. و کودک کلمات اذان و اقامت را با گوش شـنیده است گـر چـه معنای آن را نمی‌داند لیکن در دل او قرار گرفته است و آنچه را که با چشمان می‌بیند نقش ذهن او می‌گردد به همین جهت پیامبر (ﷺ) فرمودند «**افتحوا علی صبیانکم اول کلمة لا اله الا الله**» زبان کودکان را با کلمه لا اله الا الله بگشائید و قبل از همه به او کلمه لا اله الا الله را بیاموزید.

روش آموختن کلمه طیبه

روش و طریقه آموختن کلمه طیبه همان بود که من عرض کردم باید جلوی او بارها و بارها کلمه طیبه را ورد کنید پدر، مادر، برادر و خواهران همه در تربیت کودک شریک هستند و هر کسی متناسب با مقام و مرتبه خود سهمی در تربیت کودک دارد وقتیکه جلوی کودک با زبان خود کلمات «لا اله الا الله، الله الله، الله اکبر» بگویند و تکرار کنند قطعاً کودک زبان خود را با این کلمات خواهد گشود.

یک مثال عجیب

من مثال خودم را نمی‌دهم ولی من نواسه ۲ ساله‌ای دارم بنام محمد محمود که با چشمان خود می‌بیند که اهل خانه نماز می‌خوانند و با گوش خود اذان را مـی‌شنود وقـتیکه اذان شروع می‌شود او نیز الله‌اکبر می‌گوید و کلمات دیگری نیز می‌گوید که ما آنها را نمی‌فهمیم لا اله الا الله، الحـمد لله را یـاد گـرفته است وقـتیکه بـه او مـی‌گویند بگـو لا اله الا

الله، او می‌گوید و این کلمه آن قدر آسان است که با آسانی و روانی کامل بر زبان نیز جاری می‌گردد. و بقیه کلمات، یا آن کلماتی هستند که این مدپرستان و ماده پرستان اختیار نموده‌اند که زبان کودک را می‌شکنند و بر زبان کودک بصورت درست و صحیح جاری نمی‌شوند بلکه کودک را به زحمت و مشقت می‌اندازد شما خودتان می‌دانید که ما چه می‌آموزیم و زبان کودکان کوچکمان را با چه چیزهائی باز می‌کنیم شما از من بهتر می‌دانید ولی لفظ الله یا لا اله الا الله کلمه‌هائی هستند که کودک با آسانی می‌تواند آنها را تلفظ نماید و بر زبان او جاری می‌شود و این بهترین کلمه‌ای است که پیامبر (ﷺ) به ما آموخت.

مرحله دوم تربیت

بعد از این، مرحله دوم تربیت آغاز می‌گردد و آن زمانی است که در کودک اندکی شعور و فهم بوجود آمده است بخاطر رضای خداوند از این فهم کودک کار بگیرید و این شعور و فهم اندک او را تباه و بر باد نسازید و آن شعوریکه خداوند در وجود او ذره ذره پیدا می‌کند سعی کنید تا به راه راست هدایت دهید اگر من برای شما در این راستا احادیث پیامبر (ﷺ) را بیان کنم موضوع بیش از حد طولانی می‌شود لیکن به جهت اختصار فقط یک حدیث را ذکر می‌کنم و از همین حدیث معلوم می‌شود که ما باید چه کار کنیم ولی ما داریم چه کاری می‌کنیم؟

فرزندتان را به سه خصلت خوگر نمائید

پیامبر (ﷺ) فرمودند **«ادّبوا اولادکم علی ثلث خصال، حب نبیکم، وحب اهل بیته، و قراءة القران، فان حملة القرآن فی ظل الله یوم لا ظل الا ظلّه مع انبیائه و اصفیائه»** (۱)

فرزندتان را به سه خصلت خوگر کنید محبت پیامبر و اهل بیت وی و تلاوت قرآن چون حاملان قرآن زیر عرش الهی قرار می‌گیرند روزیکه هیچ سایه‌ای جز سایه عرش او نخواهد بود و آنجا با پیامبران و بندگان برگزیده خدا خواهند بود منظور از **«ادّبوا»** یعنی اینکه خوگر کنید و عادت دهید بگونه ایکه این چیزها عادت شود و منظور از عادت قرار گرفتن این است که درآنها رسوخ پیدا کرده و به ذهن آنها پیوست گردد و این سه چیز را باید همیشه من و شما مدنظر داشته باشیم و منظور از عادت قرار گرفتن این است همچنانکه ما عادت چای نوشیدن داریم و وقتیکه لحظه، زمان و وقت چای نوشیدن آید فوراً تقاضا، داعیه و طلب دروجود ما پیدا می‌شود.

آن سه خصلت کدامند

فرمودند که فرزندانتان را به سه خصلت خوگر کنید و عادت دهید و این زمانی است که تربیت کودک شروع می‌شود و در کودک اندکی شعور و فهم پیدا شده است و آن سه

۱- الجامع الصغیر ص ۱۴ ج ۱ دارالکتب العلمیة بیروت

خصلت کدامند؟ ۱ـ یکی اینکه آنها را به محبت پیامبر (ﷺ) عادت دهید ببینید پیامبر (ﷺ) چگونه ایمان را محفوظ نگهداشتند و پیامبر (ﷺ) ایمان کودک را چگونه تربیت می‌کند و محبت پیامبر (ﷺ) در دل هر کودکی که پیدا شود یقین داشته باشید که او بهترین مومن و مسلمان خواهد شد. من و شما با زبان ادعاء محبت با پیامبر (ﷺ) را داریم و محبت قلبی‌مان با پیامبر(ﷺ) خیلی کم است به حدی که باید باشد، نیست پس در اول فرمودند که محبت پیامبر (ﷺ) را در دل آنها قرار دهید تا به دل آنها پیوست، و نقش ذهن آنها گردد.

محبت پیامبر (ﷺ) چگونه است

محبت پیامبر (ﷺ) چگونه می‌آید آیا با تلویزیون می‌آید یقین داشته باشید که با تلویزیون و سینما نمی‌آید برعکس اینها موجب دوری از اسلام می‌شوند و محبت پیامبر(ﷺ) با کتابهای رمان و داستان و روزنامه پیدا نمی‌شود.

وسایل و ذرایع محبت پیامبر (ﷺ)

محبت پیامبر (ﷺ) با بیان سیرت او، اعم از واقعات، حالات، بزرگی پیامبر (ﷺ)، معجزات، از همه بهتر و افضل بودن پیامبر (ﷺ) و صفات کامل پیامبر(ﷺ) پیدا می‌شود متأسفانه امروزه از این چیزها در خانه‌های ما خبری نیست.

با دیده انصاف بنگرید! ما که علاقمند ویدئو و تلویزیون هستیم و در آن آنقدر غرق

شده‌ایم و ما را بطرفی سوق می‌دهد که خودمان نمی‌دانیم محبت پیامبر (ﷺ) از کجا می‌آید؟ **«و حبّ اهل بیته»**

محبت با خاندان پیامبر (ﷺ) را در دل کودکانتان قرار دهید و محبت با اهل بیت را عادت آنها قرار دهید.

و در اهل بیت همسران پیامبر (ﷺ) دختران و نواسه‌های پیامبر (ﷺ) و همچنین پائین‌تر از اینها، همه داخل هستند.

راه آسان پیدا کردن محبت با اهل بیت

کودکان را چگونه با محبت اهل بیت پیامبر (ﷺ) خوگر سازیم؟ روش و راه این عمل نیز همان است که من گفتم نزد کودکان صفات کامل آنها، مقام و مرتبه، و آن صفات مخصوصی که خداوند به آنها عطا فرموده است، بیان کنید و در رابطه با تمام این موضوعات کتاب موجود است و سومین چیز فرمودند **«قراءة القرآن»** بله برادران! قبل از این دستور فرمودند که زبان کودکان‌تان را با کلمه «لا اله الا الله» بگشائید و فوراً بعد از آن دستور می‌فرماید که آنها را به خواندن قرآن عادت دهید چرا سروران؟ چرا دوستان؟ چرای اهل ایمان؟ کمی توجه کنید ما بندگان خدا و امت پیامبر (ﷺ) هستیم - از بین ما امروزه چه کسی اینگونه عمل می‌کند؟ یک مقداری وضعیت خودمان را بررسی کنیم فقط می‌گوئیم و راه می‌رویم که بله ما مسلمانیم، این می‌شود و آن می‌شود و ما به غضب

خداوند گرفتاریم باید ببینیم که ما چگونه‌ایم؟ و چه می‌کنیم؟ ما خودمان هستیم که غضب و خشم الهی را با افعال، حرکات و کردارمان دعوت می‌دهیم - «خداوند ما را معاف فرماید و ما را در پناه خود حفظ کند».

فرمان نبوی در مورد تربیت

پیامبر (ﷺ) در حدیثی که قبلاً گذشت فرمودند فرزندانتان را به سه خصلت خوگر کنید و غالباً این ارشاد را پیامبر (ﷺ) برای آن کودکانی فرمودند که تازه گفتن و راه رفتن را شروع کرده‌اند و آنها به فکر و شوق این می‌افتند که حالات و اتفاقات دنیا را بشنوند و مقداری از حرفها و موضوعات خانه و اهل خانه و خاندان را بشنوند و این جزء فطرت آنهاست ولی مادران و خواهران ما برای کودکان داستانهای جن، پری و دزدان و کاروانهای راه زن را بیان می‌کنند کودکان شب قبل از خوابیدن می‌خواهند تا مادر برای آنها قصه و داستانی تعریف کند ولی متأسفانه مادران با بیان کردن داستان دزدان و جن‌ها به این تقاضا و خواهش فطری و طبیعی کودک پاسخ می‌دهند بدانید که این موضوعات در ذهن کودک جای می‌گیرند.

گوش ظرف دل است

پیامبر (ﷺ) فرمودند: **«فاما الاذن فقمع والعین بمقرة لما یوعی القلب»** گوش برای دل به قیف می‌ماند یعنی هر حرفی که با گوش شنیده می‌شود آن حرف، سخن و مطلب

فوراً و بصورت مستقیم به دل می‌رسد و اثرش بر دل است گر چه انسان احساس نکند اگر کسی به کسی دشنام و ناسزا می‌گوید اثر آن چگونه است؟ و اگر به کسی حرف خوبی گفته می‌شود اثر آن چگونه است؟ و حرف از گوش به دل می‌رسد و به محض رسیدن کار خود را آغاز می‌کند اگر کسی پیوسته و دائم بدگوئی کسی را بشنود خودبخود نفرت آن شخص در دل او پیدا می‌شود و اگر خوبی‌های کسی مرتب و دائم به گوش رسد محبت آن شخص در دل پیدا می‌شود و قطعاً همهٔ ما این حالت را داریم و هیچ کسی از این امر استثناء نیست.

در آخرت از کدام اعضاء سئوال می‌شود

شاید به همین مناسبت قرآن کریم این سه چیز را ذکر فرموده که درآخرت در مورد آنها سئوال خواهد شد «**اِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُوْلاً**» از گوش، چشم و دل سئوال می‌شود چرا؟ به این خاطر که دل حاکم تمام بدن است به هر گونه که بخواهد کار می‌گیرد و هر مطلبی که با گوش شنیده شود به دل می‌رسد و هر چیز که با چشم دیده شود به دل می‌رسد و دل نیز نظرش را بر آنها می‌اندازد و نتیجتاً تمام اعضاء بدن تابع آن می‌شوند.

تأثیر منفی تماشای تلویزیون به دل می‌رسد

شبها مردم آلهٔ شیطانی و وسیله گناه را تماشا می‌کنند شبها را بیدار می‌مانند حتی که دو ساعت خواب شان نمی‌آید و بعد همان خیالات و نقشها که دیده به دل می‌آیند و گوش چیزیست که آنچه را بشنود فوراً به دل می‌رسد و بر دل اثر می‌گذارد و دل همان چیزی را انجام می‌دهد که در آن موجود است و نتیجه‌اش این می‌شود که کودک به آن داستانها و مشاهدات عادت می‌کند و نسبت به آنها علاقه و اشتیاق خاصی پیدا می‌کند و به افسانه و کتابهای غلط و اشتباه علاقه پیدا خواهد کرد و آنچه به دل کودک بوسیله چشم و گوش می‌رسد. شخصیت او را می‌سازند بنابراین شخصیت کودک آن گونه بار می‌آید که دیده و شنیده است و این معاملهٔ بسیار باریک و نازکی است.

کودکان را فقط از خدا بترسانید

بعضی اوقات مادران و خواهران بخاطر اینکه اندکی استراحت کنند و کودک را ساکت کنند او را از جن، دزد، سگ، گربه و غیره می‌ترسانند. که عاقبت این کار خیلی خطرناک است و از دیدگاه شریعت این کار جایز نیست زیرا نتیجه‌اش این است که آن کودک بزدل و ترسو بار می‌آید و هر وقت گربه یا چیز دیگری بیند فوراً می‌ترسد. شما این مطالب را در خانه‌هایتان می‌بینید و انتخاب این طرز عمل جایز نیست چونکه در شخصیت و بنیاد او خوف و ترس حاکم می‌گردد که تا پایان زندگی بیرون نخواهد شد چون هر صفت و

کیفیتی که در زمانه کودکی در وجود کودک جای گرفت هرگز از وجود او بیرون نمی‌شود. و اثرش حتماً ظاهر می‌گردد و پیامبر (ﷺ) بهترین اسلوب و روش را بـه مـا یـاد دادنـد. و فرمودند که کودکانتان را به سه خصلت خوگر کنید. محبت پیامبر، اهل بیت وی و قراءت و تلاوت قران، و آنها را به گونه‌ای تربیت کنید که تلاوت و محبت قرآن در دل آنان راسخ شود و قرآن را بعنوان برنامه زندگی بپذیرد.

فضیلت تلاوت قرآن

و در آخر حدیث، پیامبر (ﷺ) فرمودند که تلاوت کنندگان قرآن زیر سـایه عـرش جـای می‌گیرند روزی که بجز سایه عرش او سایه دیگری نخواهد بود و حرارت و گرمای آن روز را شما می‌دانید و هر مسلمان می‌داند که خورشید به اندازه نیزه پایین مـی‌آید و تـولید حرارت می‌کند و در آن گرما هیچ سایه جز سایهٔ عرش او نخواهد بود و در آنجا سایهٔ کوه و درخت وجود ندارد تا مردم زیر آنها سـایه گـیرند و در آن روز تـلاوت کـنندگان و عـمل کنندگان به قرآن زیر سایه عرش الهی خواهند بود و در آنجا سایه نیز درجات مختلفی دارد که پیامبر (ﷺ) فرمودند **«مع اصفیائه و انبیائه»** که تلاوت کنندگان و عمل کنندگان زیر سایه عرش الهی با پیامبران و بندگان برگزیده خداوند خواهند بود و کـودکان را بـاید از همان لحظات آغازین به این چیزها تشویق نـمایید و خـوگر کـنید بـجای داسـتانهای دورغین و افسانه بهتر است که این سه چیز را به آنها بیاموزید. تا محبت پیامبر (ﷺ) اهل بیت او و تلاوت قرآن در دل آنها پیدا شود.

روش ایجاد محبت پیامبر (ﷺ)

من شاید قبلاً طریقه ایجاد محبت با پیامبر (ﷺ) را با اختصار خدمت تان عرض کرده‌ام و اینکه محبت پیامبر (ﷺ) چگونه پیدا می‌شود و در این مورد باید چه چیزهایی به کودکان بگوئید و بشنوانید در این داستان یک حدیث از پیامبر (ﷺ) که یک صحابی بسیار مشهوری آن را روایت کرده است ذکر می‌کنم او می‌گوید ما به کودکانمان سیرت پاک پیامبر (ﷺ) و واقعات جهاد را بگونه‌ای که قرآن را می‌آموختیم یاد می‌دادیم و می‌خواندیم و این صحابی طریقهٔ آن را نیز بیان فرمود که حالات پیامبر (ﷺ)، سیرت پیامبر (ﷺ) پاکیزگی، مقام، محبت و کوششها و زحمات پیامبر (ﷺ) و مصیبتها و رنجهائی که پیامبر (ﷺ) در راه ترویج و اشاعه قرآن و اسلام تحمل فرموده بود برای کودکان بیان می‌کردیم اگر شما اینها را بیاموزید خواهید دید نتیجه‌اش چه می‌شود. قطعاً نتیجه‌اش این خواهد بود که رفته رفته محبت پیامبر (ﷺ) در دل آنها قرار خواهدگرفت همچنانکه قبلاً بیان گردید که اگر خوبیهای شخصی مرتب به گوش برسد محبت او در دل پیدا خواهد شد و اگر بدی کسی مرتباً به گوش رسد نتیجتاً نفرت و دوری از او در دل پیدا خواهد شد.

با دست خود کودکانمان را به سوی تباهی سوق می‌دهیم

حالا یک مقداری ما معاشرت خودمان را بررسی کنیم و سر به گریبان بریم که تا کجا و چه حدی به دستورات اسلام عمل می‌کنیم؟ و آن چیزهائیکه بر خلاف این هستند چقدر ما به آنها عمل می‌کنیم و آن چیزهائیکه سبب انحراف و از دست رفتن فرزندان، پسران و دختران بلکه نسل ما می‌شوند خودمان با دست خود فراهم می‌کنیم و آنها را ذهن نشین کودکان ساخته‌ایم آیا این یک حقیقت نیست؟ شاید شما ناراحت شوید من که مطالب را واضح و راست می‌گویم و معمولاً حرف راست تلخ است آیا این یک حقیقت نیست؟ و آن وقتیکه زمان تربیت کودک «یعنی از مغرب تا وقت خوابیدن» است ما چه کار می‌کنیم و چه چیزهائی به آنهامی آموزیم؟ آیـا آن مـحبت مـقصوده پـیامبر (ﷺ) در دل کـودکان می‌آید؟ بلکه همان حالت پیش می‌آید که همهٔ شما آن را می‌بینید.

یک داستان تأسفناک

یک ممتحن «امتحان گیرنده» از مدرسه اسلامیات «میرک» تقریباً ۲۰ الی ۲۵ سال قبل به من گفت که من یک سوال طرح کرده بودم که محل تولد، هجرت و وفات پیامبر(ﷺ) کجا بود مقداری از این حالات را بیان کنید؟ که در جواب این سوال یک دانش آموز که فرزند مسلمان هم است، نوشته بود که (العیاذ بالله) پـیامبر (ﷺ) واشـنگتن مـتولد و در نیویورک وفات یافتند بله دوستان حال ما مسلمانان است. جناب! بچه‌ها چرا مـنحرف

می‌شوند؟

ما نمی‌دانیم و کودکان نیز اطلاع ندارند که در مدارس چه می‌شوند و ما در خانه‌هایمان نیز تربیت و تعلیم دینی را رها ساخته‌ایم که اسلام چیست؟ و شخصیت ممتاز پیامبر (ﷺ) کیست؟ و فرزندانمان را رها کردیم تا خودسرانه ایمان و شرافت و انسانیت را نقل کنند و بعد می‌نشینیم و گریه می‌کنیم که فرزندان ما اینگونه‌اند به همین جهت من می‌گویم قبل از اینکه دربارگاه خداوند از مؤاخذه بچه‌ها، ما مؤاخذه خواهیم شد که چرا این امانت‌ها را نگهداری نکردید؟ چرا آنها را بصورت درست تربیت نکردید و چرا جو و فضای خانه‌تان را اینگونه مسموم و زهرآلود کردید قبل از همه از خودمان سوال خواهد شد بهرحال من عرض می‌کردم که حضرت سعد بن ابی وقاص (رضی الله عنه) روش پیدا شدن محبت پیامبر (ﷺ) را در دل کودکان به ما آموختند.

ایمان و محبت پیامبر (ﷺ) لازم و ملزوم هستند

بیائیم وضعیت خودمان را بررسی کنیم و در فکر اصلاح خود شویم محبت پیامبر(ﷺ) بنیاد و اساس ایمان است و هر دلی که در آن محبت و عشق پیامبر (ﷺ) نیست در آن دل ایمان نخواهد بود ایمان و محبت پیامبر (ﷺ) لازم و ملزوم هستند و هر دو با یکدیگر پیوست هستند و جدا نمی‌شوند. بهر درجه که ایمان باشد همانقدر محبت خواهدبود اگر خدای ناخواسته ایمان نباشد محبت نخواهد بود. آیا ما اهتمام و برنامه ریزی برای ایجاد این محبت کرده‌ایم؟ و زمانه کودکی زمانه ایست که هر چه به کودک یاد دهید یا بشنود در ذهن او نقش خواهد گردید که تا لحظات مرگ جدا نخواهد شد من خودم انسان بزرگسالی هستم و شما نیز می‌دانید که حرف دیروز به یادمان نمی‌آید ولی واقعات و حرفهای دوران کودکی خوب به یادمان می‌آید که هرگز فراموش نمی‌شود. ما از این بهترین موقعیت ذهنی کودکان چه کاری گرفتیم؟ کمی فکر کنید جواب خدا را چه خواهیم داد؟ چقدر ذهن او را ترقی دادیم؟ به همین جهت پیامبر(ﷺ) فرمودند که کودکان‌تان رابه سه خصلت خوگرکنید محبت پیامبر(ﷺ) و طریقه‌اش را نیز گفتیم که پدر یا مادر به هنگام خوابیدن یا حالت بیدار بودن کودکان، سیرت پیامبر(ﷺ) و واقعات زندگی آن حضرت(ﷺ)، صحابه‌کرام، واهل‌بیت‌پیامبر(ﷺ) رابرای‌آنها بخوانند و بگویند سیرت بزرگان مجاهدان اسلام رابیان‌کنید چرادوستان؟ شما باانصاف‌به یک سوال من پاسخ

دهید؟ آیا تاریخ مسلمانان روشن و واضح نیست؟

به من جواب دهید آیا این انصاف است؟

کدامین مسئله و شعبهٔ زندگی آنگونه است که در آن تاریخ مسلمانان نسبت به تاریخ تمام اقوام و ملل دیگر واضح و روشن‌تر نباشد متأسفانه ما خالدبن ولید (رضی الله عنه) را نمی‌شناسیم لیکن ناپلئون را می‌شناسیم چرا؟ دقت بفرمائید! کودکان ناپلئون را می‌شناسند و سرگذشت و تاریخ او را کاملاً حفظ دارند با وجود اینکه او بدترین ظالم بود و خالد بن ولید (رضی الله عنه) که بهترین عادل، منصف، سپه سالار بود، نمی‌شناسند و بعضی نام او را نیز نشنیده‌اند که شخصیت و بزرگی او تا چه حد است. بگوئید این چه ظلمی است که بر کودکان‌مان می‌شود که با دست خود بر کودکان انجام می‌دهیم حقیقت امر این است که ما ایمان و اسلام کودکان‌مان را با دستان خود ذبح می‌کنیم سخن من شاید تلخ و بدون ملاحظه، رک و مستقیم باشد ولی سخن حق است آیا این روش تربیت کودکان است که آنها جلوی تلویزیون با تماشای فیلم‌های مبتذل یا پای برنامه‌های لهو و بیهوده دیگر بنشینند؟ آنها می‌بینند و می‌شنوند گرچه فهم ندارند ولی شنوده‌هاو دیدنیهابه ذهن آنها نقش می‌بندد و اینگونه کودکان چطور فرزندانی خواهند بود شما جواب دهید آیا غیر از این است که آنها دزد، راهزن، قاتل و انسانهای منحرف و از راه راست دور شوند و این کار را خودمان با دست خود انجام داده‌ایم.

سیرت طیبه پیامبر (ﷺ) را مطالعه فرمائید

کمی دقت بفرمائید کتابهائی که در مورد سیرت طیّبه، جهاد، واقعات مهم و کارنامهٔ پیامبر (ﷺ) که با متون و زبان آسان هستند چرا آنها را برای کودکان نمی‌خوانید. ما مبالغ زیاد و هنگفتی را برای خرید آلهٔ شیطان «تلویزیون» هزینه می‌کنیم و اگر نداشته باشیم قرض می‌کنیم آیا نمی‌توانیم ۲۰ الی ۲۵ روپیه را برای خرید کتابهایی هزینه کنیم متأسفانه ما کتاب نمی‌خریم تا بوسیله آن کودکان ما اصلاح شوند.

داستانهای صحابه کرام را بخوانید

داستانهای صحابه کرام علی الخصوص آن کودکانی که در زمان پیامبر (ﷺ) متولد گردیدند و صورت زیبای پیامبر (ﷺ) را دیدند و شرف صحابیت و محبت را یافتند آنها چه کارهای انجام دادند آن زنانیکه به پیامبر (ﷺ) ایمان آوردند آن کسانیکه تعدادشان هم زیاد است خدمات و فعالیت‌های دینی آنها زیاد بوده است آن دختران کوچکی که در زمان پیامبر (ﷺ) متولد گردیدند اینها را برای کودکان بخوانید خواهید دانست که تاریخ اسلامی چقدر روشن و واضح است و در تاریخ اسلام رادمردان و راست سیرتانی که یک نفر در تمام عالم انقلاب دگرگونی بوجود آورده، است چرا داستان آنها را برای کودکان‌مان نمی‌خوانیم آیا انتظار دارید با انتخاب این شیوه و طرز عمل کودکان ما مسلمان بارآیند.

در وجود کودکان محبت اهل بیت پیامبر (ﷺ) را پیدا کنید

پیامبر (ﷺ) در حدیث قبلی فرمودند **«وحب اهل بیته»** کودکان را به محبت پیامبر (ﷺ) و اهل بیت او خوگر کنید و کودکان را به محبت اهل بیت و خاندان پیامبر (ﷺ) عادت دهید.

اهل بیت پیامبر (ﷺ) چه کسانی هستند؟

اهل بیت پیامبر (ﷺ) خانواده آن حضرت یعنی ازواج مطهرات، فرزندان پیامبر(ﷺ) و حضرت فاطمه (رضی الله عنها) و حضرت حسن (رضی الله عنه) و حسین (رضی الله عنه) و نسل اینها تا به حال همه اهل بیت هستند و شما می‌دانید که محبت با اهل بیت پیامبر چقدر ضروری و لازمی است و انسان وقتیکه با کسی محبت داشته باشد با خاندان او نیز محبت دارد و وقتیکه با کسی دشمنی دارد با خاندان او نیز دشمن می‌شود و این یک حقیقت است که ما هر روزه آن را مشاهده می‌کنیم. محبت پیامبر (ﷺ) و اهل بیت وی، محبت خادمان مخصوص پیامبر (ﷺ)، محبت قربانی کنندگان جان و مال خودشان برای پیامبر (ﷺ) مانند حضرت ابوبکر(رضی الله عنه) و خلفاء راشدین (رضی الله عنهم) وقتی در کودکان پیدا می‌شود که شما از آغازین لحظات عمر، این موضوعات را به گوش آنها برسانید.

در دنیا اینگونه مسلمانانی هم هستند!

از یک مسلمان که به او گفته بودم: فرزندتان را برای آموختن قرآن کریم بفرستید. شنیدم

که در جواب من گفت چگونه من سه سال عمر فرزندم را برای این کار ضایع کنم و در طول سه سال او سه کلاس را می‌خواند. این نظریه یک مسلمان است نظریه یک کافر نیست. این حال آن کسانی است که به قرآن ایمان دارند و کلام راست و درست خداوند را قبول دارند این حال امتی است که قرآن را، کلام نازل شدهٔ خداوند بر پیامبر (ﷺ) می‌داند که در جواب می‌گوید اگر کودک سه سال قرآن بیاموزد این سه سال از عمر او ضایع می‌شود. آری! دشمنان اسلام قبل از همه تلاوت قرآن را از ذهن ما خارج کردند چونکه می‌دانند قرآن کریم چه تاثیری بر زندگی مسلمانان دارد و قرآن کریم را از گوش‌هادلها زبانها و خانه و در نهایت از امت خارج کردند چون می‌دانند که اگر اثرات قرآن کریم بیاید قطعاً دشمنان در مقابل آن نخواهند توانست استقامت کنند و فرار خواهند کرد.

اصول اسلامی تربیت فرزندان

موضوع بنده همانگونه که شما حضار محترم عنایت دارید در رابطه با اصول اسلامی تربیت و اصلاح فرزندان است آن اصولی که ما با تضییع و توجه نکردن به آنها زندگی خودمان را جهنم ساخته‌ایم اگر ما آن اصول و ضوابط را رعایت کنیم قطعاً زندگی ما، خانه و کشور ما نمونه‌ای از بهشت خواهد گردید امروزه این همه اضطراب و وحشت زدگی، قتل، غارت و چپاول به حدی که مال، آبرو، جان و عزت هیچ کسی امنیت ندارد و انسانها در خانه، رفتن به مسجد، عبادت کردن، در حالت نماز و بیرون شدن از خانه

احساس ترس می‌کنند تمام اینها به جهت شومی اعمال ماست که ما نسبت به خانواده، فرزندان و جگرگوشه‌هایمان بی‌تفاوت هستیم و به تربیت آنها که خداوند و پیامبرش دستور داده بود توجه نمی‌کنیم و آن اصول و روشهائیکه آنها بیان فرموده بودند عمل کردن به آنها بجای خود، ما آنها را نمی‌فهمیم به همین خاطر آنچه که امروزه پیش می‌آید نتیجه اعمال خود ماست. «خداوند ما و خانواده‌هایمان را هدایت فرماید»

اصول تربیت از سه تا ۷ سالگی

تعدادی از اصول و ضوابط تربیت اسلامی را از سن سه تا ۷ سالگی بیان می‌کنم که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است و پیامبر (ﷺ) آنها را با صراحت و تفصیل بیان فرموده است این مرحله از عمر کودک آن زمانه ایست که کودک در حال حرکت بسوی فهم و شعور است و شعور کمی در وجود او یافت می‌شود که دنیا چیست؟ خانه من، پدر من، مادر من، برادران و خواهران چه کسانی هستند و بعضی از افراد فامیل را می‌شناسد گر چه شعور و عقل او هنوز کامل نشده است بهرحال هم اکنون زمان تربیت عقلی او فرا رسیده است که روز بروز اضافه و بیشتر می‌شود و بنیاد و اساس تربیت باید از همین سن پایه گذاری شود در این راستا مسئولیت‌هایی که بعهده من و شما گذاشته شده است من با سادگی و وضاحت، مختصری از آنها را خدمت شما عرض می‌کنم. مسئولیت اول در قبال فرزند مسئولیت تربیت و پرورش جسمانی کودک است بعد از این تربیت ایمانی و روحانی

بعد مسئولیت تربیت اخلاقی کودکان که تا سن هفت سالگی پایه گذاری و تخم ریزی می‌شود.

تربیت جسمانی فرزند از دیدگاه قرآن و سنت پیامبر (ﷺ)

تربیت جسمانی کودک باید چگونه باشد؟ قرآن در رابطه با این مطلب ساکت نمانده است متأسفانه من و شما تصور می‌کنیم در قرآن و سنت پیامبر (ﷺ) در خصوص این موضوع اصول و قواعدی بیان نشده است. این تصور کاملاً غلط و اشتباه است شما از این موضوع بنده متوجه خواهید شد. که اسلام هیچ چیز را نگذاشته است و هیچ بعدی از ابعاد زندگی آن طور نیست که در آن اسلام حکم یا راهنمایی ارائه نداده باشد اسلام فقط نام روزه و نماز نیست بلکه اسلام بر تمام گوشه‌های زندگی یک مسلمان و مومن احاطه دارد. همچنین تربیت جسمانی فرزند باید چگونه باشد در سنت پیامبر (ﷺ) اصول و ضوابط آن بیان گردیده است و در مورد تربیت روحانی، دینی و اخلاقی فرزندان نیز قرآن کریم اشاراتی دارد که پیامبر (ﷺ) با وضاحت و صراحت کامل آنها را بیان فرموده است و این سن کودک آن زمانه‌ای بسیار حساس و باریک که به دقت بیشتری نیاز دارد در رابطه با تربیت جسمانی فرزند الحمدالله همه ما توجه داریم که سعی داریم تا پرورش جسمی و نشو و نماء او بخوبی انجام پذیرد لیکن باز هم یکی دو مطلب در این مورد از قرآن و سنت پیامبر (ﷺ) عرض می‌کنم.

اعتدال را در تربیت جسمانی فرزند ملحوظ دارید

خلاصه این موضوع این است که در رابطه با تربیت و پرورش جسمانی فرزند و خانواده از بخل و خساست کار نگیرید و بیش از حد نیاز نیز خرج نکنید یعنی اعتدال و میانه روی را ملحوظ دارید چنانچه قرآن می‌فرماید «**لِيُنْفِقْ ذُوْسِعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ الله**»[۱] آن کسی که توانمند و دارای استطاعت مالی است مطابق با وضعیت مالی و اقتصادی خود باید برای زن و فرزند خرج نماید و اگر کسی تنگدست است و توان مالی آن چنانی ندارد به هر قدر که در توان اوست همان قدر خرج نماید و به هر قدر که خداوند به او داده به همان تناسب به زن و فرزند خود خرج نماید من بارها عرض کرده‌ام که رزق و روزی در اختیار انسان نیست و آنچه که مقدر الهی است همان قدر می‌توانید بدست آورید و هر چه از آن بیشتر کوشش کنید قطعاً در آن ناکام و ناموفق خواهید شد و این تقسیم خداوندی دردنیا جاری بوده و هست که یکی توانمند، صاحب دولت و ثروت است و بیشتر مردم مستضعف و فقیر هستند. قرآن کریم در مورد تربیت جسمانی زن و فرزندان می‌فرماید که باید توانمند و دارای ثروت و فقیر هر یک مطابق توان خود خرج کند متاسفانه بعضی از مردم با وجودیکه خداوند نعمت و ثروت زیادی در اختیار آنها قرار داده باز هم از بخل کار گرفته زن و فرزندان رادر تنگنا قرار می‌دهند بر خود

۱- الطلاق آیه (۷)

و بر زن و فرزند خرج نمی‌کنند قرآن کریم این نوع عملکرد را ممنوع قرار داده است و جلوتر می‌فرماید آن کسیکه توان مالی آن چنانی ندارد و مستضعف است باید مطابق توان خود خرج نماید و بعد از آن یک مطلب را بعنوان اصول بیان می‌فرماید **«لاَ يُكَلِّفُ اللهُ نَفْساً اِلاّ مَا أتَاهَا لِيَجْعَلَ اللهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً»** خداوند به چیزی حکم نمی‌دهد که آن چیز نزد شخص نباشد و به آنچه که نزد شخص است حکم داده که خرج نماید و به قرض کردن و سئوال کردن دستور نداده است و خوش خبری می‌دهد اگر شما به این دستور عمل کنید خداوند قادر است که بعد از تنگی رزق و روزی، وسعت و فراخ دستی و توانمندی را نصیب فرماید. و خلاصه این دستور قرآن همان است که من عرض کردم که اگر خداوند وسعت و ثروت داده مطابق آن خرج کنید و اگر فقیر و ناتوان باز هم مطابق آن خرج کنید این کار را نباید کرد که چون ثروت دارد اسراف و تبذیر که از این طرز عمل فرزندان فاسد و خراب خواهند شد همچنانکه شما مشاهده می‌فرمائید. و نه اینگونه عمل نماید که در حالت وسعت و ثروت از بخل کار گیرد بلکه با اعتدال و میانه روی خرج نماید و در این حد که به زن و فرزندان تکلیف و مشقتی نرسد و چشم به دست دیگران نشوند و این بهترین اصل و قاعده ایست که قرآن کریم بیان فرموده است که از اعتدال کار گیرید و میانه روی را انتخاب کنید. نه تنگی در رزق و روزی و نه فراخی و گشادگی به حدیکه اخلاق فرزندان خراب شود.

توجه به تندرستی کودکان یک امر حیاتی است

در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است «**کفی بالمرء اثما ان یضیع من یقوت**» این برای انسان گناه بزرگی است اینکه آن کسیکه نان و نفقه‌اش بر او لازم است بگذارد تا آنها از نظر اخلاقی و جسمانی تباه و برباد گردند و ببینید اسلام نسبت به تربیت فرزندان چقدر توجه فرموده است اگر فرزند ما مریض است و ما نسبت به علاج او تلاش می‌کنیم این دستور اسلام است که مطابق تقاضای ذاتی و درونی هر پدر و مادر نیز است و سعی دارند تا به هر وسیله‌ای شده بیماری فرزندشان را علاج نمایند.

خداوند برای هر دردی دارو خلق کرده است

حدیث پیامبر (ﷺ) است «**لم ینزل الله داء الا و انـزل مـعه الدواء الا الهـرم**» هـر بیماری که خداوند نازل فرموده همراه آن دارو و درمان آن را نیز خلق کـرده است مگـر پیری که دارو و درمان ندارد. بعد ازاین می‌فرماید اگر دارو مطابق با نوع بیماری تجویز گردد قطعاً درمان خواهد شد و اگرنه، درمان نخواهد شد و بعد فرمودند خداوند یک بیماری بر جسم انسانها نازل می‌فرماید که دارو ندارد صحابه سوال کردند آن بیماری چیست؟ فرمودند آن پیری است یعنی این چنین دارویی نیست که انسان با مصرف آن جوان شود و زندگی را از سر نو آغاز نماید و در این روایت پیامبر (ﷺ) اشاره به این مطلب دارد که در حالت بیماری پزشکی را انتخاب کنید که در رابطه با تشخیص درد و تجویز دارو، شناخت

و اطلاع کافی داشته باشد که اگر درمان بیماری را با تجویز داروی مخصوص آن آغاز کند انشاءالله شفا خواهد یافت و اگر پزشک، حاذق و متبحر نباشد قطعاً مریض از تجویز داروی او خوب نخواهد شد. و همراه این یک حدیث دیگری عرض کنم که ما نسبت به آن غفلت می‌کنیم آن حدیثی که در آن به ما توجیه شده که ما باید اسباب صحت و تندرستی خود و فرزندان را رعایت کنیم و روشی اختیار نمائیم که سلامتی خود و آنها را حفظ کنیم و از تمام بیماریها که ممکن است عارض شوند پیشگیری نمائیم.

شبهای بیماری دار

یک حدیث در کتاب صحیح مسلم است که پیامبر (ﷺ) فرمودند: در طول سال یک شب اینگونه است که در آن شب بیماریها از آسمان فرود می‌آیند که ما نسبت به آن آگاهی نداریم و به هر خانه‌ایکه در آن ظرفهای نشسته باشد می‌رسند اگر اهل خانه آن ظرف را همانگونه استعمال کنند قطعاً بیمار خواهند شد و مطابق اصطلاح امروزی اینگونه بفهمید که میکروبها در آن ظرفها داخل می‌شوند و اگر آن ظرف نشسته استعمال شود نتیجتاً آن میکروب به بدن منتقل می‌شود و انسان بیمار می‌گردد. و بعد پیامبر (ﷺ) فرمودند تمام ظروف و علی الخصوص ظروفی که برای مصارف مواد غذائی بکار می‌روند آنها را با یک چیزی بپوشانید انشاءالله از بیمارهای محفوظ خواهید ماند اگر پوشیدن ظرف را فراموش کردید قبل از به کار بردن، آن را خوب بشوئید و بزرگترین عامل انتقال

میکروب مگس است ظروفیکه احتمال نشستن مگس برآنهاست قبل از بکاربردن، آنها را خوب بشوئید و همچنین سبزیجات که از بازار تهیه می‌شوند آنـها را خـوب شسـته و ضدعفونی نمائید معمولاً اینطور است که وقتی میوه یا سبزیجات از بازار به خانه می‌آید کودکان بدون اینکه بشویند استفاده می‌کنند این خیلی خطرناک است و پیامبر (ﷺ) برای تندرستی خود و فرزندان، دستورات و راهنمائیهای ارشاد فرمودند که از رعایت آن صحت و سلامتی شما و فرزندان محفوظ خواهد ماند و از بیماریها نجات حاصل خواهید کرد.

فلسفه حفاظت از تندرستی

پیامبر (ﷺ) فرمودند وقتیکه زیاد گرسنه شدید غذا بخورید و قبل از اینکه کاملاً سیر شوید دست از غذا بکشید و روی غذا و سیری، غذا نخورید، شما از تمام پزشکان سئوال کنید که نتیجهٔ این کار چیست؟ انسان با این طرز عمل از بسیاری بیماریهای جسمی محفوظ می‌ماند.

یک داستان از گلستان سعدی

حضرت شیخ سعدی (رحمةالله‌علیه) در کتاب گلستان داستانی را در مورد یک پادشاهی که مسلمان شده بود، نوشته‌اند که به اطلاع او رسید که در عصر مبارک پیامبر (ﷺ) در مدینه منوره پزشکی نیست او بجهت خیرخواهی یک پزشک و طبیب را به آنجا فرستاد.
آن دکتر طول سال آنجا نشسته بود و مریضی به او مراجعه نکرد آن پزشک از اینکه از

آبادی بزرگی مثل مدینه در طول سال کسی بیمار نشد و به او مراجعه نکرد از مردم سئوال کرد که شما مردم مدینه چه کاری انجام می‌دهید که مریض نمی‌شوید؟ صحابه (ﷺ) جواب دادند که ما تا وقتیکه خوب گرسنه نشویم غذا نمی‌خوریم و وقتیکه غذا می‌خوریم قبل از سیری کامل، دست از غذا می‌کشیم آن طبیب گفت شما اصلاً مریض نمی‌شوید نهایتاً آن طبیب وسایل خود را جمع کرد و از مدینه رفت. ما باید نیز این اصول را رعایت کنیم و بر پدر و مادر لازم است که کودکان را نگذارند بیش از حد غذا بخورند و آنها را از تمام چیزهائیکه ممکن است به تندرستی‌شان آسیب وارد کند باز دارند و این مطلب را نیز پیامبر (ﷺ) فرمودند که باید زندگی و برنامه غذایی ساده باشد و مفهوم حدیث پیامبر (ﷺ) است زندگی ساده داشته باشید برنامه غذایی باید ساده باشد. من و شما که انواع و اقسام غذاهای متنوع و دارای چربی زیاد مصرف می‌نمائیم از پزشکان سئوال کنید نتیجه‌اش چیست؟ اینکه بیمارستانها پر می‌شوند و خانه‌ها خالی می‌شوند. در اینجا یک پزشک متخصص دوازده سال قبل به من گفت من به شما یک نصیحت می‌کنم اگر می‌خواهید از ناراحتیهای قلبی و عروقی سالم بمانید از غذاهای مجالس دعوتی نخورید چونکه این غذاها دشمن جانی انسانها هستند و در آن روغن و مواد دیگر زیاد هست و برای قلب مضر هستند و من الحمدلله به این کار عمل می‌کنم. غذاهای چرب و متنوع و غذاهای اهل عیش و عشرت دشمن جان انسان هستند. به همین جهت پیامبر (ﷺ) توصیه

فرمودند که غذای ساده بخورید لباس ساده بپوشید و زندگی ساده داشته باشید. در یک حدیث می‌فرمایند **«ایاک و التنعم فان عباد الله لیسو بالمتنعمین»** از زیاده روی و اغراق در ناز و نعمت بپرهیزید زیرا بندگان حق مرفه نیستند توجه فرمائید! این فرموده پیامبر (ﷺ) است. ولی کار ما چیست که امروزه انجام می‌دهیم و زندگی توأم با خوشگذرانی و ترفه، دنیا و آخرت را خراب می‌کند. در دنیا مال، تندرستی، اخلاق انسان خراب می‌شود و چون اخلاق انسانهائیکه با خوشگذرانی زندگی می‌کنند با اخلاق ساده زیستان فرق می‌کند این راهنمائی پیامبر(ﷺ) بود در آن ساده زیستن را توصیه فرمود که آموزش عملی آن را پیامبر (ﷺ) با زندگی خود نشان داد زندگی پیامبر(ﷺ) چقدر ساده بود و زندگی صحابه کرام که در آن زمان بزرگترین سرمایه داران هم بودند باز هم ساده زیستی را انتخاب کردند و هیچگونه نشانی از خوشگذرانی و ترفه در زندگی آنها یافت نمی‌شد.

داستان یک صحابی متمول و ثروتمند

حضرت مصعب بن عمیر (ﷺ) یک صحابی متمول و ثروتمند بود که بیان حالات وی در احادیث پیامبر(ﷺ) آمده است تا زمانیکه کافر بود آنقدر در زندگی مرفه و خوشگذران بود که ما امروزه تصور آن را نمی‌توانیم بکنیم و خداوند به او آنقدر مال داده بود که در روایات می‌آید که قیمت هر دست لباس او دویست درهم بود آن زمانیکه با یک درهم یک گوسفند خریده می‌شد و هر دست لباسی که می‌پوشید شام درمی‌آورد و دوباره آن را نمی‌پوشید و لباس نو دیگری می‌پوشید. اینقدر رفاه و خوشگذرانی داشت و این کیفیت بود هنگامیکه از خانه بیرون می‌شد بهترین و گرانترین اسب را سوار می‌شد و یک خادم سمت راست و یکی سمت چپ او می‌دویدند تا این حد ثروتمند بود وقتیکه مسلمان شد و خداوند به او دولت اسلام عطا فرمود و هر کسیکه دولت و نعمت اسلام به او رسد تمام نعمتهای دنیا در مقابل او هیچ هستند بعد از اسلام نزد او از مال، زر، لباس و تمام شوکت قبلی خبری نبود در روایت کتاب صحیح بخاری آمده است که او بعد از اسلام یک چادر داشت و آن چادر به قدری کوچک بود که برای تکفین وی کافی نبود بگونه‌ای که اگر سرش را می‌پوشاندند پاهایش برهنه می‌ماند و اگر پاهایش را می‌پوشاندند سرش برهنه می‌ماند. او را با همین چادر کفن کردند و اینچنین شخص مالدار و ثروتمندی وقتیکه اسلام را قبول کرد و از شاگردان مکتب پیامبر (ﷺ) شد چقدر زندگی ساده‌ای را انتخاب

کرد.

نتیجه غفلت از تربیت اسلامی

شما کاملاً اطلاع دارید و جامعه و شیوهٔ زندگی کنونی آن جلوی ما قرار دارد و گواه بر این مطلب است که امروزه ما از روش تربیت اسلامی غافل هستیم و آن روشی که در قرآن و سنت پیامبر (ﷺ) آمده است یا ما از آن غافلیم یا اینکه نسبت به آن آگاهی داریم ولی در اعمال و بکار بستن آن تغافل می‌کنیم که نتیجه‌اش همان است که جلوی ماست معاشرت اسلامی معاشرت بلند، مقدس و دارای اصول اخلاقی که اگر این معاشرت در دنیا اجرا گردد از آن لحظه تا قیامت مردم اینچنین معاشرت مقدس و پاکیزه‌ای نخواهد دید و شما می‌دانید آن کسانیکه بر آداب معاشرت اسلامی عمل کرده‌اند به چه مقام بلندی رسیده‌اند.

یک حدیث در رابطه با تربیت

حدیثی در کتاب ترمذی است که در آن پیامبر (ﷺ) به پسرعموی خود در آن آموزشهایی دادند و این حدیث الگوی تربیت برای من و شما است. حضرت عبدالله بن عباس (رضی الله عنه) پسرعموی پیامبر (ﷺ) که تا زمان وفات پیامبر (ﷺ) به سن بلوغ نرسیده بود ایشان می‌فرمایند که یکروز پیامبر (ﷺ) مرا پشت سر خود بر سواری نشاندند و فرمودند: **یا غلام الا اعلمک کلمات ینفعک الله بهن احفظ الله یحفظک - احفظ الله تجده امامک**

تعرف الی الله فی الرخاء یعرفک فی الشدة و اذا سألت فاسئل الله و اذا استعنت فاستعن بالله و اذا اعتصمت فاعتصم بالله (۱)

فرزندم: من چند جمله را به تو می‌آموزم آنها را به ذهن بسپار و جمله اول: «**احفظ الله یحفظک**» چه جمله عجیبی پیامبر (ﷺ) ایراد فرمودند: خدا را مد نظر داشته باش خداوند ترا محافظت خواهد کرد آیا هیچوقت ما فرزندانمان را بسوی خداوند متوجه ساخته‌ایم؟ پیامبر (ﷺ) به پسرعموی خود که خردسال است می‌فرمایند خدا را مدنظر داشته باش خداوند ترا محافظت می‌کند و جمله دوم پیامبر (ﷺ) از این هم زیباتر که می‌فرماید: «**احفظ الله تجده امامک**» خداوند را مد نظر داشته باش خداوند را جلویت را می‌یابی - یعنی دستورات خداوند را رعایت و همه جا خداوند را مد نظر داشته باش قطعاً خداوند نیز ترا در همه جا یاری خواهد کرد.

مطلب مد نظر داشتن خداوند

در جمله اول فرمودند: «**احفظ الله یحفظک**» خداوند را مد نظر داشته باش یعنی در تمام حالات خوابیدن، بیدارشدن، خوردن، آشامیدن، راه رفتن، صحبت کردن، عبادتها، معاملات و تمام زندگی خداوند را مد نظر داشته باش هر حکمی که خداوند دستور انجام آن را داده انجام ده و هر چیزی که خداوند از آن منع کرده بازآی. اگر در تمام حالات

۱- حدیث ۶۳۱ کنز العمال ج ۱ ص ۱۳۳، ۱۳۴

خداوند را مدنظر داشته باشی قطعاً محفوظ خواهی ماند و خداوند تو را حفظ می‌کند و مورد اکرام و نوازش خود قرار می‌دهد. بگونه‌ای خودت حیران می‌مانی. و جمله دوم: «**احفظ الله تجده امامک**» خداوند را مد نظر داشته باش خداوند را جلوی خودت می‌یابی این دو جمله بسیار آسان هستند آنها را حفظ کنید. جمله سوم فرمودند: «**تعرف الی الله فی الرخاء یعرفک فی الشدة**» در حالت آرامش و خوشحالی بسوی خداوند متوجه باش و خداوند نیز در حالت سختی و گرفتاری بسوی تو توجه خواهد کرد چه جمله زیبایی که تمام چیزها در آن آمده‌اند یعنی اینکه در وقت عافیت، سلامتی، امن و امان بسوی خدا متوجه باش و خداوند را فراموش مکن و زمانیکه شما به مشکلات و سختی‌ها گرفتار شوی خداوند نیز با نظر لطف بسوی شما توجه خواهد کرد. جمله چهارم این حدیث «**اذا سألت فاسئل الله**» وقتی چیزی می‌خواهی از خدا بخواه از بندگان و مخلوقات چیزی مطلب که در این جمله تمام شریعت بیان گردیده است جمله پنجم این حدیث «**و اذا استعنت فاستعن بالله**» وقتی کمک می‌خواهی فقط از خداوند بخواه از مخلوقات مدد طلب نکن چون آنها خودشان محتاج هستند فقط از خداوند مدد بخواه و اگر تمام مخلوقات جمع شوند و خواسته باشند به تو ذره‌ای فایده برسانند نمی‌توانند مگر اینکه آن فایده را خداوند در تقدیر شما نوشته باشد و اگر تمام مخلوق جمع شوند که به تو ذره‌ای ضرر برسانند نمی‌توانند مگر اینکه خداوند آن ضرر را برای شما مقدر فرموده باشد.

احترام به فرزندان و نتیجه آن

فرمان و دستور هادی عالم حضرت محمد (ﷺ) است **«اکرموا اولادکم و احسنوا ادبهم»**[۱] دو لفظ که حقیقت امر در آن کاملاً بیان گردیده است **«اکرموا اولادکم»** یعنی به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را مورد اکرام و عزت قرار دهید و با آنها رفتار شایسته‌ای داشته باشید و آنها را نعمتهای ارزشمند و گرانبها خداوند بدانید و با آنها رفتاری داشته باشید مانند رفتاری که با نعمت‌های خداوند دارید، چنانچه احترام و اکرام فرزندان، بر آنها و شما و بر تمام خانواده تاثیرات مثبت و خوبی خواهد داشت و با آنها رفتار تحقیر آمیز نداشته باشید رفتاری نکنید که آنها احساس کنند که پدر ما را رسوا و بی‌آبرو می‌کند و شخصیت ما را خرد می‌نماید و اگر از بچه اشتباهی سرزده باشد و شما او را تنبیه کردید او در درون خود شرمنده می‌شود و سر را پائین می‌اندازد و این کار در وجود او تأثیر بد خواهد گذاشت.

آموزش اخلاق زیبا از جمله وظایف مادر است

اگر گاهی از فرزندتان اشتباهی سرزد و شما هم شروع کردید به تنبیه و کتک کاری، قطعاً از اینکار شما در وجود فرزند نافرمانی و سرکشی پیدا می‌شود اگر شما به سوابق فرزندانی که به نوعی نافرمانی و سرکشی دارند دقت کنید خواهید یافت که در

۱- حدیث ۳۶۷۱ سنن ابن ماجه ص ۱۲۱۱ ج ۲

گذشته سرپرست آنان چه برخوردی با آنها داشته است به همین جهت پیامبر(ﷺ) فرمودند که به فرزندانتان احترام بگذارید و مقام و شخصیت شان را کوچک نشمارید و هر احترام و ارزش که اهلش هستند به آنها بدهید البته نه اینطور که در احترام گذاشتن به آنها افراط کنید و آنها را در جای پدران خود قرار دهید و فرمودند: **«احسنوا ادبهم»** به آنها اخلاق خوب بیاموزید ادب و اخلاق یک چیز است و تمام اصول تربیت و اخلاق در این دو لفظ پیامبر (ﷺ) آمده است. و این دو لفظ را بنویسید و در خانهٔ‌تان در محل دید قرار دهید.

ذهن کودک خالی و خام است

کودک کاملاً با ذهنی خالی و خام بدنیا می‌آید و به هر طرفی که خواسته باشید ذهنش را هدایت دهید خواهد رفت ولی زمانیکه روی ذهن او کار شد و از خامی درآمد آن وقت انحراف آن مشکل است و زمانیکه ذهن او خام است چرخاندن ذهن به آسانی انجام می‌شود از این مطلب معلوم گردید که در این سن باید به تربیت صحیح اخلاقی کودکان پرداخت و باید در فکر تربیت درست آنها بود و بهترین روش این کار همان است که من بار بار عرض کرده‌ام که خودت را اصلاح کن و آنگونه باش که دوست داری فرزندانت باشند چون فرزند از پدر و مادر الگو می‌گیرد به هر گونه‌ای که پدر و مادر باشند فرزند نیز همانطور خواهد بود.

چند عادت زشت

تربیت اخلاق خوب چگونه است من در این راستا، دو، سه مطلب عرض می‌کنم چند چیز هستند که عموماً در زمانه کودکی در وجود بچه پیدا می‌شوند و آنها صفات زشت هستند از تمام آن چیزها باید کودکان را بازدارید بدترین عادتیکه در این سن در کودکان پیدا می‌گردد دروغ است که کودک با شنیدن افسانه‌های دروغین به درغگویی عادت می‌کند و اگر شما با دیده انصاف بنگرید عادت دروغگویی در وجود کودکان در همین سن پیدا می‌شود عادت زشت دوم دزدی است و آن هم نیز از زمان کودکی شروع می‌شود عادت زشت سوم دشنام و حرف بد است که این صفت زشت نیز از زمان کودکی آغاز می‌گردد و عادت چهارم بی‌بند و باری و ولگردی و زندگی با آزادی کامل، اگر به موقع نسبت به اصلاح آنها تدبیری نیندیشید آن عادتها در وجود او رسوخ خواهد کرد و تا دم مرگ دروغ می‌گوید دزدی، دشنام و بدزبانی، ولگردی و بی بند و باری خواهد کرد و این عادت خمیر جان او می‌شود.

ما و جامعه ما

اگر ما جامعه‌مان را بررسی نمائیم تمام این مطالب برای ما واضح خواهند گردید. امروزه دروغ در معاشرت ما «آن معاشرتی که به آن معاشرت اسلامی گفته می‌شود» بگونه‌ای رواج یافته است که گویا دروغ خمیر جان مسلمان شده است حالانکه اگر به

گذشته ۶۰ الی ۷۰ سال بنگرید آن وقتیکه تربیت فرزندان درست انجام می‌شد کافران و هندوها می‌گفتند مسلمان هستی و خجالت نمی‌کشی دروغ می‌گویی و من با گوشهای خودم این گفته را شنیده‌ام، گویا اسلام و دروغ هر دو با هم جمع نمی‌شوند طول این ۷۰-۶۰ سال این انقلاب شوم و بد بوجود آمد که در آن مسلمانان با دروغ، مانند یک لازم و ملزوم گردیدند.

دروغ در جامعه ما رواج دارد

در معاشرت ما چه انقلاب و دگرگونی‌بزرگی بوجود آمده است بروید در بازارها ببینید و بزرگتر از آن در دادگاه‌ها مردم برای اینکه دروغ را راست ثابت کنند چه مبالغی هنگفت و زیادی خرج می‌کنند. حالا شما مقایسه بفرمائید آن صورت قبلی معاشرت اسلامی بهتر بود یا اینصورت حال! این انقلاب عظیم از کجا؟ و چرا؟ به این خاطر که آن وقت به کودکان توصیه می‌شد تا دروغ نگویند و تربیت امروزی این است که پدر و مادر خود دروغ می‌گویند و در نتیجه بچه‌هااز آنها بیشتر دروغ می‌گویند بهترین روش محافظت کودکان از دروغگویی این است که پدر و مادر دروغ را ترک کنند و این یک امر بنیادین است که جلوی کودکان کاری که از آن اظهار دروغ معلوم گردد انجام ندهند.

کودکان را فریب ندهید

در کتاب مشکوة یک حدیثی است که پیامبر (ﷺ) در آن یک راهنمایی بسیار مهمی

ارشاد فرموده‌اند. یک زن انصاری (رضی الله عنها) می‌گوید که باری پیامبر (ﷺ) در خانه ما تشریف فرما بود و من کودکم را صدا زدم و گفتم بیا من به تو چیزی می‌دهم پیامبر (ﷺ) فرمودند چه می‌خواهی بدهی من عرض کردم یک خرما دستم است به او می‌دهم. پیامبر (ﷺ) فرمودند: اگر دست شما چیزی نمی‌بود این حرف شما دروغ به حساب می‌آمد. عموماً وقتی کودکان گریه می‌کنند یا اینکه ناراحت می‌شوند برای ساکت و خوشحال کردن آنها گفته می‌شود بیا به تو چیزی می‌دهم. این حرف را به بچه می‌گوئیم و هیچ چیزی به او نمی‌دهیم پیامبر (ﷺ) فرمودند: این یک دروغ است و یک روایت در مسند احمد از این واضح‌تر است که پیامبر (ﷺ) فرمودند: اگر کسی بچه را صدا زد بیا به تو چیزی می‌دهم ولی به او چیزی نداد فرمودند: **«فهی کذبة»** این یک دروغ است و از همین جاست که دروغ برای کودک عادت می‌گردد و این بداخلاقی بدون اینکه بفهمد در کودک پیدا می‌شود. متأسفانه امروزه در تمام خانواده‌ها این موضوع یافت می‌شود. و این دو اشکال دارد یکی اینکه در این کار گناه نوشته می‌شود و دوم وقتی بچه می‌آید می‌بینند که هیچ چیز نیست بصورت غیرشعوری این دروغ به دل و ذهن او می‌رسد گر چه او در آن زمان ممکن است ساکت شود و عکس العمل نشان ندهد ولی این حرف به دلش می‌نشیند و اثرش بعد از بزرگ شدن ظاهر خواهد گردید گر چه ما نمی‌دانیم.

لعنت خداوند بر دروغگو

بدترین جزاء و سزائی که در قرآن کریم در رابطه با دروغگویی بیان شده این است **«لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الْكَاذِبِيْنَ»** لعنت خداوند بر انسانهای دروغگو است و مطلب لعنت این است که انسان مستحق رحمت پروردگار نیست و بعلت دروغگویی او از رحمتهای پروردگار محروم می‌گردد البته غذا نان و آب می‌رسد و این چیزها به کافران نیز می‌رسد ولی آن رحمت مخصوصی که در قبال راستگویی نصیب انسان می‌گردد در دروغگویی نخواهد بود و این در دنیا است و خدا می‌داند که در آخرت حال او چگونه خواهد بود امروزه در معاشرت ما تمام کارها و فعالیتها با دروغ انجام می‌شود شما از خود، خانواده فامیل و سایر دوستان گرفته تا دیگران آیا در گوشهای زندگی گوشه‌ای پاکیزه که در آن دروغ نباشد بنظرتان می‌آید با دروغ مال بدست می‌آوریم و با دروغ هر کاری انجام می‌دهیم و آن را یک هنر می‌دانیم.

نحوست دروغ

پیامبر (ﷺ) می‌فرمایند وقتیکه انسانی یک سخن دروغ می‌گوید فرشته رحمت بجهت بدبوئی آن دروغ به اندازه یک میل (دوکیلومتر) فرار می‌کند و از این مطلب معلوم گردید که اثر نحوست دروغ تا یک میل می‌رود فکر کنید و بیندیشید که خانه ما از نحوست و بدبختی دروغ چگونه محفوظ می‌ماند.

واقعه شیخ عبدالقادر گیلانی و توصیه مادرش به راستگویی

حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی (ره) می‌فرماید:

من از دوران کودکی به صدق و راستگویی تربیت شدم، یکبار از مکه به بغداد، بـمنظور طلب علم حرکت کردم مادرم به من چهل دینار داد تا خرج راه و سفرم نمایم و از من تعهد گرفت که راستگویی را همیشه پیشه بگیرم. همینکه به سرزمین همدان رسیدم، گروهی از دزدان جلوی ما را گرفتند، کاروان را نگاه داشتند، یکی از دزدان نزد من آمد و گفت: چه چیزی همراه داری؟ گفتم: چهل دینار همراه دارم. او فکر کرد که من دارم شوخی می‌کنم. مرا رها کرد. فرد دیگری آمد پرسید: چه چیزی با خود همراه داری؟ من حقیقت را به او گفتم او مرا نزد بزرگانش برد. سرگروه دزدان از من پرسید: من حقیقت را کاملاً گفتم، او گفت: چه چیزی تو را به راستگویی وادار نموده است؟ گفتم: مادرم از من تعهد گرفته است که همیشه راست بگویم. لذا من می‌ترسم مبادا عهد و پیمان مادر را بشکنم، سـرگروه دزدان با شنیدن این سخت متأثر شد و احساس خوف و خشیت نمود. همان وقت فریاد برآورد، لباسهایش را تکه تکه کرد و گفت عجب! تو می‌ترسی از این که مبادا پیمان مادر را بشکنی، پس من چگونه نترسم از اینکه عهد خداوند را بشکنم؟ آنگاه دستور داد که هر چه از کاروان گرفته‌اند آن را پس دهند، و گفت من دیگر به دست تو توبه می‌کنم، دزدان دیگـر گـفتند: شما کـه در دزدی سـرگروه مـا بـوده‌ایـد، چـه خـوب است کـه امـروز

در توبه کردن نیز سرگروه ما باشید، ما همگی توبه می‌کنیم، بدین ترتیب به برکت صدق و راستگویی، همگی توبه کردند ببینید کرامت راستگویی را که تا چد حد است دزدان سنگدل و قسی القلب را به راه راست و انابت از گذشته کشاند و این همان مطلبی است که در حدیث ابوداود شریف آمده است که پیامبر (ﷺ) فرمودند: «**علیکم بالصدق فان الصدق یهدی الی البر و ان البر یهدی الی الجنة**»(۱) همیشه سخن راست بگوی زیرا راستی انسان را به سوی نیکی هدایت و راهنمایی می‌کند و هرگز بسوی گناه نخواهد برد و نیکی انسان را به بهشت می‌رساند. در زمانه جاهلیت قبل ازاسلام نیز راستگویی جان بسیاری از انسانها را نجات داده است و معلوم گردید که در راستگویی رحمت‌های خصوصی خداوند فرود می‌آیند و آدم راستگو دارای عزت و احترامی خاص است و زندگی‌اش پاکیزه است و اثر راستگویی او به دیگران نیز سرایت خواهد کرد.(۲)

۱- سنن ابی داود کتاب الادب باب التشدید فی الکذب ص ۶۸۱ ج ۲ مطبوعه میرمحمد کتب خانه کراچی

۲- شایان ذکر است این داستان به جهت استفاده بیشتر خوانندگان گرامی از کتاب تربیت و اصلاح فرزندان، اثر اندیشمند معاصر مولانا محمدقاسم قاسمی حفظه اله تکمیل گردید.

(مترجم)

«وما اردت الا خیراً»

دروغ یک لعنت است

بیش از این چه گویم که دروغ بدترین و بزرگترین بلا و مصیبت است که امروزه در قوانین بین المللی نیز جرم بحساب می‌آید و قبل از اسلام نیز جرم بود و در اسلام نیز جرم بحساب می‌آید و اگر دروغگویی کسی ثابت گردد در شریعت سزاداده می‌شود چونکه مرتکب جرم شده است و دروغ بدترین بلا و عادت است که از آدم تا پیامبر (ﷺ) و این امت، در هیچ شریعتی جایز نبوده است و همیشه حرام بوده است و چگونه حرام نباشد؟ چون دروغ صفت شیطان است و راستگویی صفت خداوند است. بهرحال منظور من این بود کسانیکه مسئولیت تربیت فرزندان را بعهده دارند باید در رابطه با دروغگویی کودکان خیلی مواظب باشند یک روز دو روز کافی نیست بلکه پیوسته باید مراقب آنها باشند عموماً در زنان این چیزها یافت می‌شود که برای چیزهای اندک و معمولی دروغ می‌گویند و پر واضح است وقتیکه مادر دروغ بگوید این دروغگویی او در بچه اثر خواهد گذاشت و اگر در آن احتیاط شود کودک نیز محتاط خواهد گردید. با مؤاخذه، پیگیری و نظارت و مراقبت مسلسل می‌توان کودکان را از این صفت زشت حفاظت نمود و برای نجات آنها راه دیگری وجود ندارد.

دزدی چگونه آغاز می‌شود

صفت زشت دوم دزدی است و این صفت نیز در این سن در کودکان شروع می‌شود که آغازش اینگونه است مثلاً نزد کودکی اسباب بازی است و کودک دیگری ندارد پس او مخفیانه آن اسباب بازی را برمی‌دارد و مخفی می‌کند یا چیز خوردنی و آشامیدنی نزد کودکی است و کودک دیگر ندارد او کوشش می‌نماید تا به هر طریقه شده آن را از کودک اول بگیرد و بخورد دزدی در کودکان اینگونه آغاز می‌گردد شاید همه شما فرزند داشته باشید و نسبت به تقاضا و خواستهٔ کودکان اطلاع کافی دارید باید از همان آغاز مراقب او باشید و اگر کودک شما اسباب بازی کودک دیگری را به خانه آورد او را بفهمانید که اینکار زشت است و اسباب بازی را برگردانید اگر بار اول تسامح و چشم پوشی کردید و بدون توجه از کنار این قضیه گذشتید قطعاً برای بار دوم اینکار را تکرار خواهد کرد.

کودکان را در قبال دزدی تنبیه کنید

اگر در این سن مراقب رفتار او بودید کودک شما خوب خواهد شد و اگر نه این عادت زشت بزرگتر می‌گردد و سبب فساد می‌شود چنانچه در آغاز او را تا حد تادیب تنبیه کنید قطعاً مفید خواهد بود گاهی پیش می‌آید که شما مبلغی را به کودک می‌دهید و او بقیه‌اش را برنمی‌گرداند و نزد خودش نگه می‌دارد این نیز یک نوع دزدی است و اگر پدر و مادر با سهل انگاری بگویند که بگذار آن مبلغ مانده ارزش ندارد این شیوه عمل پدر و مادر این

صفت زشت دزدی را در وجود کودک تقویت خواهد کرد.

طریقه تنبیه

یکی از مرشدان من که وفات یافته و خداوند بهشت را جای او گرداند داستانی از خودش برایم بیان کرد که من به فرزند بزرگ خود یکروز مبلغی پول دادم تا که از بازار چیزی بخرد او رفت خرید کرد و بقیه آن پول را به من برنگرداند و من تا یک روز صبر کردم که شاید برگرداند ولی برنگرداند روز بعد او را صدا زدم و گفتم که فلان چیزی که شما از بازار تهیه کردی قیمتش چقدر بود او گفت که اینقدر من گفتم پس بقیه پول کجاست او باکمی فکر گفت در جیبم است من گفتم بدون اجازه چرا این پول را در جیب خودت گذاشتی؟ آیا برای تو درست است؟ جایز بود یا ناجایز؟ گفتم زود از جیب خود دربیاور او درآورد و رفت و من بعد از یک ساعت او را صدا زدم و آن مبلغ را به او دادم و گفتم این مبلغ مال تو باشد بله دوستان! تربیت اینگونه است که پول را هم داد و نصیحت هم کرد.

مسئولیت دزدی کودک بعهده پدر و مادر است

در کتابهای ما یک داستان نوشته‌اند که یک دزد را بجرم سرقت دستگیر کردند و قاضی اجراء حد «قطع دست» را دستور دارد. وقتی که او را برای اجرای حد می‌بردند فریاد زد قبل از اینکه دستم را قطع کنید زبان مادرم را قطع کنید از وی سئوال شد که این چه حرفی است که به زبان می‌آوری او در جواب گفت که من بخاطر مادرم این چنین دزد

بزرگی شده‌ام زیرا وقتی که من کوچک بودم از خانه همسایمان تخم مرغی دزدیده و به نزد مادرم آوردم. او بجای اینکه نصیحت کند تنبیه کند، برگرداندن آن را امر کند خوشحال شد و گفت به‌به! فرزندم آلان برای خودش صاحب درآمد شده است و اگر او این عکس العمل را نشان نمی‌داد این چنین دزد بزرگی نمی‌شدم شما ملاحظه فرمائید اثرش از کجا شروع شد و به کجا رسید؟ من می‌گویم که در دنیا دزد و راهزنی وجود ندارد ولی حالات و فضای جامعه و خانواده او را اینگونه می‌سازند.

اکثر والدین از جانب فرزندان چرا پریشان‌اند؟

اگر بدقت بنگرید در این عصر در جامعه ما نود درصد پدران و مادران از سوی فرزندان ناراحت و پریشان هستند بهمین جهت عرض کنم که بسیاری از پدران و مادران مراجعه می‌کنند و طلب دعا می‌کنند و می‌گویند که ما از دست فرزندان آنقدر ناراحت و پریشانیم که به زبان نمی‌توانیم بیاوریم. این ناراحتی و پریشانی خودبخود نیامده بلکه ما از آنها غفلت کردیم و به تربیت فرزندانمان توجه نکردیم اگر اندک توجهی هم کردیم ولی به تربیت اسلامی آنها نکوشیدیم پرواضح است که نتیجه‌اش همانست که مشاهده می‌شود.

تربیت غیراسلامی و انجام بد آن

شما آقایان خوب می‌دانید ملتهای غیراسلامی که ما رسومات آنها را نمونه زندگی قرار داده‌ایم و در تقلید و پیروی از آنها با یکدیگر رقابت داریم حالشان این است که در بین آنها از تربیت فرزندان خبری نیست فرزند از راه حلال پیدا شود یا حرام آن چیزی که آنها خوب می‌دانند وقتیکه بچه ۳/۵ ساله می‌شود آن را به مهد و مدارس می‌فرستند و او در آنجا به فراگیری مشغول می‌شود و تربیت او چگونه می‌شود؟ و او بعد از فراگیری خودسرانه ازدواج می‌کند و چقدر از زنها را رها کرده و ازدواج کرده است شما خوب می‌دانید وقتیکه پدر و مادر پیر می‌شوند و نیاز به خدمت فرزند پیدا می‌کنند در این وقت از فرزندان امید خدمت به آنها وجود ندارد بلکه آن فرزندان عوض خدمت پدر و مادر آنها را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند و بزرگترین خدمت فرزندان امروزی به پدر و مادر آنست که آنها را تحویل آسایشگاه و خانهٔ سالمندان می‌دهند و می‌گویند این جا زندگی کن و بمیر و سالی یک مرتبه یا دو مرتبه جهت ملاقات او خواهند رفت مانند اینکه دوستانشان را ملاقات می‌کنند و هیچ خبری از پدر و مادر نمی‌گیرند به همین جهت است که پدران و مادران از رنج و ناراحتی فرزندان دچار سکته می‌شوند و می‌میرند و هیچ کسی حال آنها را نمی‌پرسد کسی نیست که به آنها آب دهد و امروزه نود درصد ما از دست فرزندان نافرمان و نااهل خود پریشان و ناراحت هستیم چونکه آن دستورات پیامبر (ﷺ) را در راستای

تربیت فرزندان رها ساختیم خود را به تغافل زده و هیچ توجهی به تربیت آنها نکردیم.

عادت دشنام و بی‌حیائی

اگر شما به محله‌های شهرتان سری بزنید خواهید دید شاید هم دیده باشید بچه‌ها چه دشنام‌های به دور از حیاء و شرم به زبان می‌آورند که تصور آن مشکل است و این دشنامها را فرزندان ما می‌دهند آنجائیکه فرزند ما با دوستان بدزبان و دشنام گو دوستی برقرار می‌کند و در کنارآدمهای شرور شرارت را یاد می‌گیرد و دشنامهائی را یاد می‌گیرد که تصور آن از توان خارج است همچنین حرفهائی که سبب آزار و اذیت و سرزنش دیگران می‌شود مثلاً به کسی تهمت می‌زند غیبت کسی را می‌کند بدی کسی را می‌گوید جلوی کسی حرفی می‌زند که از آن دل او می‌شکند و این عادت در درون آنها پرورش می‌یابد و وقتیکه بزرگ می‌شوند نیز این دشنام دادن و بد زبانی وجودخواهد داشت و این عادت بد تاثیرات و نتایج بسیار بدی بر معاشرت و جامعه ما خواهد گذاشت.

در رابطه با مذمت دشنام مضمون یک حدیث شریف

از این حدیث شریف معلوم می‌شود که دشنام، بدکلامی و بدزبانی، بیهوده گوئی، حرفهائیکه خاطر انسان را آزرده می‌سازد در هر جامعه‌ای که رواج پیدا کند، میان مردم آن جامعه حسد، بغض، نفرت و تحقیر یکدیگر پیدا خواهد شد شاید این مطالب به نظر ما معمولی باشند ولی آیا می‌دانید که نتایج آن به کجا خواهند رسید؟ واقعاً گناهان سبب

پیدایش اینگونه نتایج هستند و هر معاشرتی که از این آلایش پالایش شده باشد در آنجا این مشکلات یافت نخواهد شد و این عادت زشت و دارای نتایج بد از زمانه کودکی پیدا می‌گردد و اگر والدین از همان آغاز با توجه کامل در هر مسئله و هر مرحله مراقب فرزندان باشند هرگز این صفات و عادات زشت در آنها پیدا نخواهد شد و مثالهای زیادی در این راستا شاید حضورتان باشد و بهترین مثال آن، خود من و شمائیم که تربیت ما به خوبی انجام پذیرفته و ما گرچه زیاد ناراحت بشویم باز هم دشنام به زبان مان نخواهد آمد. چونکه در آغاز کودکی پدر و مادر ما را از دشنام و بدزبانی باز داشته‌اند. این موضوعات در کتابهای حدیث موجودند که پیامبر (ﷺ) دشنام و سخن زشت را هیزم و افروزهٔ جهنم قرار داده است. و من چند حدیث را خدمت شما عرض می‌کنم.

دشنام دادن مسلمان بدترین گناه

در کتاب بخاری شریف حدیثی مذکور است که پیامبر (ﷺ) فرمودند «**سباب المسلم فسوق وقتا له کفر**»[1] دشنام دادن مسلمان گناه بزرگی است و جنگ و نزاع با او انسان را تا حد کفر می‌رساند و پیامبر (ﷺ) دشنام و بدگویی را بزرگترین گناه قرار دادند و همین دشنام و بدگویی سبب جنگ و نزاع می‌گردد. مثلاً شخصی به کسی دشنام می‌دهد و طرف مقابل نیز عصبانی شده و برای جنگ آماده می‌شود که شما طول شبانه روز

۱- بخاری شریف ج ۱ ص ۱۲ مطبوعه قدیمی کتب خانه ارام باغ کراچی

اینچنین واقعاتی را در خیابانها و بازارها مشاهده می‌کنید و قطعاً با جنگ و نزاع معاشرت از بین خواهد رفت و این معاشرت امروزی ما معاشرت اسلامی نیست.

دشنام دادن پدر و مادر دیگران دشنام دادن به پدر و مادر خود است

در کتاب بخاری شریف یک حدیث دیگری است که پیامبر (ﷺ) فرمودند **«ان من اکبر الکبائر ان یلعن الرجل والدیه قیل: یا رسول الله (ﷺ) و کیف یلعن الرجل والدیه قال یسب ابا الرجل فیسبّ اباه و یسب امه فیسب امه»** [1] بزرگترین گناه این است که شخصی پدر و مادر خود را نفرین کند صحابه هر کدام با تعجب سئوال کردند: چگونه شخصی پدر و مادر خود را نفرین می‌کند «که این چیز، متأسفانه امروز رواج یافته است» پیامبر (ﷺ) فرمودند: اینگونه که شما به پدر و مادر کسی دشنام دهید و آن هم در جواب پدر و مادر شما را دشنام خواهد داد. گویا در اصل خودتان به پدر و مادر خود دشنام دادید چون سبب شدید تا طرف مقابل به پدر و مادرتان دشنام گوید. چنانچه شما مشاهده می‌فرمائید که اگر شخصی به کسی بگوید پدرت این چنین است او در جواب می‌گوید پدر خودت، و پیامبر (ﷺ) راه دشنام و بدزبانی را بستند که به کسی دشنام نده تا دشنام نشنوی.

۱- بخاری شریف ج ۲ ص ۸۸۳

صفات مومن خوب

در کتاب جامع ترمذی یک حدیث جامع، حاوی نکات بسیار جالب و مفیدی است که پیامبر (ﷺ) فرمودند «**لیس المومن بالطعان و لا اللعان و لا الفاحش و لا البذی**»[۱] مومن هیچ وقت به کسی لعنت نمی‌گوید و در شأن مومن نیست که به کسی لعنت فرستد و مومن طعنه نمی‌زند و مومن سخن دشنام، بدگویی و سخن بی حیائی بر زبان نمی‌آورد و مومن سخن بیهوده نمی‌گوید.

زبان شمشیر دولب است

ظاهراً زبان ما بسیار چیز کوچکی است ولی اگر از آن درست و صحیح کار گرفته نشود خیلی خطرناک است اگر از آن درست کار گرفته شود بزرگترین نعمت است زبان مانند شمشیر دولب است که اگر از آن درست کار گرفته شود در وجود انسان نعمتی بهتر از آن نخواهد بود چونکه به اندازه‌ای که مومن با زبان ثواب کسب می‌نماید از عضو دیگری اینقدر نمی‌تواندکسب نماید. و یکطرف آن اینست و طرف دیگر آن خیلی خطرناک است به اندازه‌ایکه مصیبت‌های دنیا و آخرت با زبان به سراغ انسان می‌آید از هیچ عضو دیگری آنقدر مصیبت به انسان نمی‌رسد.

۱- الجامع الصحیح سنن الترمذی حدیث ص ۱۹۸۲ باب البر

زبانت را حفظ کن

در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است که شخصی به خدمت آن حضرت (ﷺ) حاضر شد و عرض کرد مرا نصیحت کنید پیامبر (ﷺ) زبان خود را گرفته فرمودند **«کف علیک هذا»** این زبان را کنترل و محافظت کن این فرمودهٔ پیامبر (ﷺ) آن صحابی را متعجب گردانید و از پیامبر (ﷺ) سوال کرد که آیا حرفهائیکه از زبان بیرون می‌آید مواخذه دارد؟ آیا از این حرفها در بارگاه خداوند حساب و کتاب بعمل می‌آید؟ پیامبر (ﷺ) در جواب فرمودند واژگون نمی‌کند در جهنم انسانها را مگر محصول زبانهایشان، و زبان این چنین چیزی است و بر والدین لازم است که فرزندان خود را از هر گونه دشنام و بدگویی دور بدارند و سبب فحش و دشنام گویی در کودکان دارای دو عامل است.

کودک همان کاری را انجام می‌دهد که ببیند یا بشنود

عامل اول، گفتگوی پدر و مادر است اگر پدر و مادر در گفتگوهایشان کلمات زشت را بکار برند بچه نیز همانها را یاد می‌گیرد اگر پدر و مادر کلمات خوب و شایسته بکار برند کودک نیز کلمات خوب و شایسته را خواهد آموخت. قبل از همه بر پدر و مادر فرض است که خودشان را کنترل کنند خصوصاً در رفتار و برخوردشان با کودکان باید خیلی مراقب و مواظب زبانشان باشند در گفتگویشان با کودکان کلمات زیبا و شیرین بجای زجر، توبیخ و

کلمات دشنام بکار برند و این مشکل نیست. معمولاً زنان در این راستا خیلی بی‌احتیاط هستند و با اندک اشتباهی از جانب بچه او را با کلمات زشت و مبتذل سرزنش می‌کنند که کودک آنها را می‌آموزد اگر شما اوضاع خانه‌تان را بررسی کنید مطمئناً متوجه می‌شوید و به این نتیجه خواهید رسید که مشکل اصلی در خودمان وجود دارد و هر طرز گفتگویی که پدر و مادر با فرزندشان داشته باشند فرزند نیز همان طرز گفتگو را انتخاب خواهد کرد. چنانچه انسانهای فهمیده و متمدن فرزندانشان را با کلمهٔ جناب صدا می‌زنند و بچه‌هابا این کلمه عادت می‌کنند و آن را برای دیگران بکار می‌برند خلاصه عامل اول این امر اینکه فضا و کانون خانه با کلمات زشت آلوده است و پدر و مادر و اطرافیان کلمات زشت را بکار می‌برند و این در وجود کودک اثر سوء خواهد گذاشت و کودک به آن کلمات زشت و بد خوگر می‌شود.

آزادی کودکان اولین قدم بی بند و باری

عامل دوم بدزبانی و دشنام در وجود کودکان این است که پدر و مادر فرزند خود را با آزادی کامل در کوچه و خیابانها رها می‌کنند و او با دوستان فاسد و دشنام گو مجالست و همراهی می‌نماید و به دشنام و بدگویی عادت خواهد کرد قطعاً وقتیکه کودکی با بچه‌های سرکوچه و بازار بگردد و مرتب کلمات زشت و ناسزا بشنود در آینده این صفت زشت در وجود او رسوخ پیدا خواهد کرد وظیفه پدر و مادر است که کودکان را در این سن اجازه بیرون

رفتن و مجالست با بچه‌های سرکوچه‌هاو خیابانها ندهند ولی متأسفانه روش ما این است که به کودک می‌گوئیم برو بیرون بازی کن «تا اینکه خود مادر خانه آرامش داشته باشیم» و چون آزادیخواهی در وجود کودک است قطعاً بیرون می‌شود و ما هیچ وقت به فکر نیفتادیم که ما آنها را بیرون فرستادیم آنها از بچه‌های سرکوچه و خیابان چه خواهند آموخت و عاقبتشان چه خواهد شد؟ فقط بخاطر آرامش جسمی خودمان آنها را از خانه بیرون کردیم و آنها را به کوچه و خیابانهای پر از گناه، شرارت، دشنام و ناسزاگویی، فسق فرستادیم عاقبت آنها چه خواهد بود؟

مراقبت خصوصی فرزندان نزدیک به سن بلوغ

آخرین مطلبی که در این راستا می‌خواهم عرض کنم این است وقتیکه کودکان به سن بلوغ نزدیک می‌شوند در این هنگام در وجود بچه‌هاآزادی ، بی‌بندوباری، تقاضا، خواسته‌ها و خواهشات غلط و بی‌حیایی خواهد آمد من و شما از این مقطع سنی گذشته‌ایم با انصاف بگوئید آیا اینگونه نیست؟ وقتیکه بچه به این سن می‌رسد و به جوانی نزدیک می‌شود آزادی می‌خواهد و می‌خواهد تا هیچ کس مانع او نشود و اگر دلش خواست به مدرسه، مسجد برای نماز خواندن برود و اگر نخواست نرود همینطور خواهشات جنسی روز به روز در وجود او جوش می‌زند و اگر خدای ناخواسته موقعیت برای او فراهم شود تا بتواند خواهشات جنسی‌اش را تسکین نماید قطعاً به این کار مبادرت خواهد کرد.

در چه سنی نماز به کودکان آموزش داده شود

پیامبر (ﷺ) به ما تعلیم دادند که فرزندان را در چه سنی به نماز وادار سازید چنانچه در حدیث شریف آمده است. «**مرو اولادکم بالصلوة و هم ابناء سبع سنین و اضربوهم علیها و هم ابناء عشرو فرقوا بینهم فی المضاجع**»(۱)

پیامبر (ﷺ) فرمودند: فرزندانتان را به نماز دستور دهید وقتیکه به سن هفت سالگی برسند و آنان را در صورت نخواندن نماز بزنید وقتیکه بسن ده سالگی نماز نخوانند»

رختخواب بچه‌های ده ساله، جدا از رختخواب پدر و مادر باشد

از جمله کارهای احتیاطی که باید در سن ده سالگی روی فرزندان انجام شود جدا کردن رختخواب هر یک از فرزندان است فرمودند: «**و فرقوا بینهم فی المضاجع**» وقتیکه کودکان به سن ده سالگی رسیدند رختخواب آنها را جدا کنید اگر تا بحال در کنار رختخواب مادر می‌خوابیده است ولی در این سن باید رختخواب او جدا شود و اگر قبلاً این بچه با خواهران خودش می‌خوابیده در این سن باید رختخواب او جدا شود تا که مبادا به بی‌بند و باری و بی حیائی مبتلا نشود این همه راهنمائی که اسلام بیان کرده در هیچ دین و آیینی در رابطه با اصلاح و تربیت فرزندان یافت نمی‌شود در مذاهب دیگر هیچ قانون و ضابطهٔ مشخص و خاصی برای تربیت فرزندان وجود ندارد فقط آنها فرزند را متولد کرده و

۱- رقم الحدیث ۴۶۶-۴۹۵ صحیح سنن ابی داود ج ۱ ص ۹۷

مانند حیوانات شیر می‌دهند و آزاد رهایش می‌کنند و بر عکس آن اسلام در هر مقطع سنی برای تربیت او، اصول و ضوابطی بیان فرموده است.

بی بند و باریهای جنسی در بچه‌ها

بی بندوباریهای جنسی و در پی زندگی آزاد بودن عوامل زیادی دارد. اولین سبب آن کانون خانه و اطرافیان هستند اگر ما فضای خانه و اطرافیان را درست کنیم محال است که در وجود کودک خواهشات جنسی و آزادیخواهی از کنترل خارج گردد و تمام بزرگان ما، آباء و اجدادمان که گذشته‌اند آنها نیز بخاطر اصلاح کانون خانه و تربیت درست توانسته‌اند از تمام مشکلات این مقطع سنی رهایی یابند.

کانون خانه را پاک و صاف نگهدارید

چون فضای خانه ما بهر صورتیکه باشد بچه‌های ما نیز همانطور پرورش خواهند یافت کانون خانه را خودمان خراب کرده‌ایم و به خانه‌هایمان چیزهای آورده‌ایم که اگر غریزه‌های جنسی در وجود کودکان بیدار نشده بود قطعاً با این وسایل، غرایز جنسی او نه تنها بیدار بلکه تحریک خواهد شد. ما به خانه‌هایمان آن آله شیطان «ویدئو» راه داده‌ایم که منظره‌های وحشتناک بی حیائی و بی‌شرمی را در جلوی چشم فرزندانمان نشان می‌دهد و غریزه‌های آنها را تحریک می‌کند آن فیلمهای مبتذل و محرک و عکسهای بی‌حیائی و نوارهای مبتذل و کتابهای مخرب که قلب و مغز فرزندانمان را فاسد می‌کند در

خانه ما موجود هستند چگونه می‌توان در چنین فضایی انتظار اصلاح فرزندان را داشت.

یک داستان هولناک دربارهٔ ویدئو

بله سروران! مردم برای دریافت مسائل نزد من می‌آیند تا من به سئوال‌های آنها پاسخ دهم یک شخص که در محله ناظم آباد کراچی زندگی می‌کرد نزد من آمد و سئوال کرد که من مشغول تماشای فیلم، آلۀ شیطان (ویدئو) در کنار مادرم بودم منظره‌های مبتذل و بی‌حیائی که در فیلم دیدم و من هیجان زده بدون اختیار به مادرم حمله کردم. حکم شرعی آن چیست؟ چرا ما این آله شیطانی که خواهشات فرزندانمان را تحریک می‌کند و قلب و مغز آنها را فاسد می‌کند به خانه هایمان آورده‌ایم؟ در بارگاه خداوند چه جوابی داریم؟

آغاز بی‌بند و باری در بچه‌ها

عرض کردم صفت زشت سوم که در این سن در کودکان بروز می‌کند آزادی و بی بندباری است. انتخاب راههای غلط، فکر آزاد، زندگی آزادانه، به گونه‌ای که پای بند بودن به هیچ چیز را قبول نمی‌کند خصوصاً امروزه که عصر آزادیخواهی است و هر کسی ادعا می‌کند که ما آزاد هستیم و هر ملتی شعار آزادی سر می‌دهد.

آزادی چیست؟

امروزه مفهوم آزادی، آزاد شدن از خدا و پیامبر (ﷺ) است آزادی از قران، سنت، پدر و مادر تا مطابق خواهشات نفسانی زندگی کنند این است مفهوم آزادی امروزی و شما می‌دانید این مفهوم آزادی بر خلاف قرآن و سنت است بهر حال خواهش و تقاضای آزادی در وجود بچه‌هااست چونکه خداوند انسان را آزاد خلق کرده است و قطعاً بچه می‌خواهد بیرون شود و در خارج منزل با هر کسیکه دوست دارد ارتباط برقرار کند اگر در این حالت پدر و مادر خواهشات او را کنترل کردند و پیوسته مراقب او بودند قطعاً فرزند خوب بار خواهد آمد و اگر او را آزاد گذاشتند عاقبت این چنین فرزندی بسیار خطرناک خواهد بود.

سبب آزادی

قسمتی از این فکر آزادی، بی بند و باری و گمراهی از همان آغاز در وجود بچه پیدا می‌شود به سبب فضای خانه و اطرافیان و این فکر آزادی که ما امروز اختیار کردیم و دشمن برای به دام انداختن ما موفق گردیده و فریاد می‌زند آزادی و ما هم کورکورانه آن را زیبا و خوب دانسته اختیار نموده‌ایم که نتیجه قبول فرهنگ غرب همان چیزهائیست که امروزه در خانه و جامعه ما به کثرت یافت می‌شود مثلاً نوارهای مبتذل، موسیقی، فیلمهای مبتذل و بی حیائی، اختلاط و مخلوط بودن آزاد مرد و زن، بی‌حجابی، عریانی و فساد اخلاقی به گونه‌ای که پسران سعی دارند تا خود را شبیه به دختران و دختران سعی دارند خود را شبیه به مردان کنند. این حرف اضافه گویی نیست چیزی است که امروزه در

معاشرت ما یافت می‌شود. در صورتیکه پیامبر (ﷺ) می‌فرماید: «**لعن المخنثین من الرجال و المتر جلات من النساء**»[۱] لعنت خداوند برآن مردانی است که خود را شبیه به زنان کنند و بر زنانی که خود را شبیه به مردان کنند این حدیث ابوداود است من از خودم نمی‌گویم و این فرموده محمد مصطفی (ﷺ) است وقتیکه خداوند و پیامبرش در مورد این کارهایمان بر ما لعنت بفرستند ما از کجا موفق می‌شویم.

نحوست موسیقی و ترانه

پیامبر (ﷺ) فرمودند «**ان الله بعثنی رحمة للعالمین**» خداوند مرا نبی رحمت فرستاده است «**هدی للعلمین**» و مرا برای هدایت جهانیان فرستاده است آنچه از حدیث معلوم می‌شود این است که هدف اول از بعثت پیامبر (ﷺ) رحمت است و هدف دوم اینکه پیامبر (ﷺ) انسانها را بسوی اسلام، خدا و بهشت راهنمایی کند که پیامبر (ﷺ) هر دو هدف را به پایه تکمیل رساند و این خیر و فیض پیامبر (ﷺ) تا قیامت جاری است و هدف سوم را اینگونه بیان فرمودند «**و امرنی ربی عزوجل بمحق المعازف و المزا میرولا والاوثان و الصلیب و امر الجاهلیة**»[۲]

به من پروردگار بزرگ و برتر دستور فرموده است که من موسیقی «ساز و تار» را از بین ببرم

۱- صحیح سنن ابی داود ج ۳ ص ۹۳۱

۲- مشکوة شریف ص ۳۱۸ ج ۲ مطبوعه قدیمی کتب خانه

و پیامبر (ﷺ) فرمودند که خداوند به من دستور دادند تا بت پرستی و عادات جاهلیت و کفر را از بین ببرم و جلوتر می‌فرمایند **«و حلف ربی عزوجل بعزتی لا یشرب عبد من عبید جرعة من خمر الا سقیته من الصدید مثلها او لا یترکها من مخافتی الا سقیته من حیاض الجنة»**[۱] و پروردگار من قسم یاد کرده است اگر از میان بندگان من کسی یک جرعه شراب نوشد من همانقدر از زرد آب جهنم را در شکم او داخل خواهم کرد و اگر بجهت خوف و ترس من شراب نوشیدن را ترک کند من او را در آخرت از حوضهای شراب پاک بهشت خواهم نوشاند. جای بسی شگرف و تعجب است که خداوند به بندگان خود دستور می‌دهد تا شراب نوشی را رها کنند ولی انسانها کارخانه‌هاو شرکت‌های جدید ساخت و توزیع شراب راه اندازی می‌کنند گویا با این کار خودشان اعلام جنگ و محاربه با خدا می‌کنند.

۱- مشکوة شریف ص ۳۱۹ ج ۲

روش پرهیز از موسیقی و ترانه

در کتاب مشکوة حدیثی است که پیامبر (ﷺ) با حضرت عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) به راهی می‌رفتند ناگهان صدای و آواز نی به گوش پیامبر (ﷺ) رسید و این چیزها را خداوند در عصر پیامبر (ﷺ) که بهترین عصر بود، به این خاطر ظاهر می‌نمود تا حکم این مسائل برای مردم معلوم گردد، پیامبر (ﷺ) بلافاصله انگشتهایش را در گوش فرو کرد و به مسیر خودش ادامه داد و بعد از اینکه تا حدی فاصله گرفتند از همراهان سئوال کردند آیا صدای نی بگوش شما می‌رسد آنها جواب دادند خیر. آنگاه پیامبر (ﷺ) انگشتانش را از گوش‌ها در آورد.

و یک حدیث دیگر در همین راستا غالباً در کتاب مسند احمد آمده است پیامبر(ﷺ) فرمودند: گوش دادن موسیقی نفاق را در قلب می‌رویاند همچنانکه آب کشت را می‌رویاند که آثار آن را امروز من و شما بکثرت مشاهده می‌کنیم بر زبان یک چیز و در دل چیزی دیگر و ایمان با عمل تفاوت دارد و نفاق زشت ترین و مبغوض ترین صفت نزد خداوند است.

عاقبت گوش دادن موسیقی و ترانه

یک حدیث غالباً در کتاب ابن عساکر آمده است که پیامبر (ﷺ) فرمودند هر کسیکه به صدا و آواز ترانهٔ زن خواننده‌ای گوش دهد گرچه ممکن است به فضل و کرم خداوند بـه بهشت برود ولی در آنجا از شنیدن صدای زیبای فرشتگان محروم خواهد بود. بهرحال اینها چیزهائی هستند که در خانه و جامعه ما وجود دارنـد و فـرزندان مـا بـا آن تـربیت می‌شوند. اگر خدای ناخواسته فرزندان نافرمان و سرکش باشند در چنین حالتی بر پدر است که به بارگاه خداوند دعا کند و در قرآن کریم است **«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِـنْ أَزْوَاجِـنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً»**[1] برای فرزندان و اصلاح آنها این دعـا را بخوانید و همیشه در دل با سوز و غمخواری دعا کنید و بعد آن فرزندان نافرمان و سرکش را با سهولت و نرمی بفهمانید شاید در اولین مرتبه اثرش کمتر باشد ولی اگر شما این عمل را بار بار تکرار کنید اثر خواهد گذاشت و این نسخه که من از قرآن کریم بیان کردم آن را برای بسیاری از پدر و مادرهای پریشان و ناراحت از رفتار فرزندان توصیه نموده‌ام و سبب رفع مشکلات آنها گردیده است و بدانید دل انسان در قبضه خداوند است و خداوند بهر صورت که بخواهد در آن تصرف خواهد نمود.

۱- فرقان ۷۴

چند عادت زشت در کودکان و جلوگیری از آن

عادتهای دیگری نیز در وجود کودک می‌آید در آن وقت اگر مراقب کودکان نباشید یا اینکه فضای خانه اینگونه است که افراد خانواده معتاد به سیگار هستند یا اینکه بچه در همراهی با دوستان به اعتیاد گرفتار می‌شود و سیگار کشیدن سبب استعمال بقیه دخانیات و چیزهای نشه آور می‌گردد چنانچه مشاهده می‌فرمائید تمام معتادان به تریاک، حشیش، هیروئین از سیگار آغاز کرده‌اند «به قول مشهور از ذره سیگار به ذره هیروئین» جلوگیری از آن ضروری و لازمی است بهرحال بچه‌هائیکه سیگار می‌کشند سعی کنید آنها را از این عادت زشت بازدارید و نگذارید با بچه‌های ولگرد سیگاری داخل کوچه و خیابانها دوست شوند چون قطعاً عادات زشت آنها در بچهٔ شما سرایت خواهد کرد و بقول مشهور پیشگیری از علاج آسانتر است.

کودک در چه سنی باید شروع به تعلیم کند

در کشور ما (پاکستان) وقتی که سن کودک به چهارسال و چهارماه و چهار روز و چهار ساعت برسد کار تعلیم و آموزش او آغاز می‌شود در بسیاری از خانواده‌ها این رسم مروج است و این رسم از لحاظ شرعی اعتبار و اصلی ندارد بلکه از نظر شرعی هر زمانیکه در وجود کودک صلاحیت تحصیل یافت شود باید کار آموزش او شروع شود یعنی وقتیکه کودک به صحبت کردن آغاز کرد به او کلمه طیبه، نام خداوند، پیامبر (ﷺ) بیاموزید و

وقتیکه در او صلاحیت خواندن پیدا گردید سعی کنید به او قرآن بیاموزید ولی شروع کار آموزش باید با نام (الله) باشد و اگر کار شروع آموزش بوسیله یکی از بندگان نیک خداوند انجام گیرد و او برای فرزند شما دعا خیر کند بعید نیست که آینده‌اش درست شود.

بندگان نیک خداوند کم نیستند

بندگان نیک خداوند همه جا یافت می‌شوند ولی متأسفانه ما معیار نیکی و ولی بودن را این قرار داده‌ایم که ولی نزد ما کسی است که هیچ گونه ارتباطی با دنیا نداشته باشد و او یک گوشه‌ای از خانقاه بنشیند الله الله بگوید و دست به هیچ کار دنیوی نزند این چنین شخصی نزد ما بنده نیک و ولی خدا است حال آنکه انتخاب این روشها در اسلام پسندیده نیست. بلکه به هر اندازه که در دل هر شخصی ایمان باشد به همان درجه او ولی و بنده نیک خداوند است و بسیاری از انسانها احساس می‌کنند که ما نمی‌توانیم ولی و بنده نیک خدا شویم این یک فریب شیطان است که با این فریب جلوی انسانها را از عمل کردن به احکام خداوند می‌گیرد و آنها را از انجام کار نیک بازمی‌دارد.

یک فریب شیطانی

یا اینکه ما می‌گوئیم عمل کردن به دین کار مولوی‌هاست و کار ما نیست چون ما آلوده به دنیا و در گناهان غرقیم و عمل کردن به دین کار ملاهاست آیا آنهائیکه به کار دنیا مشغول هستند نباید روز قیامت حساب و کتاب دهند؟ و نمی‌توانیم در بارگاه خداوند بگوئیم که ما

برای اینکار مولویها را اختصاص داده بودیم تا آنها به دین عمل کنند قطعاً این جواب پذیرفته نخواهد شد زیرا عمل کردن به دین و احکام اسلام وظیفه هر مسلمان است.

معیاری دیگر

یا اینکه معیار نیکی نزد ما این است هر کسیکه تعویذ دهد و حاجت انسان برآورده گردد یا اینکه حرفی بگوید و نتیجه‌اش نیز همانگونه ظاهر شود یا اینکه دعا کرد و دعای او قبول شد نزد ما این شخص بنده نیک و صالح خداوند است من می‌گویم تنها اینها بندگان نیک و صالح خداوند نیستند باید بدانید که نیکی و بنده صالح بودن منحصر در این چیزها نیست و دروازه نیکی یک باب وسیعی است که هر وقت و هر لحظه باز است هر وقت خواستید می‌توانید داخل شوید. هر وقت دلتان بخواهد می‌توانید بنده نیک و صالح خدا شوید.

تعریف و شناخت ولی

قرآن در بیان و معرفی ولی می‌فرماید: **«اَللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا»** خداوند دوست آن کسانی است که با عقیده درست ایمان آورده‌اند و خداوند در مورد اینان در جای دیگر می‌فرماید: **«اَلَا اِنَّ اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ»** بر دوستان خداوند در آخرت هیچگونه ترس، بیم و غمی طاری نمی گردد و پس از آن می‌فرماید **«اَلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ کَانُوْا یَتَّقُوْنَ»** و دارای دو صفت ایمان و تقوی هستند و همه ما و خانواده هایمان

الحمدلله ایمان داریم و یک صفت ولی بودن در همه ما است بدون شک ما در مقابل کافران ولی هستیم و صفت دوم یعنی زندگی باتقوایی و پرهیزگاری در این صفت هر کسی صاحب اختیار است اختیار دارد که زندگی باتقوائی را اختیار نماید یا نه. مناسب است معنای تقوی را هم خدمت شما عرض کنم تقوی یعنی پرهیز از گناهان کبیره و هر کسی که این دو صفت ایمان و پرهیز از گناهان کبیره در او باشد بدون شک او ولی و دوست خداوند است.

پس برای ولی بودن نیاز به مجاهده ریاضت، کرامت، قبول شدن دعاء، موثر واقع شدن تعویذ، نیست این چیزها با ولی بودن ارتباطی ندارند و نشانه ولی بودن نیستند.

اصول آموزش علمی

حالا آموزش باید چگونه و چه چیزهائی باشد در رابطه بااین مطلب باید اینقدر راذهن نشین کنید که اسلام تحصیل هیچ عملی را ممنوع قرار نداده است فرقی ندارد آن علوم دینی یا عصری و مادی باشند و اگر شما بخواهید تمام آن علوم را حاصل کنید از دیدگاه شریعت ممانعتی وجود ندارد البته اسلام برای تحصیل آن علوم یک شرط تعیین کرده است و فرموده است اگر می‌خواهی علوم مادی و عصری را تحصیل کنی، بکن، اشکالی ندارد ولی آن خرافاتیکه از سوی کافران در آن آمده، حذف کن و به آن علوم چهره اسلامی بده چون این علوم در اصل مال مسلمانان بودند ولی متأسفانه ما تصور می‌کنیم اینها مال

کافران هستند. شما آن اغراض شوم و خرافات و چیزهای خلاف اخلاق که کافران در آنها داخل کرده‌اند اصلاح کن و آن علوم را فراگیر. من در این رابطه یک کمی بیشتر عرض کنم تا این مطلب برای شما دهن نشین گردد اسلام تحصیل علوم مادی و عصری را ممنوع قرار نداده است و این علوم که امروزه به آنها علوم عصری و مادی گفته می‌شود این علوم را در اصل مسلمانها ایجاد و استخراج کرده‌اند اروپائیان دزد هستند و این استخراج مسلمانها رابه یغما برده‌اند و اگر شما تاریخ را مطالعه کنید قطعاً به این نتیجه خواهید رسید که آنها نام کتابها و نام مصنف آنها را حذف می‌کنند.

خلاقیت و مهارت شیخ ابوعلی سینا

یک نمونه به ذهنم رسید در میان پزشکان مسلمان از همه مشهور، حاذق و ماهرتر شیخ ابوعلی سینا خلاقیت، مهارت و تشخیص او به حدی بود که با شنیدن صدای بیمار، مریضی‌اش را تشخیص می‌داد آیا در جهان پیشرفته امروز پزشکی وجود دارد که با شنیدن صدای مریض بیماری او را تشخیص دهد؟ این داستان در تاریخ آمده است که یکی از پزشکان حاذق و متبحر آن زمان برای ملاقات ابوعلی سینا آمد وقتی مقابل درب ابوعلی سینا رسید او را صدا زد ابوعلی سینا در همانجا و از پشت درب جواب داد که برو فلان دارو را تهیه و مصرف کن خوب می‌شوی. آن شخص گفت من برای ملاقات آمده‌ام ابوعلی سینا گفت ملاقات را بگذار شما بیمار هستی این دارو را تهیه و

مصرف کن. عنایت فرمودید شیخ ابوعلی سینا چقدر در علم طب مهارت داشت بزرگترین و بنیادین کتاب طب و علوم پزشکی با نام قانون، از اوست که در طب امروزی نیز از آن استفاده می‌شود و در غرب این کتاب را تغییراتی داده‌اند و نام نویسنده را نیز حذف کرده‌اند چونکه آنها دزد هستند و ما آنها را تعریف می‌کنیم و همچنین عمل جراحی که امروزه اروپائیان و دیگران خود را ماهرین و حاذقین آن می‌دانند من عرض می‌کنم جراحی متبحر، حاذق و ماهرتر از ابوبکر رازی تا بحال بدنیا نیامده است.

آموزش یک امر لازمی

در این رابطه دو مطلب را بطور اصولی به ذهن بسپارید. (۱) یکی اینکه اسلام آموزش و تعلیم را لازم و ضروری قرار داده است. (۲) و مطلب دوم اینکه آیا مراد از علم، علم قرآن و حدیث است یا اینکه منظور از علم همان علمی است که امروزه ما به آن علم می‌گوئیم بعضی وقتها تحصیل همین علم نیز لازمی و ضروری است و اسلام به تحصیل این علم نیز تشویق و ترغیب نموده است و اینکه آیا این حقیقتاً علم است یا فن، این بحث جداگانه‌ای است.

علوم دنیوی تابع قرآن و سنت هستند

بهرحال اسلام تحصیل علوم عصری و مادی را نیز تشویق و ترغیب نموده است جهل و نادانی را برای مسلمان نسبت به دنیا یا آخرت پسند نمی کند البته اینقدر لازم و ضروری است که تحصیل تمام آن علوم را جایز قرار داده بلکه ترغیب نموده است به یک شرط و آن اینکه این علوم را تابع قرآن و سنت قرار دهید و بعد به هر اندازه که دوست دارید حاصل کنید و یک مطلب تاریخی قابل ذکر این است که تا دویست سال قبل یعنی تا سال ۱۲۰۰ ه‍ ق در دنیا هر چه علم وجود داشت تمام آنها را مسلمانان استخراج یا حاصل کرده بودند که ضرورت استفاده از آن پیش نیامد و هیچ ملتی توان رقابت با مسلمانان در زمینه علوم را نداشت و بعد از آن تاریخ اهل مغرب زمین آن را حاصل کردند و تمام اصطلاحات ما را عوض کرده و آن علوم را به خودشان نسبت دادند.

تحصیل علم هیچ گونه اجرتی ندارد

در رابطه با فراگیری علم مطلب اول این است که اسلام بر هر مومن فراگیری علم را لازمی قرار داده است و این حدیث که زبانزد خاص و عام است در رابطه با فراگیری علم است «**طلب العلم فریضة علی کل مسلم**»[1] یعنی فراگیری علم بر هر مرد، زن در هر زمانی، گذشته، حال، آینده فرض است و هر چیزی که فرض است برای انجام آن نیازی به

---

۱ - مشکوة المصابیح کتاب العلم ص ۳۴۱ ج ۱ قدیمی کتب خانه کراچی

پرداخت اجرت نیست و اجرت ندارد تمام پیامبرانی که آمده‌اند خداوند تبلیغ دین را بر آنها فرض قرار داده است و آنها همواره اعلام می‌داشته‌اند که برای تعلیم و ابلاغ احکام خداوند از شما اجرت و مزدی نمی‌طلبیم و قرآن خود گواه این مطلب است و در مورد شعراء داستان بسیاری از این پیامبران آمده است و در زمان پیامبر (ﷺ) نیز کسانی مانند ابی بن کعب (رضی الله عنه) برای تعلیم قرآن و احکام مقرر گردیده بودند تا اینکه قرآن و احکام را به مردم بیاموزند و در برابر این کار هیچ اجرت و مزدی دریافت نمی‌کردند.

فراگیری احکام شرعیه ضروریه لازمی است

تمام احکامی که خداوند بر مسلمان فرض گردانیده است فراگیری آنها بر مسلمانان لازم است و اگر کسی در این کار کوتاهی کند گنهکار می‌شود. بگونه‌ای که هر لحظه و دقیقه و ثانیه گناه ترک این فریضه بر ذمه او خواهد بود و باید به کودکان آن چیزها را بیاموزید و هر چیزی که فرض نیست علم داشتن به آن نیز فرض نیست. و اگر علم به آن چیزها را حاصل کند همانقدر نیز به او ثواب می‌رسد.

برای تاجر فراگیری علم تجارت لازم است

باید بدانید که بر تاجر فراگیری علم تجارت فرض و لازمی است و باید شخص تاجر علم داشته باشد که کدام نوع تجارت جایز و کدامیک ناجایز است بر او لازم است که علم تجارت را کسب نماید و اگر علم نداشته باشد قطعاً در حرام خواهد افتاد و مرتکب کارهای

ناجایز خواهد شد و اسلام برای کسانیکه علم به تمام شعبه‌های زندگی را بدست می‌آورند اجر و مزدی عظیم و بس بزرگ تعیین کرده است.

فضیلت تحصیل علوم دینی

در کتاب ابوداود یک حدیث آمده است که پیامبر (ﷺ) فرمودند: **«من سلک طریقاً یطلب فیه علماً سلک الله به طریقاً من طرق الجنة و ان الملئکة تضع اجنحتها رضا لطالب العلم و ان العالم لیستغفر له من فی السموات و الارض و الحیتان فی جوف الماء»**[1]

هر کسی راهی رود برای اینکه تا علم حاصل کند خداوند بجهت تحصیل علم برای او راههای بسوی بهشت باز می‌کند و برای دانشجو فرشتگان رحمت الهی بالهایشان را پهن می‌کنند و آنچه در آسمانها و زمین است حتی ماهیها در دریا برای او از بارگاه خداوند طلب آمرزش می‌کنند و این فضیلت بس بزرگ را خداوند برای تعلیم علم مقرر فرموده است.

دستور دعا به زیادتی علم

خداوند به پیامبر (ﷺ) دستور می‌دهد که **«قُلْ رَبِّ زِدْنِیْ عِلْماً»**ای پیامبر (ﷺ) بگو و دعا کن که علم مرا افزون کن قرآن کریم برای زیادتی هیچ چیزی دستور و تعلیم

۱- ابوداود شریف ص ۵۱۳ ج ۲

دعا نداده است برای زیادتی مال، عمر، سلامتی، دولت توصیه دعـا نـفرموده است ولی برای زیادتی علم دستور دعا داده است.

استفاده از مادیات به قدر ضرورت جایز است

چنین برمی‌آید که استفاده از مادیات و ترقی کردن در آنها از دیدگاه اسلام ممنوع نیست البته اگر نیاز و ضرورتی پیش آید لازم است که انسان آن ضرورت و نیاز خـود را کسب نماید. و فراگیری علوم متعلق به مادیات همچنانکه قبلاً گذشت جایز است با رعـایت نمودن دو شرط اول اینکه آن علوم تابع احکام و دستورات اسلام گردند (۲) دوم اینکه آن علوم در راههای درست و هدفهای صحیح بکار روند و آن کسانیکه که علوم مادیات را حاصل می‌کنند نه تنها تحصیل آن علوم ناجایز نیست بلکه اگر با نیّت خدمت به جامعه باشد در قبال اینکار به آنها ثواب زیادی خواهد رسید.

اجر و مزد پزشکان مخلص

پزشکان محترم که خداوند بهترین موقعیت خدمت به جامعه و انسانها را به آنـها عـطا فرموده است اگر آنها با نیت خوب و با هدف بدست آوردن رضایت پروردگار خدمت کنند و هدفشان بدست آوردن مال و دولت دنیا نباشد هر لحظه زندگی آنها عبادت به حسـاب خواهد آمد و از بسیاری اولیاء و عبادت گذاران ثواب بیشتری کسب خواهند کرد.

علم آراسته کننده اخلاق

اگر می‌خواهید فرزندانی با اخلاق و با فرهنگ داشته باشید قطعاً باید به آنها علم بیاموزید ولی کدام علم اخلاق خوب و تـمدن را در وجـود انسـان پـیدا مـی‌کند و او را اجـتماعی می‌گرداند ما بعنوان مسلمان و مومن می‌دانیم آن علمی که اخلاق را می‌سازد و فرهنگ انسان را ترقی می‌دهد علم قرآن است آن علمی است که خوف و خشیت الهی را در دل بوجود آورد و فکر آخرت را در دل پیدا کند. اگر می‌خواهید فرزندانی دارای اخلاق و فرهنگ خوب داشته باشید اول به آنها علم دین بیاموزید بعد اگر علوم مادیات آموختید اشکال ندارد چون اگر آنها با علم دین ساخته و مزین گردید هیچ گاه منحرف نخواهند شـد و کامیاب خواهند بود و شما نیز هیچ احساس ناراحتی و پریشانی نخواهید کرد.

اختراعات جدید وسیله‌ای برای تباهی انسانیت

شما می‌دانید که تمام اختراعات جدید از قبیل بـمب‌های اتـم، وسـایل و ابـزار جـنگی پیشرفته که امروزه بازار رقابت آن گرم و داغ است با چه هدفی انجام می‌شوند؟ قطعاً هدف کشورهای سازنده ابزار، تسلط و غلبه کردن بر یکدیگر و اینکه یک کشور دیگران را تابع خود کند، ساخته می‌شوند. بمبهای اختراع کردند و می‌کنند که بـا انـداخـتن یک بـمب هزاران از انسانها را قتل، قطع عضو، فلج و غیره کنند اسـلام هـیچوقت ایـن چـیزها را اجازت نخواهد داد ۵۰ سال قبل آنچه در ژاپن اتفاق افتاد شما می‌دانید که چه شد؟ که تا

امروز آسیب دیدگان آن بمب‌های شیمیایی وجود دارد آیا اسلام اینکار را اجازه می‌دهد؟ فکر کنید آیا اسلام از بین بردن انسانها را جایز قرار می‌دهد؟ اسلام دین صلح، آرامش، اخوت، است همچنین ویدئو را اختراع کردند که بوسیله آن انجام تمام احکام ممنوع در قرآن مانند رقص، سرود، بی‌حیائی، فحاشی و عریانی در جامعه‌شان پخش می‌شود و آن مناظر شرمناک فیلمهای مبتذل که اخلاق مردها، زنها، خانواده‌هاو بویژه جوانان را منحرف می‌سازد و آنها را از اسلام و قرآن دور می‌سازد، کجا اسلام اجازه اینها را می‌دهد؟ بهر حال لازم است در باب فراگیری علم از سوی والدین احتیاط شود و آنها باید اول اصول اسلامی را در ذهن کودکان جایگزین نمایند و بعد اجازه دهند تا علوم مادیات را تحصیل کنند قبل از همه تخم ایمان و اسلام را در وجود آنها بکارند که مبادا فرزندان و جگرگوشه‌هایشان منحرف و آنها را از دست دهند.

عزت بدست خداوند است

متأسفانه بعضی از والدین بدون اینکه به دین کودکانشان توجهی کنند فقط هدفشان این است که فرزند ما به دانشگاه برود و مقام و پست بزرگی کسب نماید چونکه او اگر دارای پست و مقام باشد مورد عزت و اکرام قرار خواهد گرفت باید دانست که عزت تنها از این راه بدست نخواهد آمد عزت بدست خداوند است و قرآن کریم می‌فرماید: «**أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ**

الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ للهِ جَمِيْعاً»[۱] آیا این مردم عزت را بنزد کافران جستجو مـی‌کنند؟ گوش و چشم هایتان را خوب باز کنید عزت فقط بدست خداوند است. **«تُعِزُّمَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ»**[۲] به هر کسیکه بخواهد عزت می‌دهد و هر کسیکه را که بخواهد ذلیل می‌کند. همه چیز بدست اوست و در اختیار مخلوق و دانشگاه، هیچ نیست. عزت با پست و مقام نیست و تمام عزت‌ها واقعی بدست پروردگار **«رب العزة»** است و در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است اگر خداوند بخواهد کسی را ذلیل و رسوا کند اگر او در درون خانه خود مخفی و بیرون نشود باز هم خداوند او را ذلیل و رسوا خواهد کرد.

روزی بدست خداوند است

همچنین روزی بدست هیچ مخلوق، شغل، مقام و ریاستی نیست تـمام ایـنها بـدست خداوند است و رزق و روزی مخلوقات از دربار خداوند می‌رسد. واوست که تمام مخلوقات را روزی می‌دهد.

۱- سوره نساء (۱۳۹)

۲- آل عمران (۲۶)

اساتید بچه‌هاباید دیندار و متدین باشند

بچه هایتان را به اساتید دیندار و متدین، آن کسانیکه با خدا، اسلام، قرآن، پیامبر(ﷺ) و اصحاب پیامبر، محبت دارند بسپارید و آنها را به اساتید بی‌دین، دین، ملحد، آن کسانیکه با خدا، اسلام، قرآن، پیامبر (ﷺ) محبت ندارند نسپارید چونکه استاد یکمرتبه و مقامی دارد مقام او با مرتبه و مقام پدر برابر و گاهاً بالاتر و بیشتر است. و کودک در اولین ملاقات با استاد تحت تاثیر او قرار می‌گیرد و آن اثر این است که کودک فکر می‌کند این استاد و پدر دیگر من است و من برای تربیت به پیش او فرستاده شده‌ام هر چه او انجام می‌دهد من نیز انجام دهم آنچه را او به من می‌آموزد باید یاد بگیرم. چنانچه احترامی که کودک به معلم می‌گذارد به پدر نمی‌گذارد قطعاً اخلاق، رفتار و افکار معلم بر شاگرد اثر می‌گذارد.

حال امت در آخر الزمان

در یک حدیثی پیامبر (ﷺ) خطاب به صحابه کرام فرمودند: **«کیف بکم اذا فسق فتیانکم و طغی نسائکم»** [۱] این امت در آنوقت چه وضعیت و حالی خواهد داشت یعنی به چه درجهٔ پستی و تنزل و انحراف خواهد رسید وقتیکه این دو چیز در آنها یافت شود اول اینکه **«فسق فتیانکم»** زندگی جوانان و نوجوانان با گناه آلوده گردد و آنها به فسق و فجور مبتلا گردند و از آخرت غافل شوند و در دنیا در پی تکمیل خواهشات نفسانی

۱-بخاری شریف ج ۲ ص ۱۰۵۷

باشند یک مطلب این است که اخلاق نوجوانان فاسد گردد و در آنها انقلاب پیدا شود و آنها از خدا، پیامبر (ﷺ) قرآن و اسلام دور شوند و از آخرت غافل و در نهایت تباه و برباد گردند و دوم اینکه فرمودند **«طغی نسائکم»** و زنان طغیان، سرکشی، آزادی و بی‌بندباری را اختیار نمایند. فرمودند وقتیکه این دو چیز در امت پیدا گردد آن وقت امت اسلامی سقوط اخلاقی خواهد کرد و برای اصلاح آن ضروری است که این دو قشر درست و صحیح تربیت شوند.

هر شخص مسئول خانواده و خاندان خود است

فرمودهٔ پیامبر (ﷺ) است **«الا کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته»** هر یک از شما مراقب و نگهبان هستید و مراقبت بر هر یکی از شما لازم است اگر فرد مجرد است باید مراقب خودش باشد و اگر متأهل است او مراقب و نگهبان زن است و اگر خداوند به او فرزند داده است مراقب و نگهبان فرزندان است و اگر منصب، مقام و پست دارد باز هم باید مراقب باشد و اگر صاحب حکومت و دولت است مراقب و نگهبان تمام ملت است و معنای کلمه **«راعی»** یعنی مراقب و مواظبت کننده که آنها را از چیزهای مضر و غیره محافظت و مواظبت کند **«و مسئول عن رعیته»** و در مورد کسانیکه مسئولیت مواظبت و مراقبت آنها بر ذمه او گذاشته شده است دربارگاه خداوند سوال خواهد شد آری دوستان باید مسئولیت‌تان را بخوبی انجام دهید. بدون شک زن و فرزند نعمت‌های گرانقدر الهی

هستند.

زن صالحه و نیک بهترین نعمت خداوند

در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است «**الدنیا کلها متاع و خیر متاع الدنیا المرأة الصالحة**»[۱] تمام چیزهای دنیا سرمایه هستند و بهترین سرمایهٔ مؤمن در دنیا زن صالحه و نیک است. این نعمت چرا بزرگ؟ به همین جهت قرآن می‌فرماید: «**لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً**»[۲] تا که شما در کنار همسر آرامش روحی، جسمی و فکری را بدست آورید و تمام روز در کارها مشغول و در پایان کارخسته می‌شوید و این خستگی در کنار همسر رفع خواهد شد و در واقع همسر نعمت بزرگ خداوند است و بعد از زن نعمت بزرگ دیگر خداوند فرزندان هستند و روز قیامت از شما سوال خواهد شد که آنها را چگونه نگهداشتی و خواهند گفت که این نعمت هائیکه به شما دادیم آیا برای اینکه آنها را سوخت جهنم قرار دهید بلکه آن نعمت‌هابا این هدف به شما داده شده بود تا که آنها را با اصلاح و تربیت اسلامی و شایسته، بنده صالح خداوند کنید و باید دانست جامعه خودبخود خراب نمی‌شود و آسیبی به آن وارد نخواهد گردید که بخودی خود خراب شود معاشرت وقتی خراب می‌شود که زنان و نوجوانان جامعه خدای ناخواسته فاسد شوند امروزه شما آن را مشاهده می‌کنید و به هر اندازه آزادی در زنان بیشتر شود به همان

۱- مشکوة کتاب النکاح ج ۲ ص ۲۶۷   ۲- الروم آیه ۲۱

تناسب نافرمانی در وجود آنها پیدا خواهد شد و جلوی این فساد را قانون، زندان، پلیس و حکومت نمی‌تواند بگیرد فقط پدر اوست که می‌تواند از این فساد جلوگیری نماید بشرط اینکه احساس مسئولیت کند و به مسئولیت خود عمل نماید قطعاً معاشرت خودبخود خوب می‌شود.

مراقبت همیشگی فرزندان لازمی است.

پیامبر (ﷺ) در رابطه با تربیت فرزندان به یک صحابی (رضی الله عنه) تأکید و توصیه فرمودند **«لا ترفع عنهم عصاک ادباً و اخفهم فی الله»**[1] عصای ادب و تربیت را از آنها دور نکن و همواره آنها را در انجام او امر و ترک نواهی از خداوند بترسان یعنی رعب و سیاست پدر باید در مقابل فرزندان بجهت تربیت و ادب آنها حفظ شود و فرزندان را نباید آزاد رها کرد و اگر فرزندان آزاد رها کرده شوند شکار شیطان می‌شوند و فرمودند **«ادباً»** یعنی رعب و سیاست پدر باید بجهت تربیت فرزندان باشد و اگر فرزند اینگونه تربیت شود دارای بهترین اخلاق خواهد بود و این موضوع تجربه‌گردیده است که اگر به فرزندان قرآن و علم قرآن بیاموزید و آنها را خوب تربیت کنید و این کار مشکلی نیست آن فرزند در دنیا برای پدر و مادر سامان بهشت خواهد گردید.

یک داستان عجیب در رابطه با فرمانبرداری فرزند

۱- مسند احمد ص ۳۲۸ ج ۵ مطبوعه دارالفکر

من در سال ۱۹۸۶ برای انجام حج به سرزمین مقدس مکه مشرف شدم در منا برای رفتن به عرفات در انتظار اتوبوس بودم صحنه عجیبی دیدم جوانی راکه خود آنقدر انسان قوی و تنومندی نبود مادر پیرش را به دوش داشت و از منی بسوی عرفات پای پیاده می‌رفت و مادر پیرش خیلی ضعیف بود و فرزندش او را به پشت خود حمل می‌کرد تا حج او انجام شود بله دوستان! علاقه به اینکار از کجا در وجود او پیدا شده بود؟ بله آن جوان به قرآن و حدیث پیامبر (ﷺ) علم داشت خودش پیاده می‌رود و مادرش را نیز بر پشت خود حمل می‌کند اتوبوس و وسیله وجود دارد آیا امروزه کسی از ما اینگونه است اینکار را کسی می‌کند که از خدا بترسد و حقوق پدر و مادر را بشناسد.

یک داستان نصیحت آموز

یک حدیث در کتاب بخاری و دیگر کتب حدیث آمده است که پیامبر (ﷺ) در یک داستان بزرگ از بنی اسرائیل فرمودند که سه نفر از بنی اسرائیل در مسیری در حال حرکت بودند ناگهان باران شروع شد و اینها به غاری پناه بردند و سنگی افتاد و درب غار را بر روی آنها بست آنها با هم مشورت کردند و به نتیجه رسیدند که هر یک از آنها که عمل نیک و شایسته‌ای انجام داده وسیله قرار دهد و دعا کند تا شاید خداوند این مشکل را برطرف نماید و آن سنگ از درب غار دور شود یکی از آنها گفت خدایا تو می‌دانی پدر و مادرم پیر بودند و من گوسفندان را می‌چراندم و عملکرد من همیشه به این نحو بود که من شیر

گوسفندان را می‌گرفتم و اول به پدر و مادر و بعد به فرزندان می‌دادم یک روز بعلت دوری چراگاه گوسفندان، دیر به خانه آمدم که پدر و مادر خواب بودند و من ظرف شیر را گرفته و بر بالای سر پدر و مادر ایستادم تا آنها بیدار شوند و شیر را به آنـها دهـم و تـا آن وقت فرزندان من بعلت گرسنگی نخوابیده بودند و گریه می‌کردند تا به آنها از این شیر بدهم وقتی آنها بیدار شدند من این شیر را به آنها و بعد به فرزندان دادم خدایا اگر اینکار را به خاطر رضای تو انجام دادم این سنگ را از دهان غار بردار تا ما بیرون شـویم چـنانچه خداوند آن سنگ را برداشت، عاقبت و سزای خدمت به پدر و مادر این است.

فرزندان را باید در چه سنی در برابر ترک نماز تنبیه کرد

حدیث پیامبر در بحث قبلی گذشت که پیامبر (ﷺ) فرمودند فرزندانتان در سـن هـفت سالگی توصیه و امر به نماز کنید و کار توصیه را پیوسته تا سه سال انجام دهید بعد پیامبر (ﷺ) می‌فرمایند **«و اضربوهم علیها و هم ابناء عشر»** یعنی از هفت سالگی تـا ده سالگی به مدت سه سال به فرزند نماز را آموزش دهید نصیحت کنید خیرخواهی کنید و اگر به سن ده سالگی رسید و نماز نمی‌خواند سرکشی و طغیان داشت پس او را تنبیه کنید و در رابطه با نماز با او سختگیری کنید و در حدیث کلمه **«ضـرب»** بکـار رفـته است و معنایش زدن است که مفهوم آن این نیست که شروع به زدن کن و او را بیش از حد بزن بلکه در امور عبادات با او سختگیری کن و بچه در مقابل سختگیری پدر و مادر به اصلاح

خود می‌کوشد. ولی متأسفانه وضعیت و رفتار ما چگونه است. بیائیم وضعیت خود و خانواده‌هایمان را بررسی کنیم کدامیک از شما به فرزندش وضو و نماز را آموخته است؟

استان سند و معلمین هندو

استان سند این حالت را دارد که در آنجا معلمین هندو به فرزندان مسلمانان آموزش می‌دهند چه چیزی می‌آموزند؟ خدا بهتر می‌داند! و بدانید که قطعاً شاگرد تحت تاثیر استاد قرار خواهد گرفت اگر استاد انسان متدین و دینداری باشد اثرش بر دانش آموز ظاهر می‌گردد و اگر بی دین باشد باز هم این بی‌دینی در دانش آموزان اثر خواهد گذاشت همچنین در ناظم آباد کراچی در یک مدرسه‌ای یک زن عیسائی درس اسلامیات به دانش آموزان تدریس می‌کرد ما نسبت به همه چیز کودکان توجه داریم و برای آنها دکتر خوب، خیاط خوب و آشپز خوب انتخاب می‌کنیم متاسفانه در انتخاب معلم و تربیت کننده اخلاقی او دقت بخرج نمی‌دهیم.

امتیاز مرد و زن

یک مطلب دیگر که باید به آن توجه کرد این است که خداوند در میان مرد و زن از لحاظ فطرت، اوصاف، طبیعت، اخلاق و خلقت‌شان فرق‌های بزرگی گذاشته است. بین زن و مرد فرق است معلوم نیست این حرف مساوات از کجا آمده است؟ و اگر کمی از دستورات خداوند که مطابق رعایت حال فطری انسان نازل گردیده، سرکشی و بغاوت کند قطعاً

موفق نخواهد شد و ترقی نخواهد کرد. چون جنس، نوع، احکام، اخلاق و مـزاج، زبـان، وضعیت جسمی، نشو و نمای، رفتار، طرز تکلم و تخاطب هر یک از زن و مرد با هم فرق دارد و این امر ضروری است که معلم پسر باید مرد باشد نه زن و اگرنه، در او صـفات و اخلاق زنان پیدا خواهد گردید چون گفتار، رفتار و اخلاق معلم بـرای شـاگـرد نـمونه و الگوست و شاگرد در نظر دارد تا مطابق آن عمل کند.

فرزند بهترین نعمت خداوند

اگر ما در رابطه با فرزندانمان غفلت کنیم نتایج آن را در دنیا خواهیم دید و این نور چشمان و جگرگوشه‌هایمان در همین دنیا برایمان عذابی خواهند بود و آنقدر نافرمان و سرکش می‌شوند که پدر و مادر مرگ خودشان را ترجیح می‌دهند و این واقعات روزمره در جامعهٔ ما به کثرت یافت می‌شود و باید از خودمان سئوال کنیم که ما این نعمت بزرگ خداونـد را (فرزند) که به ما ارزانی داشته است آیا ما او را مطابق راهنمایی پیامبر (ﷺ) تربیت کردیم؟ و در اصل مسئولیت تربیت فرزند بعهده پدر، مادر معاون، معین و مددگار اوست و اصل مسئولیت بر عهده پدر است و اگر پدر و مادر در تربیت کودک با هم اتفاق نظر و اتحاد داشته باشند قطعاً بچه خوب تربیت خواهد شد و اگر نه! نه!

افراط و تفریط در رابطه با تربیت درست نیست

بعضی از ما فرزندان را به مادرانشان می‌سپارند و خودشان هیچ مراقبت و مواظبتی ندارند و شکی نیست که مادر نسبت به فرزند از همه شفقت و محبت بیشتری دارد ولی از آنجا که ناقص العقل است و در وجود او عقل، فهم و عاقبت اندیشی آن قدر نیست که در مرد است و نظر او از نیاز دنیوی فرزند تجاوز نمی‌کند و عموماً صلاحیت عاقبت اندیشی در مادر یافت نمی‌شود و این چیزها را شما به کثرت مشاهده می‌کنید.

نسخه اصلاح فرزند

برای پدر و مادرانی که از سوی فرزندان ناراحت و پریشان هستند توجه داشتن به دو مطلب ضروری است باید به این دو چیز، خودشان را موظف بدانند و خداوند است که در دل‌ها تبدیلی ایجاد می‌کند و دلها بدست اوست (۱) مطلب اول اینکه برای اصلاح آنها خوب دعا کنند چون دعا تیری هست که به هدف می‌خورد و در حدیث شریف پیامبر (ﷺ) آمده است از میان دعاهائی که زود قبول می‌شوند یکی دعا پدر برای فرزند است **«دعاء الوالد لولده کدعاء النبی لامته»** هر گاه پدر برای اصلاح فرزند خویش دعا می‌کند این دعا زود قبول می‌شود و شما تجربه کرده‌اید دعا پدر بسیار کم است که قبول نشود دعاء پدر تیری است که به هدف می‌خورد و خداوند قبول می‌فرماید بشرط اینکه دعا از ته دل همراه با خیرخواهی و دلسوزی باشد و شما اگر دوست دارید تجربه کنید. خودمان دعا را فراموش کرده‌ایم وقتیکه مشکلی داریم فوراً می‌دویم نزد بزرگی که برای فلان مشکل ما

دعا کن این بسیار خوب است من نمی‌گویم که نروید ولی اول خودتان دعا کنید و ببینید خداوند مقرر نفرموده که حتماً انسان برای دعا کردن نزد انسان صالح و نیکی برود تا او دعا کند و خداوند دعا او را می‌شنود و دعاهای دیگر را نمی‌شنود البته اگر کافر هم دعا کند دعا او نیز به بارگاه خداوند قبول می‌شود و در جاهای مختلفی در قرآن مجید آمده که دعـاء کافران نیز قبول می‌شود در یک جای قرآن آمده است **«هُوَ الَّذِیْ یُسَیِّرُکُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْر حتّیٰ اِذا کُنْتُمْ فِی الْفُلْکِ وَ جَرَیْنَ بِهِمْ بِرِیْحٍ طَیِّبَةٍ وَ فَرِحُوْا بِهَا جَاءَ تْهارِیْحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ کُلِّ مَکَانٍ وَ ظَنُّوْا اَنَّهُمْ اُحِیْطَ بِهِمْ دَعَوُاللهَ مُخْلِصِیْن لَهُ الدِّیْن لَئِنْ اَنْجَیْتنا مِنْ هٰذِهِ لَنَکُوْنَنَّ مِنَ الشّٰکِرِیْن»**[۱] یک نقشه زیبایی کشیده شده است **«حَتّٰی اِذَا کُنْتُمْ فِی الْفُلْکِ وَ جَرَیْنَ بِهِمْ بِرِیحٍ طَیِّبَةٍ»** وقتی انسان سفر دریایی می‌کند و در کشتی می‌نشیند و سفر در کشتی و مناظر زیبای دریا را مـی‌بیند خـوش و مسرور می‌گردد که ناگهان طوفان می‌آید و موجهای دریـا از هـر طـرف او را مـحاصره می‌کنند و گمان می‌کند که حال هلاک شده و از بین می‌رود و هیچ راه گـریزی نـیست خداوند متعال درباره کافران می‌گوید در وقت طوفان و موج زدن دریا، خداوند را با اخلاص زیادی دعاء می‌کنند و فریاد می‌زنند و خداوند دعا آنها را قبول می‌کند و آنـها را نـجات می‌دهد وقتیکه، آنها نجات می‌یابند باز به طغیان و سرکشی مبتلا می‌گردند منظورم این

۱- یونس ۲۲

بود که خداوند دعا کافران را نیز قبول می‌کند. ما که به فضل، کرم و احسان خداوند مسلمان هستیم و امت پیامبر (ﷺ) هستیم گرچه گناهکار هستیم و دعا ما حتماً قبول می‌شود.

دعاء گنهکار زود قبول می‌شود

گنهکار بودن شخص مانع قبولی دعا او نیست و البته تجربه من این است آنقدر زود که خداوند دعاء انسان گنهکار را قبول می‌کند دعاء انسان صالح و نیک را آنقدر زود قبول نمی‌کند چونکه انسان صالح و نیک در دعا اصرار نمی کند ولی انسان گنهکار دستهایش را بلند می‌کند و با گریه و زاری و عاجزی از ته دل از خدا می‌طلبد بهمین جهت دعا بهترین تدبیر است به همین جهت در حق آنها دعاء خیر کنید و برای اصلاح و تربیت آنها خوب دعا کنید فقط یکمرتبه دو مرتبه دعا کافی نخواهد بود بلکه تا وقتیکه به هدف و مقصود نرسیدید دعا کنید و شان مؤمن عاجزی و انکساری است که پی در پی از خدا بخواهد و مأیوس نشود در حدیث پیامبر (ﷺ) آمده است که بنده دعا می‌کند تا وقتیکه به هدف نمی‌رسد و وقتیکه نتیجه‌اش را نمی‌بیند با خودش می‌گوید من چرا دعا کنم، قبول که نمی شود دعا کردن را ترک می‌کند این فریب شیطانی است دعا قطعاً قبول می‌شود ولی اثرات قبولی آن کی ظاهر خواهد شد انسان از او اطلاعی ندارد و نمی‌داند ولی دعا قبول می‌شود اگر به روش درست انجام شود پیوسته و علی الخصوص آن اوقاتی دعا کنید

که خداوند وعده قبولی در آن اوقات را داده است و آن اوقات در شب و روز می‌آیند و می‌روند.

ساعت قبولیت دعاء

در حدیث شریف پیامبر (ﷺ) آمده است که در شبانه روز یک وقت بگونه‌ای است که در آن وقت هر چه از دهان شخص مؤمن بیرون شود فوراً دربارگاه خداوند قبول می‌شود لیکن این وقت کدام است در مورد آن هیچ کس علم ندارد بهمین جهت است که پیامبر (ﷺ) فرمودند هیچگاه برای فرزندان، زندگی، شغل و کار خودتان دعا بد نکنید ممکن است آن وقتیکه شما دعا بد می‌کنید ساعت قبولیت دعا باشد و نتیجتاً ناراحت و پریشان شوید و مقصود اینکه مرتباً شب و روز دعا کنید. چونکه در شبانه روز یک وقت به گونه‌ای است که دعا حتماً قبول می‌شود.

بهترین اوقات قبولیت دعا

ولی بعضی از اوقات قبولیت دعا معین و معلوم هستند که خداوند قبولیت دعا را در آن اوقات وعده فرموده است بهترین وقت قبولیت دعا تهجد است بسیاری از بندگان نیک خداوند نماز تهجد می‌خوانند وقت تهجد بهترین وقت قبولیت دعا است، در کتاب بخاری شریف و دیگر کتب حدیث، این حدیث پیامبر (ﷺ) موجود است خداوند متعال به وقت تهجد از آسمان اعلان می‌فرماید و ندا می‌کند، آیا کسی هست که از من بخواهد؟ تا